

از سلسله نشرات رساله های ترکیبی

تجدید نظر بر معیشت های روستائی در افغانستان



جو گریس و آدام پین



جولای ۲۰۰۴

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)

از سلسله نشرات رساله های ترکیبی

تجدید نظر بر معیشت های روستائی در افغانستان

جو گریس و ادام پین

جولای ۲۰۰۴



این مطالعه از جانب اتحادیه اروپا (EC) تمویل گردیده است.

در مورد مؤلف

جو گریس تیم لیدر پروژه تحقیقاتی نظارت بر معیشت های دهاتی در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) میباشد. وی از سال ۲۰۰۲ بدینسو بر پروژه تحقیقاتی معیشت های روستائی کار مینماید. وی در تحلیل جنسیت در انکشاف دارای درجه ماستری از پوهنتون انگلیای شرقی در انگلستان میباشد و رشته تحصیلی وی بیشتر معیشت ها مورد بحث قرار گرفته اند. تحقیقات قبلی وی طرز تفکر مردم را در مورد حقوق ملکیت زنان بر زمین در مادهیا پرادیش هند بررسی نموده است. خانم گریس همچنان یک پروژه تحقیقاتی را در مورد طرز تفکر مردم از انکشاف زنان در تامیل نادو در جنوب هند طرح و انسجام نموده است.

ادام بین عضو گروپ تحقیق در کالج مطالعات انکشافی در پوهنتون انگلیای شرقی در انگلستان میباشد، که در آنجا میان سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۸۷ عضو تدریسی فاکولته بوده است. وی از ماه فبروری ۲۰۰۱ برای مؤسسات مختلف بشمول واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و پروژه تحقیقاتی معیشت ها در افغانستان کار نموده است. وی از سال ۱۹۹۲ بدینسو در منطقه همالیه کار نموده است.

در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) یک سازمان مستقل تحقیقاتی بوده که تحقیقات و آموزش قابل تعمیم را انجام و یا تسهیل مینماید که از آن در طرح پالیسی و عملکرد استفاده صورت میگردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تحکیم ظرفیت های تحلیلی و ایجاد فرصت های تحلیل، تفکر و مباحثه، روش های تحقیقاتی و آموزشی را بصورت فعالانه در افغانستان ترویج می نماید. یکی از اصول بنیادی هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اینست که کار آن باید زندگی افغانها را بهبود بخشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) توسط جامعه امداد که در افغانستان مصروف کار اند، ایجاد گردیده و دارای یک هیئت مدیره میباشد که در آن نمایندگان مراجع کمک دهنده، ملل متحد و سازمان ها و مؤسسات چندین جانبه و مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) عضویت دارند.

بخش اساسی فند جاری برای واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان از جانب دفتر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و حکومت سویدن و سویس اعطاً گردیده است.

ابراز امتنان

این مطالعه نتیجه تلاش مشترک واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و هفت سازمان غیر حکومتی همکار میباشد که عبارت اند از: مؤسسه انکشافی آغا خان (AKDN)، مؤسسه بین المللی پاملرنه (CARE)، انسجام کمک های بین المللی (CHA)، دفتر عمومی امداد مسیحی (EOCA)، کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR)، جرمن اگرواکشن (GAA) و هیئت نیکوکاری. (Mercy Corps) این مطالعه بدون زحمات تمام این سازمان ها و کارکنان شان امکان پذیر نخواهد میبود.

علاوه بر آن، از کارکنان واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، خصوصاً آصف کریمی و ایمل احمدزی بخاطر کار بی شائبه و تعهد شان، الکسیا کوک بخاطر مشوره های همیشگی، کمک و تشویق، آفتاب اوپل بخاطر کمک و مشوره و براندی بایر و تام میولر بخاطر تصحیح و ایدیت این نشریه باید ابراز تشکر و قدردانی نمود. مؤلفین همچنان مدیون تیم اداری و مالی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان خصوصاً دربوران میباشد، که طی ۱۸ ماه گذشته کمک و مساعدت نموده اند.

ما همچنان به کارکنان خدمات اداره اطلاعاتی افغانستان (AIMS) خصوصاً مسعود اندرابی بخاطر کار خستگی ناپذیر شان در ایجاد بیس اطلاعاتی برای تحقیقات نهایت سپاسگذاریم.

همچنان از تمام آنانیکه نسخه قبلی این گزارش را خوانده اند و تبصره های مفید و عالمانه خویشرا ارائه نموده اند، تشکر مینمائیم.

آرزو داریم تا به کمیسیون اروپا بخاطر اعطای امکانات مادی برای پیشبرد این مطالعه سپاسگذاری خویشرا ابراز نمائیم. بدون فند آنها و باور شان به منافع بالقوه این تحقیق، ممکن است تعمیم این پروژه امکان پذیر نمیبود.

بالاخره، به مردمان ۲۱ قریه مطالعه شده، خصوصاً به اعضای ۳۹۰ خانواری که بما و کارکنان مؤسسات غیر حکومتی همکار اجازه دادند تا نتنها یکبار، بلکه دوبار و یا بیشتر از آن وارد خانه هایشان شویم، باید گفت که ما بخاطر مهمان نوازی و سهمگیری تان درین مطالعه خیلی سپاسگذاریم. ما خیلی مدیون این مردم هستیم و امیدواریم که این تحقیق به نحوی برایشان مفید باشد.

فهرست مطالب

اصطلاحات	iv
خلاصه اجراییه	۱
یافته های کلیدی، پیامد ها و سفارشات	۱
۱. مقدمه	۴
۲. مسایل شرایط و پالیسی ها	۶
۱.۲. ساحات کلیدی پالیسی	۷
۱.۱.۲. ضمیمه تخنیکي زراعت و منابع طبيعي	۷
۲.۱.۲. ضمیمه تخنیکي معيشت ها و حمايت اجتماعي	۸
۳. میتود ها	۱۰
۱.۳. مراحل پروژه	۱۰
۲.۳. محدودیت ها	۱۴
۴. نتیجه گیری های کلیدی در مورد معیشت ها	۱۷
۱.۴. تأمین غله جات خانوار ها	۱۷
۲.۴. اشکال مالکیت بر زمین	۲۰
۳.۴. مالکیت بر مواشی	۲۵
۴.۴. عواید خانوار ها	۲۷
۱.۴.۴. تنوع در معیشت ها	۲۸
۲.۴.۴. منابع عواید	۳۱
۵.۴. مصارف	۳۵
۶.۴. قروض	۳۸
۱.۶.۴. قروض و تغییر با گذشت زمان	۴۲
۷.۴. تفاوت میان قریه ها	۴۵
۱.۷.۴. تفاوت ها در دارائی ها و تاریخ قریه ها	۴۵
۲.۷.۴. تأثیرات مختلف پالیسی ها و ساختار های قدرت	۴۵
۳.۷.۴. تفاوت در ثروت میان قریه ها	۴۶
۵. نتیجه گیری: پیامد های کلیدی و توصیه ها	۴۷
۱.۵. تأمینات اجتماعي و معيشت ها	۴۷
۱.۱.۵. تنوع معیشت ها	۴۷
۲.۱.۵. کار غیر کشاورزی	۴۸
۳.۱.۵. مهاجرت نیروی کار	۴۹
۴.۱.۵. مقروضیت	۴۹
۵.۱.۵. جنسیت	۵۰
۶.۱.۵. صحت	۵۱
۷.۱.۵. تأمینات اجتماعي و "فقیر ترین فقراً"	۵۲

۵۳.....	۲.۵ زراعت
۵۵.....	۳.۵ نظارت بر معیشت ها

جداول

۱۱.....	مشخصات ساحه	جدول شماره ۱:
۱۳.....	چوکات نمونه	جدول شماره ۲:
۱۸.....	دسترسی به گندم از مزارع و مارکیت نظر به محل، قریه و گروپ ثروت	جدول شماره ۳:
۲۰.....	فیصدی غله حاصله از تولیدات مزارع نظر به ساحه	جدول شماره ۴:
۲۱.....	نمونه های کشاورزی (فیصدی خانوار ها نظر به گروپ های ثروت)	جدول شماره ۵:
۲۱.....	مالکیت بر زمین: مساحت متوسط زمین (جریب) نظر به گروپ ثروت، گروپ سوم ثروت بشکل فیصدی	جدول شماره ۶:
۲۳.....	ساحه مجموعی سروی شده و مساحت متوسط زمین خانوار نظر به قریه	جدول شماره ۷:
۲۵.....	فیصدی مالکیت مشترک بر زمین در خانوار های زمیندار نظر به ساحه	جدول شماره ۸:
۲۵.....	تعداد اوسط گوسفند و بز در هر ساحه، قریه و گروپ ثروت (داخل قوس فیصدی مجموع مواشی خانوار های نمونه را در هر قریه نشان میدهد)	جدول شماره ۹:
۲۶.....	مهمترین منبع عواید نظر به تنوع (تعداد) منابع عواید (بیشترین تعداد خانوار ها در یک گروپ ثروت آنرا اولین منبع عواید قلمداد نموده اند)	جدول شماره ۱۰:
۳۲.....	فعالیت های اعضای غیر مقیم خانوار ها نظر به گروپ ثروت	جدول شماره ۱۱:
۳۳.....	درجه بندی مصارف خانوار	جدول شماره ۱۲:
۳۷.....	فیصدی خانوار های مقروض و سنجش مقدار متوسط قرض پول نقد نظر به ساحه، قریه و گروپ ثروت	جدول شماره ۱۳:
۴۰.....	منابع قرض نظر به گروپ های ثروت	جدول شماره ۱۴:
۴۱.....	تغییرات در سطح قروض: فیصدی خانوار های مقروض و ارزش متوسط قرض های نقدی به افغانی	جدول شماره ۱۵:
۴۲.....	تغییرات در شمار مواشی	

چوکات ها

۳۳.....	گدایی بخاطر حصول غله	چوکات ۱:
۳۳.....	شرایط جدید تجارت در قالین بافی	چوکات ۲:
۳۳.....	یک زن تجارت پیشه در فاریاب	چوکات ۳:
۳۳.....	ترکیب کار کشاورزی و غیر کشاورزی در سرپل و فاریاب	چوکات ۴:
۳۳.....	مصارف صحی در لغمان و هرات	چوکات ۵:
۳۳.....	سیاست اقتصاد چوب در یک قریه لغمان	چوکات ۶:

چارت ها

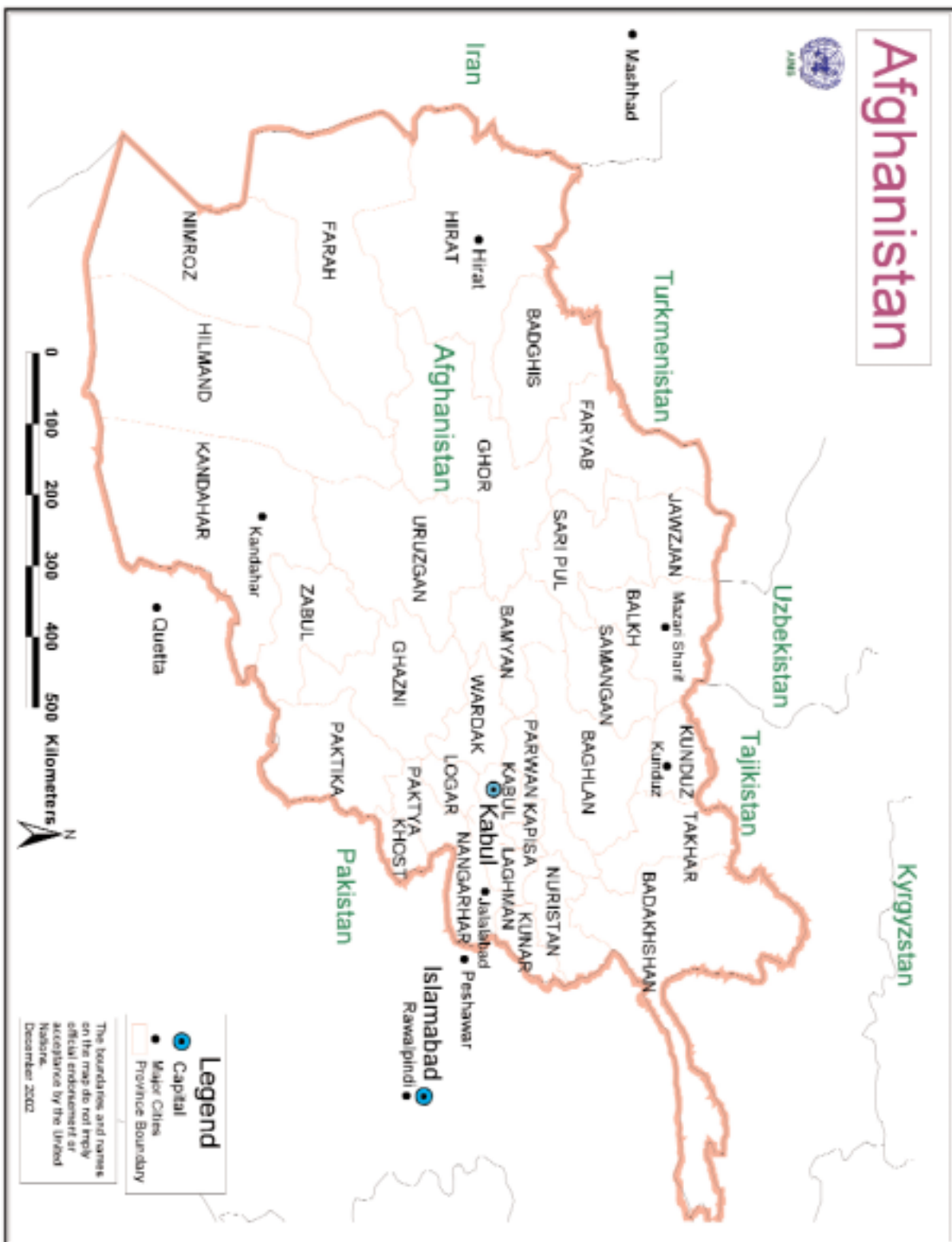
۳۰.....	دیاگرام فعالیت های خانوار از مشاهده یک خانوار غریب در ولایت فاریاب نظر به موسم و جنسیت	چارت شماره ۱:
۴۱.....	علل قرض گیری خانوار ها نظر به گروپ ثروت	چارت شماره ۲:

نقشه ها

i.....	افغانستان	نقشه ۱:
ii.....	ولسوالی جرم، بدخشان	نقشه ۲:
ii.....	ولسوالی جغه تو، غزنی	نقشه ۳:
ii.....	ولسوالی پشتون زرغون، هرات	نقشه ۴:
ii.....	ولسوالی دولت آباد، فاریاب	نقشه ۵:
iii.....	ولسوالی قندهار، قندهار	نقشه ۶:
iii.....	ولسوالی الینگار، لغمان	نقشه ۷:
iii.....	ولسوالی صیاد، سرپل	نقشه ۸:

نقشه ها

نقشه ۱: افغانستان



نقشه ۶: ولسوالی قندهار، قندهار



نقشه ۸: ولسوالی صیاد، سرپل



نقشه ۷: ولسوالی الینگار، لغمان



اصطلاحات

فقر مزمن	آنانیکه دایماً در تحت خط فقر قرار دارند.
دارائی مالی	پول نقد مانند کریدت و پس انداز که جهت تولید و یا خرید اجناس از آن استفاده میگردد.
گلیم	فرش های سنتی افغانی که بدون پت بافته میشوند.
خانوار	کوچکترین واحد مردم که در یک حویلی زندگی مینمایند و معمولاً متشکل از شوهر، خانم و اطفال شان میباشد.
دارائی بشری	سطح تحصیل و صحت افراد و نفوس
جریب	جریب مساوی به ۲۰۰۰ متر مربع میگردد.
جریب کابلی	مساحت تعیین شده جریب بصورت رسمی از جانب حکومت میباشد؛ واحد محلی جریب ممکن است از لحاظ معادل متریک آن متفاوت باشد.
معیشت	معیشت درینجا منحیث دارائی ها، فعالیت ها و دسترسی میباشد که امرار معاش کمائی شده توسط یک فرد خانوار را معین میسازد.
LPS CG	تعامل میان حکومت، کمک دهندگان، مؤسسات ملل متحد و مؤسسات غیر حکومتی را در مورد معیشت ها و حمایت اجتماعی تسهیل مینماید.
منطقه	ساحه تسلط محلی
MISFA	پروگرام بانک جهانی و وزارت احیاء و انکشاف دهات در مورد انکشاف خدمات مایکرو فینانس در افغانستان
دارائی طبیعی	پایگاه منابع طبیعی (مثلاً زمین، آب، جنگلات) که تولیداتی را جهت استفاده اهالی بشری بخاطر بقا و یا کسب درآمد مهیا میسازند.
NABDP	یک پروگرام دولتی میباشد که هدف از آن تقویت نهاد های سطح ولایت و ولسوالی میباشد تا اولویت ها و پروگرام های ملی را تطبیق نموده و پلان سرمایه گذاری دولتی را ترتیب نمایند.
NEEP	یک پروگرام ملی میباشد که هدف از آن ایجاد حد اقل اشتغال از طریق بکار انداختن چنان پروژه های عام المنفعه میباشد که قابلیت جذب شمار زیاد کارگران را داشته باشد تا زمینه تأمین معیشت های طبقه فقیر فراهم گردد.
کار غیر کشاورزی	کاری که مربوط به زراعت نباشد.
NRVA	ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری
NSP	این پروگرامی است که هدف از آن انکشاف توانمندی های جوامع محلی جهت پلانگذاری، اداره، تمویل و نظارت بر پروگرام های انکشافی خود شان بوده و اینکار از طریق تحکیم اداره مردمی محلی، ایجاد قابلیت رهبری در میان قریه ها و محلات و بذل مساعدت به احیای مجدد و انکشاف جمعیت های محلی صورت میگردد.

یک پروگرام سراسری ملی بوده که در آن ملل متحد، مؤسسات غیر حکومتی، کمک دهندگان و حکومت افغانستان سهم دارند و هدف از آن درک مصئونیت غذایی، آسیب پذیری، تغذیه و شیوه های بقا خانوار ها در افغانستان میباشد.

کار غیر کشاورزی کاری است که با زراعت مرتبط بوده ولی مشمول کشت نمیگردد، بطور مثال، پروسس محصولات زراعتی.

دارائی فزیکتی دارائی هائیکه توسط پروسه های تولیدی اقتصادی ساخته شده اند (بطور مثال، وسایل و آلات، ماشین ها، کانال های آبیاری).

سیر هفت کیلوگرام

شورا مجمع بزرگان قریه

دارائی های اجتماعی شبکه های اجتماعی ایکه مردم در آن سهم میگیرند و از آن جهت تأمین معیشت های خویش کمک دریافت مینمایند.

آسیب پذیری در معرض خطر، صدمات و فشار قرار داشتن

ولسوالی واحد اداری

خلاصه اجراییه

حکومت افغانستان، مؤسسات ملل متحد، کمک دهندگان و مؤسسات غیر حکومتی باید به اهمیت کار غیر کشاورزی در معیشت های دهائی معتقد بوده و از آن حمایت نمایند و نکات آتی را در نظر گیرند:

- نظارت بر گرایشات اشتغال پس از وقت در سطح محلی؛
- ارزیابی و حمایت از مهارت هائی که مردم قبلاً آنرا کسب نموده اند
- کسب دانش در مورد مهارت هائی که برای کار غیر کشاورزی برای مردان و زنان ضرور است؛
- بررسی امکانات آموزش مهارت ها منحیث بخشی از پروگرام های عام المنفعه؛
- حصول اطمینان از اینکه پروگرام های ملی مستقیماً به نفع زنان بوده و انکشاف ستراتیژی هائیکه به نفع زنان اند.

مهاجرت نیروی کار

مهاجرت نیروی کار در داخل و خارج افغانستان برای بیشتر از ربع تمام خانوار ها یک شیوه مهم درآمد میباشد. مهاجرت نیروی کار ممکن است برای خانوار های متمول یک شیوه انباشت باشد. هرچند این امر برای طبقه فقیر یک شیوه سازگاری با فرصت های نامساعد اشتغال در داخل قریه و یک طریق جستجوی کار با مزد های بهتر میباشد.

حکومت افغانستان، ملل متحد، کمک دهندگان و مؤسسات غیر حکومتی همه باید انتقال نیروی کار را از یک نگاه مثبت ارزیابی نمایند، نه اینکه آنرا یک پدیده منفی تلقی نمایند و تحقیقاتی را در مورد انتقال کار رویدست گیرند تا دانش بهتری را در مورد این مسئله ارائه نمایند که چرا مردم راه مهاجرت را در پیش میگیرند، بکجا مهاجرت مینمایند و چگونه مهاجرت مینمایند و غیره.

مقروضیت

بسیاری خانوار ها اعم از غنی و فقیر مقروض اند و مقروضیت یکی از عوامل ایجاد و تداوم فقر میباشد. خانوار های غنی تر اکثراً قرض را برای مراسمی از قبیل عروسی ها میگیرند، که برای آن به مبالغ هنگفتی ضرورت است و یا اینکه برای اهداف تولید و سرمایه گذاری قرض میگیرند. خانوار های فقیر تر بخش اعظم قروض را بخاطر

این گزارش نتیجه گیری ها و پیامد های پروژه تحقیقاتی ۱۸ ماهه نظارت بر معیشت های دهائی را ارائه مینماید. این پروژه تحقیقاتی را واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و هفت سازمان غیر حکومتی انجام دادند که شامل نظارت بر ۳۹۰ خانوار در ۲۱ قریه در هفت ولسوالی در هفت ولایت بود. اطلاعات در مورد دارائی های بشری، مالی، فیزیکی و طبیعی در سطح قریه و خانوار جمع آوری گردید که هدف از آن کسب آگاهی در مورد معیشت های دهائی در افغانستان و بهبود ظرفیت های نظارت و ارزیابی مؤسسات غیر حکومتی همکار میباشد. این خلاصه نتیجه گیری ها، پیامد ها و توصیه های کلیدی این تحقیق را ارائه مینماید.

نتیجه گیری ها، پیامد ها و توصیه های کلیدی

تنوع در معیشت

اکثریت خانوار ها اعم از غنی و فقیر دارای منابع متنوع عواید بوده و بسیاری آنها در ترکیبی از فعالیت های زراعتی و غیر زراعتی سهیم اند. تنوع معیشت برای خانوار های غنی تر معمولاً یک شیوه انباشت میباشد، در حالیکه برای خانوار های فقیر، تنوع یک میکانیزم سازش و گذران میباشد.

حکومت افغانستان، مؤسسات ملل متحد، کمک دهندگان و مؤسسات غیر حکومتی باید یقین حاصل نمایند که فعالیت هایشان شیوه های مختلفی را که خانوار های فقیر جهت کسب عواید بکار میبرند، حمایت مینمایند و صرف اتکاً بر یک سکتور معین مانند زراعت را منحیث منبع معیشت ترغیب نمی نمایند. یک راه پیشرفت به جلو این خواهد بود تا فعالیت هائی طرح گردند که به تمام خانوار کمک نماید نسبت به اینکه بیک فرد کمک گردد.

کار غیر کشاورزی

از جمله ۲۱ قریه ایکه مطالعه شده اند، در ۱۸ قریه کار غیر کشاورزی مهمترین منبع درآمد برای فقیر ترین گروه ها میباشد. اهمیت فعلی کار غیر کشاورزی دارای پیامد های مهمی در بخش زراعت برای بسیاری پروگرام ها و پالیسی ها در دهات میباشد.

زیرا صحت خراب چی فیزیکی باشد و چی دماغی، تأثیر عظیمی بر معیشت ها دارد. صحت خراب یک عامل عمده در ایجاد مقروضیت بوده و موجب ضیاع دارائی ها میگردد، زیرا خانوار ها جهت پرداخت مصارف معالجه دارائی های خویشرا بفروش میرسانند. صحت خراب بر معیشت ها نیز اثر ناگوار وارد مینماید، زیرا شخصی که مریض است (وهمچنان ممکن است کسی که از وی مواظبت مینماید) قادر نیست که در فعالیت های کسب درآمد مصروف گردد. صحت همچنان از طریق تأثیرات منفی فعالیت های معین کسب درآمد، مانند قالبین باقی و یا سوزن دوزی و هم بعلت خطرات صحت ناشی از انتقال نیروی کار با معیشت ها مرتبط میباشد. صرف نظر از تمام اینها، وزارت صحت عامه بخشی از گروه مشورتی معیشت ها و حمایت اجتماعی (CG LSP) نمیشود.

حکومت، گروه مشورتی معیشت ها و حمایت اجتماعی و سازمان های اجرا کننده باید:

- وزارت صحت عامه را نیز در گروه مشورتی معیشت ها و حمایت اجتماعی شامل ساخته و میان صحت و حمایت اجتماعی از لحاظ ساختاری ارتباط برقرار نمایند؛
- در مورد مسایل صحتی ای که با معیشت ارتباط دارند در فعالیت های تعلیمی صحتی مشوره بدهند؛
- محصولات دوا سازی و دواخانه ها را از نزدیک کنترل نموده و از فروش ادویه غیر مؤثر جلوگیری گردیده و اطمینان حاصل گردد که ادویه و انتی بیو تیک ها صرف توسط نسخه در دسترس قرار داده میشوند.

حمایت اجتماعی و فقیر ترین فقراً

اکثر پالیسی ها و پروگرام های فعلی افراد خیلی فقیر را هدف قرار نمیدهند و این افرادی است که ممکن است قادر به کار کردن نباشند، دارائی نداشته باشند و از طریق گدائی امرار معاش نمایند. زنانیکه با مردان خیلی مسن ازدواج نموده اند در مقابل فقر خیلی آسیب پذیرند. در حالیکه در بخش معیشت ها و حمایت اجتماعی که ضمیمه سند تضمین آینده افغانستان (SAF) میباشد، توانائی بخشیدن به آسیب پذیر ترین افراد را یکی از اهداف خویش قرار داده است، بنظر نمیرسد که پروگرام هائیکه در چوکات معیشت ها و حمایت اجتماعی پیشبرده میشوند از آسیب پذیر ترین افراد دستگیری نماید. این ضمیمه می پذیرد که لازم است تا میکانیزم های سنتی حمایت درک گردیده و با

گذران و امرار معاش خویش دریافت مینمایند و از آن جهت تأمین مایحتاج ابتدائی مانند مواد خوراکی و مراقبت های صحتی استفاده مینمایند. طراحان پالیسی و دست اندرکاران اجرائیوی خصوصاً حکومت و عرضه کنندگان خدمات میکرو فینانس باید:

- میکانیزم های موجود در محلات را بررسی و بر آن نظارت نمایند؛
- بر سطح مقروضیت نظارت نمایند؛
- انتقال آن بخش از پول را مورد ملاحظه قرار دهند که فعلاً جهت انتقال به فقیر ترین افراد برای تسهیلات سرمایه گذاری و کمک میکروفینانس برای افغانستان (MISFA) اختصاص یافته است؛
- امکانات کمک به مردم را جهت حصول مجدد دارائی هایشان مورد مطالعه قرار دهند.

جنسیت

زنان در دهات افغانستان در بسیاری فعالیت های تولیدی و کسب درآمد دخیل اند که چنین فعالیت ها به تقویت درآمد مجموعی خانوار ها کمک مینماید. هر چند شمار کم زنان دارای منابعی مانند زمین و مواشی میباشد و فرصت ها برای کسب درآمد نسبت به مردان برای آنها کمتر است. چنین نابرابری ها موجب گردیده است که برخی خانوار هائی که در رأس آن زنان قرار دارند در مقابل فقر خیلی آسیب پذیر میباشد، زیرا برای آنان زمینه فعالیت های اندکی وجود دارند که مصارف یک فامیل را تکافو نموده بتوانند.

طراحان پالیسی و مجریان آن در حکومت، مراجع کمک دهنده و سازمان های اجرا کننده باید:

- معیشت های زنان را حفاظت و حمایت نموده و آنرا انکشاف دهند؛
- در پالیسی و پروگرام، نقش زنان را در عرصه زراعت در نظر گرفته و از آن حمایت بعمل آورند؛
- عوامل ساختاری نابرابری بر مبنای جنسیت را مورد توجه قرار دهند و فراتر از فعالیت های سنتی مانند فارم های مرغداری و سوزن دوزی نظر اندازی نمایند.

صحت

برای اکثریت خانوار ها مراقبت صحتی دومین عرصه بزرگ مصارف میباشد. صحت یکی از مسایل معیشتی و حمایت اجتماعی میباشد،

پالیسی سازان و مجریان باید بر عدم تطابق میان واقعیت های معیشت های دهاتی و تمرکز پالیسی و پروگرام ها بر زراعت اعتراف نمایند و:

- مجموع دارائی های خانوار ها و افراد مختلف دهاتی را از همدیگر متمایز سازند؛
- قبل از طرح پروگرام های زراعتی تفاوت میان منابع مختلف طبیعی را که خانوار ها به آن دسترسی دارند، درک نمایند.

نظارت بر معیشت ها

نتیجه گیری های این تحقیق اهمیت گرایش نظارت بر معیشت ها را نشان میدهد. اکثریت مؤسساتی که درین پروژه سهم گرفتند حقایق را دریافتند که در ارزیابی این امر خیلی پر ارزش بود که آیا پروگرام های آنها پاسخگوی واقعیت های زندگی مردم و خصوصاً فقراً است و یا خیر. مؤسسات غیر حکومتی و کمک دهندگان شان باید بیشتر نتایج پروژه ها و پروگرام های شانرا و در موارد ممکنه تأثیرات آنرا در نظر بگیرند، نه اینکه توجه خویشرا بر تولیدات متمرکز سازند. فند ها و سرمایه گذاری های طویل المدت نیز برای آموزش لازم است تا مؤسسات غیر حکومتی و دیگران قادر گردند که نه تنها علایم بلکه علل مضیقه ها در معیشت را مورد توجه و رسیدگی قرار دهند.

آن کار صورت گیرد تا با اشخاص خیلی محتاج کمک گردد، ولی هیچ استراتژی برای انجام این مأمول انکشاف داده نشده است.

طراحان پالیسی و مجریان در وزارتخانه های دولتی و مؤسسات غیر حکومتی باید:

- برای خانوار های دارای اطفال کوچک که اعضای بالغ آن قادر به کار کردن نیستند، منابعی را اختصاص دهد؛
- از کارکنان جمعیت محلی استفاده گردد تا سطح آگاهی مردم را در مورد پیامد های طویل المدت معیشتی زنانیکه با مردان خیلی مسن ازدواج مینمایند، ارتقا بخشند؛
- میکانیزم های سنتی حمایت اجتماعی خوبتر درک گردند.

زراعت

اکثریت خانوار های فقیر بخش بیشتر مواد ارتزاقی خویشرا از مارکیت و یا از طرق دیگر بدست می آورند و کار غیر کشاورزی مهمترین منبع عواید آنها میباشد، نه زراعت. این امر سوالاتی را در مورد دقیق بودن این نظر بمیان می آورد که میگوید "۸۰ فیصد اهالی بر زراعت متکی اند". نتیجه گیری های این تحقیق دارای پیامد های اساسی برای پالیسی و پروگرام های زراعت میباشد، زیرا آنها نشان میدهند که با تمرکز توجه به زراعت، ضرورت های فقراً در دهات در حال حاضر از نظر انداخته شده اند.

۱. مقدمه



مهارت ها و صحت)، دارائی های مالی (پول نقد مانند کربدت و یا پس اندازی که برای تولید و یا خریداری اجناس مورد استفاده قرار گرفته می‌تواند)، دارائی فیزیکی (مانند وسایل و آلات، ماشین ها، کانال های آبیاری)، دارائی طبیعی (مانند زمین، آب، جنگلات) و دارائی اجتماعی (شبهه های حمایت) در سطح قریه و خانوار جمع آوری گردید.

پروژه تحقیق نظارت بر معیشت های دهاتی قبل از سپتمبر ۲۰۰۱ طرح گردیده بود و منشأ آن در پروگرام سازی اصولی مشترک^۲ که باهم مرتبط بودند و میکانیزم های انسجام پلان ستراتیژیک برای افغانستان

این گزارش درک های کلیدی را که پروژه تحقیقاتی نظارت بر معیشت های دهاتی مربوط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) تهیه نموده است، مورد تحلیل قرار میدهد. این پروژه را کمیسیون اروپا تمویل نمود و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و هفت سازمان غیر حکومتی آنرا انجام داد.^۱ اینکار شامل نظارت بر ۳۹۰ خانوار^۲ در ۲۱ قریه در هفت ولسوالی و در هفت ولایت میباشد.

هدف این پروژه این بود تا معیشت های دهاتی در افغانستان درک گردند و همچنان ظرفیت نظارت و ارزیابی مؤسسات غیر حکومتی همکار بهبود یابد. اطلاعات در مورد دارائی های بشری (تحصیل،

۱ مؤسسه انکشافی آفا خان (AKDN)، انسجام کمک بشری (CHA) همراه با دفتر عمومی کمک مسیحی (EOCA)، مؤسسه بین المللی پاملرنه (CARE)، کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR)، جرمن اکشن (GAA) و هیئت نیکوکاری (MC)

۲ خانوار درینجا بحیث کوچکترین واحدی تعیین گردیده است که در یک صحن زندگی مینمایند و معمولاً متشکل است از شوهر، خانم و اطفال آنها و یا متعلقین دیگر.

۳ پروگرام سازی اصولی مشترک چنان نظریه بود که مؤسسات ملل متحد، مؤسسات غیر حکومتی و مراجع کمک دهنده اهداف و اصولی را که مشترکاً بر آن توافق صورت گرفته است، در پروگرام سازی و پروژه های خویش تطبیق خواهند نمود. قرار بود که اهداف و اصول بر مبنای پنج هدف ستراتیژیک پلان ستراتیژیک برای افغانستان استوار باشند.

۴ پلان ستراتیژیک برای افغانستان یک پلان پالیسی مصوب سرمنشی ملل متحد در سپتمبر ۱۹۹۸ بود که "اصول، اهداف و تعامل را برای یک ستراتیژی سیاسی و پروگرام معاونت پیکر، مؤثر و همکار" را تعیین نمود.

همکار می باشد. این گزارش خصوصاً بر شواهد متقاطع در سطح قریه و گروپ ثروت متمرکز می باشد و از اطلاعات خانوار ها بیشتر بصورت انتخابی استفاده صورت گرفته است تا در مورد تفاوت ها میان گروپ های ثروت تحقیق صورت گیرد. تحلیل های مفصل در مورد ساحات مشخص با پیامد های فوری پروگرام ها نزد مؤسسات جداگانه موجود اند.^۵ علاوه بر آن، درین گزارش از سه مطالعه در مورد توزیع تخم بذری، نقش های جنسیت در زراعت و رسوم و نهاد های قریه استفاده بعمل آمده است که منحنی بخشی از پروژه تحقیقاتی نظارت بر معیشت های دهاتی انجام یافته بودند.

امید میرفت که ایجاد مجموعه اطلاعات اساسی را برای تعقیب و پیگیری تغییرات در معیشت ها با گذشت زمان مهیا خواهد نمود. در حالیکه این گزارش بر برخی اطلاعات مشعر بحث مینماید، توضیح جزئیات در ارتباط با گرایشات دراز مدت ناممکن می باشد. اگر قرار باشد که پروژه تحقیقاتی نظارت بر معیشت های دهاتی در درک دراز مدت تغییرات در دهات افغانستان سهمی داشته باشد، در آنصورت این مجموعه اطلاعات طرقی را میسر میسازد که توسط آن اینکار صورت گرفته میتواند. درین رابطه سه سازمان غیر حکومتی ای که درین پروژه شامل بودند در نظر دارند تا با گذشت زمان به نظارت بر عین خانوار ها ادامه دهند.

فصل آینده اجمال شرایطی را ارائه میدارد که این تحقیق در آن صورت گرفت و چنان آجندای حاصله پالیسی را خاطر نشان میسازد که برای آن شواهد ارائه شده درین گزارش پیامد های مهمی دارند. فصل سوم بر میتود هائیکه در پروژه تحقیقاتی نظارت بر معیشت های دهاتی مورد استفاده قرار گرفته اند متمرکز بوده که شامل توضیح نمونه ها می باشد. فصل چهارم مباحثات مفصل بر شواهدی را ارائه میدارد که در ارتباط با معیشت ها ازین پروژه جمع آوری گردیده اند و متعاقب آن فصل نهائی می باشد که پیامد های کلیدی پالیسی و پروگرام ها و همچنان توصیه های ناشی ازین شواهد را ارائه میدارد.

قرار داشت.^۶ انگیزه این پروژه این بود که اقدامات بشری عموماً بر مبنای درک مفصل معیشت های دهاتی طرح نمیگردند و عملکرد های امداد رسانی به دانش توجه کمتری نموده است و بعوض آن در قدم اول بر توزیع امداد بر مبنای فرضیه در مورد اهمیت زراعت در معیشت های دهاتی تأکید نموده اند.^۷ این پروژه در شرایط پس از ۲۰۰۱ انجام یافت و بیشتر بر اعمار دولت، بازسازی و انکشاف تأکید می نمود و مقیاس فند ها و اقدامات خیلی بزرگتر از قبل بود. در چنین محیط باهم فقدان درک و دانش حاصله از تحقیق سیستماتیک بر تصامیم در مورد پالیسی و پروگرام ها سایه افکنده بود. یک مثال خوب این امر توضیح پالیسی و پروگرام ها در خصوص سقوط تولیدات زراعتی در افغانستان می باشد که پس از سال ۲۰۰۱ بصورت گسترده با صراحت بیان گردیده و بر بسیاری عملیات مبرم نفوذ داشته اند. مهمتر اینکه در حالیکه تولیدات زراعتی دو باره افزایش یافته است، در مطابقت با آن تغییری در معیشت دهاتی وارد نگردیده و در فقر در دهات کاهش بعمل نیامده است. چنین فقدان تغییر بر این تصور تلویحی لطمه وارد مینماید که تولید گندم و معیشت های دهاتی را باهم مرتبط میسازد و بنیاد بسیاری پالیسی ها و پروگرام های زراعتی دهاتی را تشکیل میدهد. این تصور معمولاً درین بیان انعکاس یافته است که "۸۰ فیصد افغانها در دهات بر زراعت متکی اند".

هدف بنیادی این گزارش اینست که بجلو حرکت گردد و تصورات و بیانات آزمایش نشده مورد چالش قرار داده شوند و بر مبنای شواهد عملی از ساحه، پیچیدگی های معیشت های دهاتی مورد بررسی قرار گیرند. هدف این گزارش اینست که با ارائه و تحلیل شواهد در ساحه بر پالیسی و پروگرام ها در سطح حکومت و مؤسسات نفوذ وارد نماید و بدین ترتیب در تقویت یکی از اهداف کلیدی حکومت سهم گیرد و آن ایجاد معیشت های پایدار برای افغانها در دهات می باشد.

بخش اساسی این گزارش تحلیل و تفسیر اطلاعات جمع آوری شده توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و هفت سازمان غیر حکومتی

۵ بین و لاوتز: بررسی معیشت ها در افغانستان. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. ۲۰۰۲.

۶ کر- ویلسون و بین. سه قریه در لغمان: مطالعه وضعیت معیشت های دهاتی. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. ۲۰۰۴.

۲. مسایل شرایط و پالیسی



طی دو نیم سال گذشته پس از آنکه موافقت نامه بن بتاریخ ۵ دسامبر ۲۰۰۱ امضاً گردید، تغییرات عظیمی در افغانستان از لحاظ فضای پالیسی و پروگرام بوقوع پیوسته است. در زمان طالبان در پالیسی خلا وجود داشت، در حالیکه در سراسر کشور خشکسالی و آوارگی گسترده وجود داشت. در مقایسه با آن، طی دو سال اخیر شمار عظیم مردم دو باره به افغانستان بازگشت نمودند، خشکسالی در بسیاری قسمت های کشور رفع گردید و احیای تولیدات زراعتی موجب حاصلات بی سابقه گندم گردید که در سال ۲۰۰۳ تخمیناً به ۴.۳۵ میلیون تن متریک رسید. کشت کوکنار نیز از هفت ولایت در سال ۱۹۹۴ به ۲۸ ولایت در سال ۲۰۰۳ گسترش یافت، هر چند ۸۰۰۰۰ هکتاری که در سال ۲۰۰۳ کشت گردید، صرف یک فیصد مجموع زمین های زراعتی افغانستان و کمتر از سه فیصد ساحات دارای تسهیلات آبیاری را تشکیل میدهد.^۷

صرف نظر از رشد اقتصاد تریاک، واقعیت هائیکه تحت آن اکثر افغانها زندگی بسر میبرند تلخ بوده و زندگی روزانه در دهات با خطرات نهایت فراوان و سطح عمیق فقر و محرومیت مشخص میگردد. شاخص های کلیدی فقر در افغانستان متشکل اند از سطح پائین مصرف غذا، بشمول شواهد مبنی بر اینکه شمار قابل ملاحظه افغانها با مصرف کمتر از ۲۱۰۰ کالوری در روز زندگی مینمایند و عدم دسترسی به تحصیل و خدمات صحی، خصوصاً عدم دسترسی به آب آشامیدنی. علاوه بر آن از لحاظ احصائیه ها در سطح ملی یعنی آهنگ وفیات اطفال زیر سن پنج سال، وفیات مادران و دیگر احصائیه های صحی، افغانستان در پائینترین سطح درجه بندی بین المللی قرار دارد. با همه اینها یک فضای ناامنی، خشونت و معافیت از کیفر نیز اضافه میگردد و جای تعجب درینجاست که اوضاع برای اکثریت افغانها بدتر نیست و علت آنهم قسماً اینست که معیشت های افغانها دارای جهندگی خاصی اند که بخوبی درک نگردیده است.

در چنین حالت، حکومت در حال تشکل کوشش نموده است تا حیطة

قدرت خویشرا تقویت نموده و درین راستا حمایت متداوم حضور گسترده بازیگران امدادی خارجی را با خود داشته است. حکومت در مقابل میراث ها و تداوم بسیاری عناصر جنگ طولانی و بی ثباتی سیاسی مبارزه نموده است که مشخصه افغانستان طی سی سال گذشته میباشد. پس از سناریوی "بحران" سال ۲۰۰۱ که موجب اقدامات فوری حکومت و جامعه امداد گردید، اجزای پالیسی و استراتژی به تدریج باهم جمع گردیدند که آغاز آن پلان انکشاف ملی در اپریل سال ۲۰۰۲ بود.

پلان انکشاف ملی دورنمای آینده افغانستان را توضیح نموده و یک مجموعه اولویت ها را از طریق یک سلسله پروگرام ها ایجاد مینماید و استراتژی های وسیع را برای هر عرصه پروگرام ها معین میسازد. استراتژی انکشاف دارای سه عنصر یا رکن عمده میباشد. رکن اول

۷ دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدره و جرایم. اقتصاد تریاک در افغانستان. ژنیو. ۲۰۰۳. UNODC :

حکومت تضمین نماید. سند تضمین آینده افغانستان استدلال مینماید که چنین سطح رشد بخاطری ضروری است تا طی ده سال عواید سرانه از سطح تخمینی فعلی ۲۰۰ دالر فی نفر به ۵۰۰ دالر افزایش یابد. مطابق محاسبات سند تضمین آینده افغانستان، چنین سطح رشد در کاهش اقتصاد تریاک مساعدت خواهد نمود. در حالیکه سند تضمین آینده افغانستان به رشد اقتصادی حق تقدم میدهد، در عین زمان این سند اعتراف مینماید که جهت حمایت از "آسیب پذیر ترین" اشخاص پالیسی های نیرومند اجتماعی ضرور میباشد.

۱.۲ ساحات کلیدی پالیسی

شواهد ارائه شده درین گزارش برای دو عرصه پالیسی در چوکات سند تضمین آینده افغانستان دارای اهمیت خاص میباشد. عرصه اول پالیسی مربوط به انکشاف زراعت میباشد، در حالیکه عرصه دوم در رابطه با معیشت ها و حمایت اجتماعی میباشد. بخش باقیمانده این فصل استدلال های اساسی در مورد این دو عرصه پالیسی را خلاصه مینماید و مسایل مهمی را که درین گزارش بررسی گردیده اند مشخص میسازد. خلاصه هائیکه درینجا ارائه گردیده اند از ضمیمه تخنیکی منابع طبیعی (NR) و ضمیمه تخنیکی معیشت ها و حمایت اجتماعی (LSP) مربوط سند تضمین آینده افغانستان (SAF) گرفته شده اند.

۱.۱.۲ ضمیمه تخنیکی زراعت و منابع طبیعی

زراعت در ضمیمه تخنیکی منابع طبیعی مورد بحث قرار گرفته است که هدف عمومی آن "معیشت های بهبود یافته و شرایط اقتصادی خانواده های دهاتی و ارتقای مصئونیت غذائی خانوار ها" میباشد.^۸ این مقوله مبتنی بر تصویری میباشد که در آغاز ضمیمه بیان گردیده است و میگوید که "بیشتر از ۸۰ فیصد اهالی متکی بر زراعت میباشد."^۹ شاخص های تعیین شده جهت ارزیابی اجراءات در خصوص دستیابی به اهدافی که در خلاصه اجرائیه مشخص گردیده اند عبارت اند از

بر کمک های بشری و پالیسی اجتماعی متمرکز بوده و هدف آن دستیابی به حمایت اجتماعی و ایجاد شرایط برای زندگی مصئون مردم میباشد. رکن دوم بر بازسازی فزیکتی و انکشاف منابع طبیعی متمرکز بوده و رکن سوم مربوط به انکشاف سکتور خصوصی میباشد.

پلان انکشاف ملی بر این اصل متکی است که پروسه اعمار دولت و بازسازی بر مبنی رشد سکتور خصوصی استوار خواهد بود که زراعت در آن نقش اساسی را ایفا خواهد نمود. علاوه بر آن، این نظر وجود دارد که سکتور خصوصی از طریق ایجاد فرصت های اقتصادی برای افغانها شمولیت مردم را در زندگی اجتماعی ممکن میسازد. قرار است که تشکیلات دولت افغانستان بشکل مقیاسوی کوچک بوده و توانائی مردم را ارتقا بخشد و مسئولیت ایجاد پلان های مناسب تنظیم کننده را بعهده داشته باشد. سهمگیری اهالی محل در امور انکشافی هم میکانیزم حسابهی را ایجاد مینماید و هم نیروی محرکه تحولات اجتماعی را تأمین مینماید.

این پلان درین اواخر انکشاف داده شد و به یک سند مهم پالیسی مبدل گردید که بنام "تضمین آینده افغانستان: (SAF) دست آورد ها و مسیر ستراتیژیک به جلو" یاد میگردد. انکشاف این سند همزمان با اقدامات وسیع در قسمت محاسبه مصارف دولت صورت گرفت که مربوط به طرح بودجه و سطح نیاز افغانستان به کمک های خارجی در میان مدت میباشد (سند تضمین آینده افغانستان استدلال مینماید که افغانستان برای هفت سال آینده به مبلغ ۲۸ میلیارد دالر امریکائی ضرورت دارد). سند تضمین آینده افغانستان همچنان ارتباطات پیشنهاد شده میان سطح پلان شده رشد اقتصادی، انکشاف سه رکن و محتوای پروگرام های آنها و همچنان ستراتیژی های تطبیق آنها را توضیح مینماید.

استدلال های کلیدی در سند تضمین آینده افغانستان در رابطه با اهمیت آهنگ رشد اقتصادی ۹ فیصد در سال میباشد تا انکشاف اقتصادی و سرمایه گذاری اجتماعی بتوانند حمایت اهالی محل را از

۸ حکومت افغانستان و مؤسسات بین المللی. تضمین آینده افغانستان: دست آورد ها و مسیر ستراتیژیک به جلو، ضمیمه تخنیکی منابع طبیعی. کابل: حکومت افغانستان و مؤسسات بین

المللی. جنوری ۲۰۰۴، خلاصه اجرائیه، . . ۱

۹ ایبید.

تنقیص در تشکیلات وزارت زراعت، ایجاد ادارات مدیریت بر ذخیار آبی دریا ها، کار های احیای مجدد که انجام یافته اند، توسعه ساحات باغداری و بهبود مؤلدیت گندم و مالداری.

ضمیمه بر مبنای بررسی مجدد موقف سب سکتور های کلیدی (زراعت و مالداری، مسایل ارضی و غیره)، پیشرفت در ۹ پروگرام فرعی سب سکتور ها و تعاملات جاری تشکیلاتی بنا یافته است. پس از آن، ضمیمه نگرش، شاخص ها و اهداف خویشرا مشخص میسازد که در فوق تذکار یافت. ساحات ستراتیژیک کلیدی در ارتباط با فعالیت های سکتوری تعیین گردیده اند، بشمول "بهبود رفاه اقتصادی خانوار ها و جمعیت های دهاتی از طریق بازسازی زراعت بر اساس پایه های وسیع و اصل تساوی."^{۱۰} ضمیمه پس از آن عرصه های پالیسی و اصلاحات ساختاری را مشخص میسازد، و بعداً جزئیات مسایل کلیدی سب سکتور ها، اهداف ستراتیژیک، ضرورت ارزیابی و آجدای پالیسی توضیح گردیده اند. این ضمیمه با پروگرام مفصل انکشاف و بودجه ختم میگردد.

درینجا تحلیل مفصل استدلال های ضمیمه تخنیکی صورت نگرفته است، ولی با در نظر داشت منشأ این ضمیمه در ارزیابی ضرورت های منابع طبیعی و زراعت که در سال ۲۰۰۲ توسط بانک انکشاف آسیائی ترتیب گردیده است، بجاست که به استدلال های انتقادی این ارزیابی مراجعه گردد. هرچند در سند ارزیابی ضرورت ها مربوط بانک انکشاف آسیائی هدف عمومی از زراعت بهبود معیشت های دهاتی است، صرفاً فرض گردیده است که معیشت ها اساساً از زراعت بدست می آید. علاوه بر آن، اهداف و حاصله های مفصل سب سکتوری با هدف معیشت مرتبط نیستند ولی کاملاً بر موضوعات سب سکتوری متمرکز اند.^{۱۱}

به عین ترتیب در ضمیمه منابع طبیعی واضح نگردیده است که در واقع این بیان که "بیشتر از ۸۰ فیصد اهالی بر سکتور زراعت و استفاده از منابع طبیعی اتکا دارند"^{۱۲} چی مفهوم دارد و این ادعا از کجا ظهور نموده است. در حالیکه این بیان بدون شک جهت ساده نمودن اهداف پالیسی مفید ولی پر از مشکلات است، ولی در عین زمان در بهترین

حالت پر از ابهام میباشد. آیا این بیان به ۸۰ فیصد تمام اهالی افغانستان اشاره مینماید و یا اینکه صرف اهالی دهات؟ اتکا به زراعت چی مفهوم دارد؟ این وابستگی مستقیم است و یا غیر مستقیم؟ این وابستگی کامل است و یا قسمی؟ این وابستگی نظر به موقعیت، طبقه و یا جنس متحدالشکل است و یا مختلف الشکل؟

علاوه بر آن، چنان مسایل کلیدی وجود دارند که در ارتباط با نقش واقعی زراعت در معیشت مردم در دهات مطرح میگرددند: چی تعداد اهالی در دهات بخاطر معیشت شان بصورت مستقیم و کامل بر تولیدات زراعتی متکی اند و این اهالی مختلف در کجا اند؟ چی تعداد قسماً بر تولیدات زراعتی متکی اند و عوایدی را از منابع دیگری بدست می آورند و آنها کی ها اند؟ چی تعداد بصورت غیر مستقیم در زراعت و در قدم اول از طریق کار فزیک در زراعت و فعالیت های مربوط به زراعت مصروف اند؟ چی تعداد خانوار های دهاتی در واقع بخش اعظم عواید شانرا از منابع غیر زراعتی بدست می آورند؟ اینها مسایل مهمی اند که معین می سازند که منافع مستقیم و غیر مستقیم رشد زراعتی در واقع چگونه تقسیم میگردد. در فصل اخیر این گزارش به این نکات مجدداً مراجعه صورت خواهد گرفت، زیرا پیامد های اطلاعات این پروژه در ارتباط با انتخاب پالیسی و پروگرام ها مورد ملاحظه قرار میگیرند.

۲.۱.۲ ضمیمه تخنیکی معیشت ها و حمایت اجتماعی

پروگرام سرمایه گذاری دولتی در معیشت ها و حمایت اجتماعی (PIP/LSP) که بخشی از رکن سرمایه بشری و اجتماعی پلان انکشاف ملی است، شامل جامع ترین توضیحات در مورد ارتباطات میان کاهش فقر و رشد میباشد. هدف پروگرام سرمایه گذاری دولتی در معیشت ها و حمایت اجتماعی اینست که یک تغییر ستراتیژیک را فراتر از جنبه های بشری امداد انکشاف دهد و حمایت دراز مدت را از فقرا تشویق نماید تا به آنها امکان دهد که دارائی های خویشرا حفظ نموده و معیشت هایشان را مجدداً احیاً نمایند. هدف اصولی پروگرام سرمایه گذاری دولتی در معیشت ها و حمایت اجتماعی ایجاد سیستم های نظارت و ارزیابی میباشد تا سیستم های معیشت، میکانیزم های

۱۰ ایبید. پاراکراف ۶۰.

۱۱ پین و لاوتز.

۱۲ حکومت افغانستان/ مؤسسات بین المللی، تضمین آینده افغانستان: دست آورد ها و مسیر ستراتیژیک به جلو، ضمیمه تخنیکی منابع طبیعی، پاراکراف ۲.

موجود غیر رسمی حمایت اجتماعی و آسیب پذیری در مقابل خطرات مختلف بصورت بهتر درک گردند.

ضمیمه تخنیکی معیشت ها و حمایت اجتماعی با تحلیل دانش فعلی فقر، آسیب پذیری و خطر در افغانستان آغاز میگردد. این ضمیمه به تنوع شیوه های معیشت در سطح یک خانوار و هم در ارتباط متقابل میان خانوار ها توجه را جلب نموده و در مورد فرضیه هائیکه رشد زراعت را با کاهش فقر مرتبط میسازد، سوالاتی را مطرح میسازد. این ضمیمه در حقیقت از برخی نتیجه گیری های قبلی این پروژه بمیان آمده است.^{۱۳} این ضمیمه آن پروگرام های موجود را تفصیل میدهد که تحت هدف رکن عمومی عمل مینمایند و این هدف عبارت از "تطبيق چنان پالیسی مؤثر و قابل تعمیل اجتماعی میباشد که مصئونیت بشری را تقویت نموده و از معیشت های پایدار دهاتی و شهری حمایت مینماید."^{۱۴} این پروگرام ها شامل پروگرام اضطراری اشتغال ملی (NEEP)، پروگرام همبستگی ملی (NSP)، ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری (NRVA)، پروگرام انکشافی ملی بر مبنای ساحات (NABDP) و تسهیلات حمایت میکرو فینانس در افغانستان (MISFA) میباشد.

در بخش دوم ضمیمه، محدودیت ها و مسایل بحرانی مشخص گردیده اند. اینها شامل محدودیت های تشکیلاتی و اعتراف به این امر است که انتخاب های رسمی بر مبنای بازار آزاد جهت مجادله با خطرات در آینده نزدیک محدود میباشد،^{۱۵} و همچنان شامل ضرورت

برای اطلاعات، نظارت و ارزیابی جهت "درک سیستم های غیر رسمی همبستگی جمعیت های محلی و شبکه های اجتماعی برای مجادله با خطرات" میباشد.^{۱۶} بخش سوم، اهداف و اولویت های کلیدی معیشت ها و حمایت اجتماعی را توضیح مینماید و بر ارتباط میان حمایت اجتماعی و تقویت معیشت های پایدار متمرکز میباشد.^{۱۷} این بخش شامل پذیرش شیوه های مختلف از قبیل (جلوگیری، تخفیف و سازش) میباشد که برای مجادله با خطرات مختلف و اتخاذ روش ها جهت مجادله با خطرات (غیر رسمی، بر مبنای بازار آزاد و دولتی) ضروری میباشد.^{۱۸} یک مجموعه اولویت ها و ساحات کلیدی پروگرام ها مشخص گردیده است که هر کدام با اهدافی مرتبط گردیده اند که دارای شاخص های مناسب در رابطه با اهداف کلیدی میباشد، بشمول کاهش فقر و تقویت تساوی جنسیت. دو بخش نهائی ضمیمه اهداف سنجش مصارف و عملی نمودن آن و شیوه های انجام آنرا مورد بحث قرار داده است.

شواهدی که درین گزارش ارائه گردیده اند، شماری از مسایل مهم را برای دو عرصه پالیسی که در فوق خلاصه گردیده اند مطرح میسازد، خصوصاً در ارتباط با فرضیه هائیکه معیشت ها و زراعت را باهم ارتباط میدهند. مسایل کلیدی دیگر شامل فرضیه ها در مورد نقش های جنسیت، شیوه های معیشت فقراً، خطرات و آسیب پذیری میباشد.

این مسایل در فصل اخیر مفصلاً مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۱۳ - کر و یلسون و پین.

۱۴ - حکومت افغانستان / مؤسسات بین المللی. تضمین آینده افغانستان: دست آورد ها و مسیر ستراتیژیک به جلو، ضمیمه تخنیکی معیشت ها و حمایت اجتماعی. کابل: حکومت افغانستان /

مؤسسات بین المللی. جنوری ۲۰۰۴، ۱۹.

۱۵ - ماخذ دو ایبید. ۲۸.

۱۶ - ماخذ دو ایبید. ۳۰.

۱۷ - ماخذ دو ایبید. ۳۴.

۱۸ - ماخذ دو ایبید. ۳۵.

۳. میتود ها

مرحله ۲: ایجاد پارتنرشپ ها و انتخاب کارکنان

این مطالعه شامل همکاری با هفت سازمان غیر حکومتی همکار بود که پژوهش را در هفت ولایت پیش بردند (کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان پژوهش را در ولایات لغمان و هرات انجام دادند و مؤسسه انسجام کمک بشری با دفتر عمومی امداد مسیحی یکجا کار نمود و نتیجه گیری های خویشرا تحلیل نمودند. پارتنرشپ ها بر اساس علاقمندی مؤسسات غیر حکومتی جداگانه و محل فعالیت آنها ایجاد گردیدند، زیرا کوشش صورت گرفت تا ساحات مختلف کشور بررسی گردند (جدول ۱ دیده شود).

هر سازمان غیر حکومتی مسئول بود تا جهت انجام پژوهش برای سازمان خویش کارکنان انتخاب نمایند. برخی مؤسسات غیر حکومتی مجبور بودند تا برای این پروژه کارکنانی را استخدام نمایند، زیرا برای اینکار کارکنان در دسترس نداشتند. هر تیم پژوهشی حد اقل از یک کارکن مرد و یک کارکن زن متشکل بود که در مورد هدف پروژه، استفاده از فورمات های مصاحبه ها و اخلاق پژوهش در کابل و یا در ساحه آموزش دیده بودند. حد اقل به یکنفر در هر سازمان غیر حکومتی وظیفه ثبت اطلاعات و تصفیه اطلاعات سپرده شده بود و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به وی آموزش داده بود.

مرحله ۳: انتخاب محل و خانوار

هر سازمان غیر حکومتی تصمیم میگرفت که در ولسوالی هائیکه در آن کار مینمایند کدام ساحات با ارزش ترین ساحات برای پژوهش آنها خواهد بود. بعد از آن انتخاب قریه ها درین ساحات بر اساس این معیار ها صورت میگرفت:

- آیا سازمان غیر حکومتی قبلاً درین قریه کار کرده است و با اهالی قریه مناسباتی دارند و یا خیر؛
- آیا سازمان غیر حکومتی آرزو دارد تا به کار خویش در آن ساحات ادامه دهد و یا خیر؛
- آیا در میان قریه ها تفاوت هائی وجود دارند از قبیل موقعیت آنها در امتداد دره، نزدیکی به خدمات و یا منبع معیشت.

مشخصات عمده قریه های انتخاب شده در جدول ۱ خلاصه گردیده اند.

این فصل پنج مرحله پروژه تحقیقاتی نظارت بر معیشت های دهاتی را از طرح الی تحلیل توضیح مینماید و همچنان بر محدودیت های میتود های مورد استفاده روشنی می اندازد.

۳.۱ مراحل پروژه

مرحله ۱: طرح ریزی فورمات مصاحبه ها

دو فورمات مصاحبه ها طرح گردیدند تا اطلاعات در مورد دارائی های بشری، مالی، فزیک، طبیعی و اجتماعی جمع آوری گردند و درک بهتری ازین امر حاصل گردد که مردم مختلف در ساحات دهاتی چگونه معیشت هایشان را ایجاد مینمایند. فورمات اول تشریح قریه بود که هدف از آن جمع آوری اطلاعات در مورد موقعیت قریه، مشخصات، فاصله از محل عرضه خدمات، مقدار زمینداری اهالی، فعالیت ها، گروپ بندی ثروت، همکاری و منازعات میباشد.

فورمات دوم یک پرسشنامه جامع بود که متشکل از ۱۲ جدول در مورد ترکیب خانوار، مهارت های اعضای خانوار، تحصیل، فعالیت ها، تاریخ خانوار، دارائی های خانوار، دارائی های ارضی، مواشی، قروض، تأمین غله جات، عواید و مصارف میباشد.

در دور اول مصاحبه ها، سوالاتی در مورد چهار فصل گذشته پرسیده شد. این پرسشنامه طوری طرح گردیده بود که پس از مدت چهار ماه از عین خانوار پرسیده شود. در اثنای دور بعدی مصاحبه ها، سوالات به چهار ماه گذشته راجع میگردد. پنج سازمان غیر حکومتی توانستند که دو دور مصاحبه ها را تکمیل نمایند و یک سازمان غیر حکومتی توانست که سه دور مصاحبه ها را در دو محل تکمیل نماید. مجموعه نخست اطلاعات میان نومبر ۲۰۰۲ و جولای ۲۰۰۳ جمع آوری گردید، زیرا هر سازمان غیر حکومتی مصاحبه ها را در زمان های مختلف آغاز نمودند. دور دوم و سوم مصاحبه ها میان فبروری ۲۰۰۳ و دسمبر ۲۰۰۳ انجام یافت.

از یک سیستم ردیابی گروپ ها استفاده صورت گرفت که هدف از آن درک تغییرات با گذشت زمان میباشد، البته اگر این تحقیق ادامه یابد. این میتود ردیابی بخاطری مورد استفاده قرار گرفت که به تیم تحقیقاتی امکان داده شود تا تطابق اطلاعات جمع آوری شده را آزمایش نماید. این امید وجود داشت که اینکار به مصاحبه کنندگان امکان خواهد داد تا با مصاحبه شوندهگان فضای اعتماد را ایجاد نمایند.

جدول شماره ۱: مشخصات ساحه

ساحه	ولسوالی	مشخصات جغرافیوی و اقتصاد	موقعیت قریه	مشخصات دیگر
مؤسسه انکشافی آغا خان (AKDN): بدخشان				
قریه ۱	جرم	دره و کوه با اقتصاد مختلط	دره در ۱۹۰۷ متر	شیوع اقتصاد تریاک
قریه ۲			دره در ۱۶۵۹ متر	شیوع اقتصاد تریاک
قریه ۳			کوه در ۲۳۳۴ متر	عمدتاً دارای زمین های للمی
مؤسسه انسجام کمک بشری (CHA) / دفتر عمومی امداد مسیحی (EOCA): فاریاب				
قریه ۱	دولت آباد	جلگه هموار با سیستم آبیاری؛ اراضی وسیع للمی؛ اقتصاد مختلط	در نواحی سفالی رودخانه- ۲۰۰ متر	مواشی
قریه ۲			در نواحی میانه رودخانه- ۲۰۰ متر	قالین باقی
قریه ۳			در نواحی علیای رودخانه- ۲۰۰ متر	قالین باقی
پاملرنه (CARE): غزنی				
قریه ۱	جغه تو	دره های باریک با سیستم آبیاری کاریز که خشکسالی بر آن تأثیر ناگوار داشته است	دره بلند	عواید زیاد از درک ارسال پول از خارج
قریه ۲			دره متوسط	عواید اندک از درک ارسال پول از خارج
قریه ۳			در دهنه دره	زراعت
کمیته دنامارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR): هرات				
قریه ۱	پشتون زرغون	جلگه های هموار در کنار دریای هریرود؛ آب از دریا و چشمه؛ دارای زمین زراعتی؛ ۴۵ کیلومتر فاصله از هرات	در نواحی هموار در کنار	کشاورزی، دکانداری، مواشی، مهاجرت
قریه ۲			سیستم ضعیف آبیاری	کسب و کار تاکسی، کشاورزی، مواشی، مهاجرت
قریه ۳			در نواحی علیای رودخانه- ۲۰۰ متر	کشاورزی، تجارت، مهاجرت، مواشی
مؤسسه هیئت نیکوکاری (MC): قندهار				
قریه ۱	قندهار	هموار؛ در اطراف شهر ها؛ متأثر از خشکسالی	نابرابری های اساسی	
قریه ۲			مالکیت بر زمین	
قریه ۳			در نواحی علیای رودخانه - ۲۰۰ متر	مالکیت بر زمین
کمیته دنامارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR): لغمان				
قریه ۱	الینگار	دره و کوه؛ زمین سرحدی	دره در ۱۰۰۰ متر	کوکنا، مهاجرت، فرصت های اتفاقی کار، کشاورزی
قریه ۲			نشیب کوه در ۱۲۰۰ متر	مالکیت بر زمین
قریه ۳			کوه در ۱۴۵۰ متر	مالکیت بر زمین
جرمن اگرواکشن (GAA): سرپل				
قریه ۱	صیاد	دره های باریک؛ سیلاب های موسمی	در نواحی علیای رودخانه- ۱۲۰۰ متر	آبیاری محدود؛ مواشی
قریه ۲			دهنه دره - ۵۰۰ متر	زمین متمر للمی
قریه ۳			در وسط دره - ۸۵۰ متر	اقتصاد مختلط

صورتیکه رئیس خانوار مرد میبود، مصاحبه کننده زن با یک زن بزرگ سن مصاحبه مینمود.

مطالعات خاص

علاوه بر مطالعات فوق، سه مطالعه خاص منحیث بخشی از پروژه تحقیقاتی نظارت بر معیشت های دهاتی انجام یافتند. هدف از این مطالعات این بود که آن جنبه های اطلاعات در مورد معیشت ها که در فورمت های فوق به اندازه کافی انعکاس نیافته اند، بصورت عمیق درک گردند. این سه مطالعه مرتبط باهم با سه سازمان غیر حکومتی انجام گردید: مؤسسه انسجام کمک بشری (CHA) دفتر عمومی امداد مسیحی (EOCA) در دولت آباد ولایت فاریاب و جرمن اگرواکشن (GAA) در ولایت سرپل. مؤسسه انسجام کمک بشری (CHA) دفتر عمومی امداد مسیحی (EOCA) همچنان در طرح این مطالعات نیز سهم گرفتند. این مطالعات سه موضوع را در پنج قریه بررسی نمود (i): تأثیر پروگرام های تخم گندم، (ii) نقش های جنسیت در زراعت، (iii) تنظیم آب منحیث یک عرف قریه.^{۱۹}

مرحله ۵: درج اطلاعات و تحلیل آن

پس از هر دور مصاحبه ها و یا در جریان مصاحبه ها، اطلاعات توسط هر سازمان غیر حکومتی در بیس اطلاعاتی درج میگردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) یک نقل بیس اطلاعاتی را که توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و اداره خدمات اطلاعاتی افغانستان (AIMS) طرح گردیده بود در اختیار هر سازمان غیر حکومتی همکار گذاشت. بیس اطلاعاتی توسط اداره خدمات اطلاعاتی افغانستان (AIMS) ایجاد گردید. پس از آن مؤسسات غیر حکومتی همکار اطلاعات را تصفیه نمودند و آنرا جهت ترتیب و تهیه گزارش به واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) فرستادند. متأسفانه ایجاد ساختار گزارش در پروگرام (Access) دچار مشکلات گردید و پرابلم های ناشی از پروگرام سازی کمپیوتری جهت ترتیب گزارش موجب تولید اطلاعات نادرست گردید. در نتیجه این مشکلات، مؤسسات غیر حکومتی همکار مجبور گردیدند تا بسیاری query ها را در پروگرام های (Access) انجام دهند تا اطلاعات لازم جهت انجام تحلیل ها بدست آیند که اینکار زمان زیادی را در بر میگرفت.

در آغاز دور اول مصاحبه ها، مصاحبه کنندگان در هر قریه با شورا های قریه ملاقات می نمودند تا پروژه و اهداف آنرا توضیح نمایند و همچنان توضیح نمایند که از سهمگیری در پژوهش برای آنها نفع مستقیم متصور نمیشد. پس از آن جهت جمع آوری اطلاعات در مورد تشریح قریه ملاقات ها تنظیم میگردد. سوالات در مورد تشریح قریه از مردان عضو شورا پرسیده میشد و در مواردیکه ممکن بود، برخی از سوالات از گروه های زنان نیز پرسیده میشد.

کار تعیین درجه ثروتمندی نیز در هر قریه انجام یافت. به منظور مقایسه در میان ساحات، تیم های پژوهش مفهوم خانوار را تشریح مینمودند که درین پروژه منحیث کوچکترین واحدی تعریف گردیده است که در داخل یک صحن زندگی مینماید و معمولاً متشکل است از شوهر، خانم و اطفال وابسته به آنها. با در نظرداشت این تعریف، در قدم نخست از اعضای جمعیت محلی و معمولاً مردان عضو شورا پرسیده میشد تا مشخصات یک خانوار فقیر و ثروتمند را در قریه شان توضیح دهند. پس از آن از آنها پرسیده میشد که چی تعداد گروه های مختلف ثروت در قریه شان وجود دارند و بعداً از آنها خواسته میشد تا خانوار های منسوب به هر گروه را نام گیرند. پس از آن از لست خانوار های شامل درجه بندی ثروت، بصورت اتفاقی خانوار ها برای مصاحبه های انفرادی انتخاب میگردد. شمار خانوار ها در هر گروه بندی، تعداد خانوار های انتخاب شده از هر گروه ثروت را تعیین مینمود. بهر اندازه که در فقیر ترین گروه ثروت شمار خانوار ها زیاد میبود، به همان اندازه تعداد بیشتری خانوار ها ازین گروه نمونه گیری میشد. در هر قریه با ۱۵ الی ۲۰ خانوار مصاحبه صورت میگرفت که در نتیجه یک نمونه ۳۹۰ خانوار بدست آمد (جدول ۲ دیده شود).

مرحله ۴: انجام کار پروژه

مؤسسات غیر حکومتی منفرد مصاحبه ها را در زمان های مختلف آغاز نمودند و این امر مربوط به این بود که چی زمانی آنها به این پروژه پیوستند و هم علت آن تعویق در کار پروژه بنا بر علل امنیتی و یا مشکلات در استخدام کارکنان مناسب بود. اعضای تیم ها که متشکل از مردان و زنان بود همزمان به یک خانوار میرفتند. در صورتیکه رئیس خانوار مرد میبود، مصاحبه کننده مرد با او مصاحبه مینمود و در صورتیکه رئیس خانوار زن میبود، مصاحبه کننده مرد با بزرگ ترین عضو مذکر خانوار مصاحبه مینمود. در صورتیکه رئیس خانوار زن میبود، مصاحبه کننده زن با او مصاحبه مینمود و در

۱۹ جهت حصول کاپی های مطالعات خاص به صفحه انترنیت واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) مراجعه کرد: www.areu.org.af

جدول شماره ۲: چوکات نمونه

ولایت/قریه	گروپ اول ثروت	گروپ دوم ثروت	گروپ سوم ثروت	گروپ چهارم ثروت	شمار مجموعی خانوارها
بدخشان					
قریه ۱	۲	۶	۱۲		۲۰
قریه ۲	۳	۴	۱۳		۲۰
قریه ۳	۰	۴	۸	۸	۲۰
					۶۰
فاریاب					
قریه ۱	۵	۷	۸		۲۰
قریه ۲	۵	۵	۱۰		۲۰
قریه ۳	۵	۸	۷		۲۰
					۶۰
غزنی					
قریه ۱	۲	۱۱	۷		۲۰
قریه ۲	۱	۲	۶	۱۱	۲۰
قریه ۳	۷	۵	۸		۲۰
					۶۰
هرات					
قریه ۱	۲	۳	۸	۲	۱۵
قریه ۲	۳	۳	۷	۲	۱۵
قریه ۳	۲	۲	۹	۲	۱۵
					۴۵
قندهار					
قریه ۱	۲	۷	۱۱		۲۰
قریه ۲	۱	۵	۱۴		۲۰
قریه ۳	۲	۱۸			۲۰
					۶۰
لغمان					
قریه ۱	۴	۵	۶		۱۵
قریه ۲	۲	۳	۱۰		۱۵
قریه ۳	۱	۱۳	۱		۱۵
					۴۵
سرپل					
قریه ۱	۳	۷	۱۰		۲۰
قریه ۲	۳	۵	۵	۶	۱۹
قریه ۳	۳	۱۰	۸		۲۱
					۶۰
مجموع	۵۸	۱۳۳	۱۶۸	۳۱	۳۹۰
فیصد	٪۱۵	٪۳۴	٪۴۳	٪۸	

جهت مفهوم گیری از اطلاعات بر یک سلسله مسایل کلیدی کار نمودند تا تفاوت ها و تشابهات را میان گروپ های ثروت، قریه ها و محلات جستجو نمایند. فعالیت های دیگر شامل بررسی این امر بود

پس از اینکه تمام مؤسسات غیر حکومتی دور اول مصاحبه ها را تکمیل نمودند، ورکشاپ اول تحلیلی از جمله دو ورکشاپ دایر شد. درین ورکشاپ مراحل ابتدائی تحلیل ها تشریح گردیدند و اشتراک کنندگان

مینماید. این در حالی است که سه قریه دارای زمینداری های خیلی اندک بوده و فاقد منابع آب اند، که این امر موجب تولیدات خیلی اندک و یا فقدان تولیدات برای بسیاری خانوار ها گردیده است.

یک تفاوت دیگر این بود که هرچند زمینداری های بزرگتر مترادف با ثروتمندی بود، اندازه زمینداری ها نظر به محل خیلی از همدیگر متفاوت بود. بطور مثال، در قریه های ولایت فاریاب ۱۵ الی ۷۰ جریب زمین دارای سیستم آبیاری و ۵۰ الی ۱۰۰ جریب زمین للمی دلالت بر ثروت مینماید، در حالیکه در ولایت هرات ۱۰ الی ۲۰ جریب زمین دلالت بر زمین مینماید. تفاوت در کیفیت زمین و غیره نیز باید در نظر گرفته شود. بدین ترتیب در مقایسه گروه های فقیر ثروت نظر به محلات، عین با عین قابل مقایسه نیست، هر چند این گروه ها اکثراً از لحاظ دارائی و منابع عواید دارای مشخصات مشابه مینباشند.

کار طبقه بندی ثروت در قریه ها میتواند موجب مناقشه گردد و این امر در حالتی صورت میگیرد که مردم بعلت عدم درج در فقیر ترین کته گوری ها خشمگین میگردند، زیرا آنها توقع کمک را دارند، هر چند مکرراً به آنها توضیح داده میشود که هیچ نوع کمک مستقیم از ناحیه سهمگیری درین مصاحبه ها متصور نیست. صرف نظر از مشکلات متذکره گروه بندی ثروت برای این تحقیق خیلی مفید ثابت گردید که بیشتر از لحاظ تعیین مشخصات خانوار های ثروتمند تر و غریب تر در ساحات مختلف تطابق داشت.

واحد تحلیل ها

"خانوار" واحد تحلیل برای این مطالعه بود و منحیث کوچکترین واحدی که در یک حویلی زندگی مینماید تعریف گردیده است. واحد خانوار معمولاً متشکل از شوهر، خانم و اطفال وابسته با آنان بود. جهت تشریح مشخصات قریه گروه های مردم و معمولاً مردان اعضای شورا پرسیده شد که اصطلاحات "فامیل" و "خانوار" در محل چی مفهوم دارند. در برخی ساحات اصطلاح "فامیل" کوچکترین واحد بود، در حالیکه در ساحات دیگر این اصطلاح به فامیل بزرگ اطلاق میگردد. محققین کوشش نمودند تا برای کوچکترین واحد اصطلاح درست محلی در تمام قریه ها استعمال گردد. انجام مصاحبه با تمام اعضای یک حویلی ناممکن بود، زیرا شمار آنها اکثراً در حدود ۴۰ نفر بود. در نتیجه، این گزارش تعلقات و یا مجموع دارائی ها و نیروی کار و یا عواید مجموعی واحد های شامل یک حویلی را ثبت نموده است.

ثبت تغییرات با مرور زمان

جهت ثبت تغییرات وارده در بسیاری جنبه های اطلاعات ارائه شده

که اطلاعات چی مفهوم دارند و دارای چی پیامد هائی برای پروگرام سازی مینباشند. اولین ورکشاپ همچنان شامل مباحثات در مورد اطلاعاتی بود که ممکن است مستلزم تعقیب مجدد پژوهش باشند.

پس از مصاحبه ها در ساحه، قرار بود که هر سازمان غیر حکومتی برخی سوالات "چرا" را نیز در پرسشنامه بپرسند، بطور مثال، چرا مردم فعالیت های مشخصی را در زمان های معین سال انجام میدهند، چرا آنها بکار های زراعت نمی پردازند، چرا آنها بخاطر دریافت کار مهاجرت مینمایند. هر چند نظر به کمبود منابع، صرف یک سازمان غیر حکومتی توانست سوال های "چرا" را بپرسد. برای این سازمان غیر حکومتی تعقیب مجدد از لحاظ درک بهتر معیشت های مردم در قریه های سروری شده خیلی مثمر ثابت گردید. برخی دیگر مؤسسات غیر حکومتی همکار که نتوانستند سوال های "چرا" را بپرسند، تعقیب مجدد را با کارکنان ساحوی خویش انجام دادند و در مورد مفهوم اطلاعات جمع آوری شده مباحثه نمودند. این امر به آنها موقع داد تا دانش کارکنان ساحوی را که اکثراً مورد استفاده قرار نمیگیرد، مورد استفاده قرار دهند تا برخی خلأ های موجود در اطلاعات جمع آوری شده پر گردند.

ورکشاپ دوم جهت بررسی مجدد تحلیل های مؤسسات غیر حکومتی تدویر یافت و بر این مسئله متمرکز بود که چگونه میتوان تفاوت میان هر دور جمع آوری اطلاعات را تشخیص نمود. لست سوالات کلیدی بار دیگر طرح گردید تا این تحلیل ها را تسهیل سازد.

تحلیل مقایسوی میان اطلاعات جمع آوری شده نظر به محلات، که درین گزارش از آن استفاده بعمل آمده است توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) انجام یافت و برای این منظور اطلاعات حاصله از query ها مورد استفاده قرار گرفتند تا تفاوت ها و تشابهات میان قریه ها، گروه های ثروت و در میان گروه های ثروت بررسی گردند.

۳.۲ محدودیت ها

استفاده از گروه های ثروت

در اکثر موارد خانوار های ثروتمند آنهائی اند که دارای زمینداری های بزرگتر بوده و بعضاً دارای مشغولیت های دیگری نیز مینباشند، در حالیکه فقیر ترین خانوار ها آنهائی مشخص گردیدند که بر کار های روزانه و برخی اوقات گدائی متکی اند. طبقه بندی تا حد زیادی در تمام قریه ها عین چیز بود، ولی برخی تفاوت ها وجود داشتند. بطور مثال، در ولایت غزنی دریافت پول ارسالی از خارج دلالت بر ثروتمندی

به مؤسسات غیر حکومتی همکار فرصت داد تا دریابند که به کدام سوال ها بهتر پاسخ داده میشود و مفید ترین سوال ها اند.

محتوای پرسشنامه

جمع آوری اطلاعات در مورد دارائی های مشخص مانند پس انداز ها و زیورات خیلی مشکل ثابت گردید، زیرا مردم نمی خواهند تا چنین اطلاعات را آشکار سازند. این بدان مفهوم است که آن جنبه های اطلاعات که مربوط به دارائی اند قابل اطمینان نمی باشند و بناً در تحلیل های این گزارش شامل نگردیده اند.

علاوه بر آن، فورمت پرسشنامه نمیتوانست که جنبه های تعلقات زندگی خانوار ها را در داخل خانوار ها و در مناسبات میان خانوار ها منعکس سازد (این امر واقعاً یکی از ضعف های پلانگذاری معیشت های پایدار میباشد). درک مسیر تغییرات در خانوار ها در یک گروه ثروت مستلزم درک تغییرات در خانوار های مربوط به گروه های دیگر اجتماعی و اقتصادی میباشد. بدین ترتیب معیشت های مردم فقیر وابسته با معیشت های دیگران میباشد، زیرا خانوار های فقیر اکثراً محتاج افراد مرفه تر اند. فقر در خارج از شرایط و حالات مرتبط باهم وجود داشته نمی تواند و باید در چوکات مفاهیم ساختاری درک گردد.

به عین ترتیب این پروژه معیشت های سطح خانوار های کوچک را با سطح متوسط قریه و ولسوالی و نه با آن تحرکات وسیعی مرتبط میسازد که در افغانستان جریان دارند و شرایطی را شکل میدهند که اکثر مردم تحت آن زندگی مینمایند. در حالیکه این مطالعه پالیسی ها و پروگرام های حکومت را مورد بحث قرار میدهد، واقعیت اینست که حکومت مرکزی و تلاش های بازسازی نیرو های محرکه تغییرات در زندگی مردم نمیشاند. اکثر مردم بیشتر از تأثیرات ناگوار ناشی از عدم اطمینان به اوضاع، خطر و فقر صدمه دیده اند. جنگ، کالا و مارکیت کار، ساختار های قدرت، نهاد های غیر رسمی و حالت و اوضاع خارج از کنترل دولت، همه مسایلی اند که عملاً وجود دارند و منابع عمده خطر در زندگی روزمره بشمار میروند. این عوامل همچنان برای توضیح دلایل انعطاف پذیری و مقاومت معیشت های افغانها اهمیت اساسی دارند. از همین رو باید بخاطر داشت که در امور انکشاف نمیتوان که پروژه ها و قریه ها را مفاهیم مجزا از همدیگر دانست.

درین گزارش که با مرور زمان بوقوع می پیوندند، زمان نسبتاً طولانی لازم است. متأسفانه، درین مرحله، تغییرات در تأمین غله جات خانوار ها، ملکیت ها، عواید و مصارف که به مرور زمان بوقوع می پیوندند، بررسی شده نمیتواند. در قسمت تأمین غله جات، بطور مثال، تفاوت های موسمی در حاصلات غله بعلت حاصلات بیشتر غله در زمان حاصلبرداری به این مفهوم است که هر گاه اطلاعات یک سال با چهار ماه دیگر مقایسه گردد، در صورتیکه دور دوم اطلاعات قبل و یا پس از حاصلبرداری جمع آوری گردیده باشد، ممکن است موجب تحریف نتایج گردد. همچنان، هر سازمان غیر حکومتی در عین زمان کار جمع آوری اطلاعات را آغاز نمی نمایند و بناً مصاحبه ها را در موسم های مختلف انجام میدهند. جهت مقایسه این تغییرات با مرور زمان، اطلاعات یک سال مکمل دیگر ضروری است. عین محدودیت ها بر اطلاعات در مورد عواید و مصارف اثر میگذارند. در قسمت اطلاعات در مورد زمین، تغییرات کافی ثبت نگردیده اند، هر چند احتمال نمیرود که طی مرحله تحقیقات تغییرات خیلی عمده بوقوع پیوسته باشند.

استفاده از کته گوری ها

بسیاری از سوالاتیکه در پرسشنامه پرسیده شد شکل بسته را داشتند تا کودبندی پاسخ ها برای درج اطلاعات آسان تر گردد. درینکار دو مشکل بر ملا گردید. مشکل اول این بود که بسیاری پاسخ ها در کته گوری "دیگر" قرار میگرفتند و دریافت این اطلاعات از بیس اطلاعاتی زمان زیادی را در بر میگرفت و از لحاظ کته گوری ها، چندین کته گوری خیلی وسیع بودند و تشخیص عناصر متشکله آن ناممکن بود. بطور مثال، واضح نیست که کته گوری کار غیر کشاورزی در تمام موارد شامل کدام کار ها میشد.

ابعاد پرسشنامه

پرسشنامه خانوار خیلی مفصل بود و تکمیل آن زمان زیادی را در بر میگرفت و قرار گزارشات، برخی خانوار ها از آن خسته شدند که این امر ممکن است بر پاسخ های ارائه شده اثر گذاشته باشد. صرف نظر از مشکل طول مصاحبات برای خانوار ها، اینکار برای مؤسسات غیر حکومتی نیز زمان زیادی را در بر میگرفت. مؤسسات غیر حکومتی ایکه مایل به ادامه چنین نظارت بودند تصمیم گرفتند تا اینکار را بشکل متفاوت انجام دهند. آغاز مصاحبه ها با یک پرسشنامه مفصل

بیس اطلاعاتی

باشند. همچنان در برخی موارد میتوان نتیجه گیری های حاصله درین مطالعه را با اطلاعاتی که در مطالعات دیگری که در بخش های دیگر کشور انجام یافته اند، مقایسه نمود.

منابع مؤسسات غیر حکومتی

این مطالعه مستلزم وقت زیاد کارکنان بود و برخی مؤسسات غیر حکومتی توانستند تا بیشتر از دیگران منابع را برای اینکار تخصیص دهند. طوریکه قبلاً تذکار یافت، این امر موجب گردید که اکثر مؤسسات همکار نتوانند که پژوهش ها را مجدداً تعقیب نمایند.

امنیت

بی امنیتی در مراحل مختلف تحقیق چالش عمده بشمار میرفت. در سه محل باید مصاحبه ها به تعویق می افتاد و یک محل تحقیق باید به ساحه دیگری منتقل میگردد. ولی بنا بر انعطاف پذیری و تعهد کارکنان این مؤسسات غیر حکومتی که درینکار دخیل بودند، تمام مؤسسات غیر حکومتی توانستند که حد اقل دو دور مصاحبه ها را تکمیل نمایند.

بیس اطلاعاتی ایکه برای نگهداری اطلاعات جمع آوری شده توسط مؤسسات غیر حکومتی از آن استفاده میگردد توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان طرح و دیزاین گردید و توسط اداره خدمات اطلاعاتی افغانستان (AIMS) با استفاده از پروگرام (Access) ساخته شد. متأسفانه، پرابلم های زیادی در قسمت دریافت گزارشات ازین بیس های اطلاعاتی بروز نمودند و این گزارشات نادرست بودند. در نتیجه، مؤسسات غیر حکومتی همکار مجبور بودند تا query های بیس اطلاعاتی را بصورت غیر اتومات بکار اندازند که اینکار زمان زیادی را در بر میگرفت.

اندازه نمونه

بعلت کم بودن شمار خانوار هائیکه از آن نمونه های اطلاعاتی جمع آوری گردیده اند (۳۹۰ خانوار)، از نگاه احصائیوی اعتبار اطلاعات حاصله برای قسمت های متباقی کشور محدود میباشد. ولی با آنهم در مواردیکه میان ساحات تشابهات وجود دارند، میتوان تصور نمود که ممکن است گرایشات مشابهی در مناطق دیگر کشور نیز وجود داشته

۴. نتیجه گیری های کلیدی در مورد معیشت ها



موسسه ناکار

تناسب می‌یستاج غله شانرا تشکیل میدهد؟ چی تناسب غله جات از مارکیت و یا دیگر میکانیزم های تبادلوی (تحفه و یا مزد کار بشکل غله، جمع آوری دانه های غله در مزارع، گدائی و غیره) تهیه میگردد؟

تحلیل هائیکه درین گزارش ارائه گردیده اند صرف تأمین گندم را مورد بررسی قرار میدهند و سایر غله جات خصوصاً برنج و جواری را استثناً قرار میدهند، هر چند در محلاتی که در آن تحقیق صورت گرفت، برنج و جواری صرف در ولایات لغمان و هرات تولید میگردد. اطلاعاتیکه در دور اول مصاحبه ها در چهار فصل صورت گرفت، توحید گردید و بدین ترتیب اطلاعاتیکه درینجا مورد بحث قرار گرفته اند، از یکسال مکمل نمایندگی مینمایند. این اطلاعات در جدول ۳ نشان داده شده اند که محلات، قریه ها و گروه های ثروت را طبقه بندی مینماید و این طبقه بندی نظر به تناسب مقدار گندم تولید شده در مزارع (محور عمودی و یا محور Y) و مقدار گندمی که از مارکیت تهیه میگردد (محور افقی و یا X) صورت میگردد.

این فصل نتیجه گیری ها را در مورد جنبه های مرتبط معیشت های دهاتی از قریه های مطالعه شده ارائه مینماید. این فصل ابتدا این موضوع را بررسی مینماید که خانوار های مختلف غله را از کجا بدست می آورند و پس از آن این موضوع را بررسی مینماید که دسترسی خانوار های مختلف به زمین چگونه است. پس از آن شواهد مربوط به مواشی خانوار ها، منابع درآمد، مصارف و قروض مورد بحث قرار گرفته اند. در بخش های مربوط به قروض خانوار ها و شمار مواشی آنها، تغییراتی مورد بررسی قرار گرفته اند که به مرور زمان بوقوع می پیوندند.

۱.۴ تأمین غله جات خانوارها^(۲۰)

با در نظر داشت تداوم این استدلال که "۸۰ فیصد اهالی به زراعت متکی اند"، دانستن چگونگی تأمین غله جات حایز اهمیت اساسی است. سوالات اولی درین مورد صریح و بی پرده اند و آن اینکه خانوار ها غله جات خویشرا از کجا تهیه مینمایند؟ تولید غله خانوار چی

۲۰ هدف از تأمین غله جات مقادیر غله جات عمده میباشد که توسط خانوار از تولید داخل خانوار و یا خارج از خانوار مورد استفاده قرار میگردد.

جدول شماره ۳: دسترسی به گندم از مزارع و مارکیت نظر به محل، قریه و گروه ثروت

فیصدی تأمینات غله از تولیدات مزارع			
۱۰۰ فیصد	۱. (شمار خانوار ها=۴۳) بدخشان- قریه ۱- گروه اول ثروت فاریاب- قریه ۱- گروه اول ثروت فاریاب- قریه ۲- گروه اول ثروت هرات- قریه ۱- گروه اول ثروت هرات- قریه ۲- گروه اول ثروت سرپل- قریه ۲- گروه اول ثروت سرپل- قریه ۳- گروه اول ثروت قندهار- قریه ۱- گروه اول ثروت هرات- قریه ۲- گروه اول ثروت		
۷۵ فیصد	۲. فاریاب- قریه ۲- گروه اول ثروت		
۵۰ فیصد	۴. (شمار خانوار ها=۳۶) بدخشان- قریه ۲- گروه سوم ثروت فاریاب- قریه ۱- گروه سوم ثروت هرات- قریه ۲- گروه سوم ثروت- گروه چهارم ثروت هرات- قریه ۳- گروه سوم ثروت- گروه چهارم ثروت	۶. (شمار خانوار ها=۳۶) بدخشان- قریه ۲- گروه چهارم ثروت هرات- قریه ۱- گروه دوم ثروت هرات- قریه ۳- گروه دوم ثروت لغمان- قریه ۱- گروه سوم ثروت سرپل- قریه ۱- گروه دوم ثروت سرپل- قریه ۲- گروه دوم ثروت	
۲۵ فیصد	۷. (شمار خانوار ها=۲۳) قندهار- قریه ۲- گروه دوم ثروت لغمان- قریه ۱- گروه دوم ثروت	۸. (شمار خانوار ها=۲۷) بدخشان- قریه ۲- گروه سوم ثروت قندهار- قریه ۱- گروه سوم ثروت قندهار- قریه ۲- گروه سوم ثروت	۹. (شمار خانوار ها=۲۷) فاریاب- قریه ۲- گروه سوم ثروت قندهار- قریه ۲- گروه دوم ثروت لغمان- قریه ۲- گروه اول ثروت سرپل- قریه ۲- گروه سوم ثروت- گروه چهارم ثروت فاریاب- قریه ۲- گروه سوم ثروت
۰	۱۰. (شمار خانوار ها=۱۱۳) بدخشان- قریه ۱- گروه سوم ثروت غزنی- قریه ۱- گروه اول ثروت- گروه سوم ثروت غزنی- قریه ۲- گروه اول ثروت- گروه چهارم ثروت غزنی- قریه ۳- گروه اول ثروت- گروه سوم ثروت لغمان- قریه ۲- گروه دوم ثروت- گروه سوم ثروت لغمان- قریه ۳- گروه دوم ثروت- گروه سوم ثروت سرپل- قریه ۱- گروه سوم ثروت سرپل- قریه ۲- گروه سوم ثروت قندهار- قریه ۱- گروه دوم ثروت قندهار- قریه ۲- گروه اول ثروت	۱۰۰ فیصد	۷۵ فیصد
فیصدی گندم از بازار تهیه شده است			

میگردد نه ثروتمند. بدین ترتیب درین سه قریه در غزنی هیچ خانوار ثروتمند شمرده نشد. همچنان در دور های اول و دوم مصاحبه ها در دو قریه در غزنی خانوار های مربوط تمام گروه های ثروت، بخش کوچک غله مورد ضرورت خویشرا از پروگرام های غذا در مقابل کار بدست می آورند.

گروه هائیکه در موقف متوسط قرار دارند، تأمینات غله جات خویشرا از تولیدات مزارع خویش و همچنان از مارکیت بدست می آورند که در آن گروه های ثروتمند تر ممکن است بخش اعظم غله خویشرا (۵۰-۷۵ فیصد) از مزارع بدست آرند که چنین خانوار های نمونه ۱۴ فیصد خانوار های نمونه را تشکیل میدهند و گروه های فقیر تر ثروت ۲۵ الی ۵۰ فیصد غله جات خویشرا از تولیدات مزارع بدست می آورند که ۵.۱۸ فیصد خانوار های نمونه را تشکیل میدهند.

همچنان گروه هائی وجود دارند که غله را از تولیدات مزارع خویش، بازار و تبادل خارج از بازار بدست می آورند و برای آنان غذا در مقابل کار ممکن است یک کمک مهم باشد، هر چند این مسئله نیز شامل قرض دهی و قرضداری، حق جمع آوری دانه های غله در مزارع، دریافت غله بشکل تحفه و همچنان گدائی میباشد. اینها ۹.۲۴ فیصد خانوار های نمونه را تشکیل میدهند.

از جدول ۳ میتوان خلاصه مطالعات را بدست آورد. نخست اینکه خانوار هائی وجود دارند که بخش اعظم گندم خویشرا از تولیدات مزارع خویش بدست می آورند. از جمله ۱۲ گروه ثروت درین کته گوری (ستون اول جدول ۳)، ۹ گروه مربوط گروه اول ثروت اند و سه گروه مربوط به گروه دوم ثروت اند. آنها در مجموع ۱۱ فیصد خانوار های نمونه را تشکیل میدهند. ساحات کلیدی این ستون هرات، فاریاب و سرپل اند که هر کدام دارای بیشتر از یک گروه ثروت بوده و بدخشان و قندهار دارای یک گروه ثروت میباشند.

در جانب عکس این طیف، خانوار هائی قرار دارند که تقریباً تمام تأمینات غله خویشرا از بازار بدست می آورند. در مجموع درین کته گوری ۱۹ گروه ثروت وجود دارند که اکثراً مربوط ولایات لغمان، غزنی، قندهار و سرپل میباشند. از آنجمله ۹ گروه مربوط گروه سوم ثروت و یا پائین تر از آن میباشند، شش گروه مربوط گروه دوم ثروت بوده و چهار گروه مربوط گروه اول ثروت میباشند که مجموعاً ۶.۳۱ فیصد خانوار های نمونه را تشکیل میدهند. باید خاطر نشان نمود که از جمله گروه های اول ثروت سه گروه از غزنی اند که در آن گروه اول ثروت از جمله سه قریه در دو قریه فقیر شمرده میشوند و گروه دوم و سوم ثروت فقیر تر و فقیرترین شمرده میشوند. در قریه ۳، گروه اول ثروت منحیث گروه دارای "عوااید متوسط" تلقی

را در زمان خشکسالی بفروش رسانیده اند و یا اینکه آنرا به گروهی گذاشته اند؛ همچنان یک خانوار دیگر نیز بنا بر "مشکلات خانوادگی" خانه خویشرا بفروش رسانیده است و خانوار دیگر درختان خویشرا بفروش رسانیده است. عده از خانوارها مقدار خیلی اندک غله را از تولیدات خویش بدست می آورند، ولی این مقدار حتی برای یک فصل نیز کفایت نمی نماید. چند خانوار دیگر غله را به طرق مختلف حصول می نمایند که عبارت اند از: خریداری، قرض گیری، معاملات جنس به جنس و جمع آوری غله از مزارع مردم و همچنان گدائی.

این خانوارها میتوانند تمام و یا بخشی از غله مورد ضرورت خویشرا از طریق گدائی بدست آرند و این امر نشان میدهد که میکانیسم هائی جهت حمایت اجتماعی وجود دارند. اکثریت خانوارها در گروه های بلند ثروت که بخشی از غله را از تولیدات خویش بدست می آورند گفتند که بخشی از آنرا به مردم میدهند. این مسئله نشان میدهد که هر اندازه یک خانوار غله فراوان داشته باشد، به همان نسبت غله بیشتری به مردم خواهد داد که این امر ممکن است موجب حمایت از آنانی گردد که توانمندی اندکی برای گذران دارند. ولی این ضرورت وجود دارد که تحقیقات بیشتری در زمینه عطایای خیریه و تگدی صورت گیرد، زیرا در مورد این مسایل اطلاعات کافی در دست نیست.

همانگونه که شیوه های تأمین غله گروه های ثروت از هم متفاوت اند، میان ساحات مختلف و (در داخل ساحات) نیز تفاوت های واضح مشاهده میگردند که منابع آبی و زمینی را منعکس می سازند. جدول شماره ۴ فیصدی غله جات حاصله از تولیدات را در ساحات نظر به فیصدی خانوارهای نمونه بصورت فشرده نشان میدهد.

صرف ۲۰ خانوار بخشی از غله مورد نیاز خویشرا از طریق گدائی بدست می آورند. این خانوارها مربوط ولایات بدخشان، هرات و قندهار اند. تمام این خانوارها مربوط به فقیرترین گروه های ثروت اند و مقدار غله ایکه آنها از طریق گدائی بدست می آورند به ۱۰ الی ۳۰۰ سیر میرسد. از جمله ۲۰ خانوار، از شش خانوار بیوه ها سرپرستی مینمایند و بخاطر همین خانوارها گدائی وسیله اساسی حصول غله میباشد. مسئله جالب توجه در مورد شش خانوار دیگر اینست که در آنها مردانی زندگی می نمایند که در حدود ۷۰ سال عمر دارند و با زنانی ازدواج نموده اند که حد اقل ۱۵ سال از آنان جوانتر اند. در برخی موارد، علت این تفاوت سن قسماً چنین توضیح میگردد که شوهر پس از فوت خانم اول با یک زن جوانتر ازدواج می نماید. در چندین مورد دیگر مردان ضعیف بوده و کار کرده نمیتوانند بنا آنها یک مقدار غله را از طریق گدائی حصول می نمایند تا در پهلوی کار خانم و اطفال کمک دیگری به خانوار باشد (چوکات ۱ دیده شود). مشکل است که برای برخی از این خانوارها آینده روشن تری را پیشبینی نمود. با در نظر داشت چنین تفاوت در سن میان شوهر و خانم، این زنان پس از زمانی بیوه خواهند شد و طوریکه بعدها بحث خواهد گردید، زنان در افغانستان فرصت های کمی در اختیار دارند تا در مقایسه با مردان عواید کافی بدست آرند. نتیجه گیری های اولیه از اطلاعات ارزیابی خطر و آسیب پذیری در سطح ملی نشان میدهد که آهنگ فقر خانوار هائیکه در رأس آن زنان قرار دارند، اضافه از ۷۰ فیصد بیشتر از خانوار هائی است که در رأس آن مردان قرار دارند و به آهنگ فقر عمومی در دهات که ۵۳ فیصد است نزدیکتر میباشد.^{۲۱}

خانوارهای متباقی که از طریق تگدی برای خویش غله تهیه می نمایند، دارائی خیلی ناچیز دارند. پنج خانوار در بدخشان زمین هایشان

چوکات شماره ۱: گدائی بخاطر حصول غله

یک خانم در هرات گفت که وی در سن ۷ سالگی به عقد یک مرد ۵۰ ساله در آورده شد. وی گفت که در زندگی خویش با تراژیدی های زیادی مواجه گردیده است. وی اکنون در حدود ۳۷ سال و شوهرش در حدود ۹۰ سال دارند. شوهرش برای سالهای زیادی مریض بود و بعداً توانمندی کار را از دست داد. در گذشته این خانم قالین بافی و سوزن دوزی می نمود ولی دید چشمانش چنان ضعیف گردید که بیش ازین به این فعالیت ها ادامه داده نمی توانست. این خانوار زمین ندارد ولی یک گاو و چهار مرغ دارد. از جمله چهار طفل آن (سه دختر و یک پسر) سه تن آن کمتر از ۱۲ سال دارند. عواید این خانوار از گدائی شوهر همراه با اجوره حاصله این خانم از کارهای پاک کاری خانه های همسایه ها و نان پزی برای دیگران حاصل میگردد.

۲۱ وزارت احیاء و انکشاف دهات و بانک جهانی. فقر در دهات افغانستان: اطلاعات اولیه از ارزیابی خطر و آسیب پذیری در سطح ملی. کابل: وزارت احیاء و انکشاف دهات. ۲۰۰۴.

جدول شماره ۴: فیصدی غله حاصله از تولیدات مزارع نظر به ساحه

فیصدی گندم از تولیدات مزارع	بدخشان	فاریاب	غزنی	هرات	قندهار	لغمان	سرپل	تمام ساحات
بیشتر از ۷۵ فیصد	۳.۴	۳۰.۰	۰	۲۲.۲	۳.۳	۰	۱۸.۳	۱۱.۱
۵۰ الی ۷۵ فیصد	۲۸.۸	۲۸.۳	۰	۲۲.۲	۳.۳	۱۱.۱	۵.۰	۱۳.۹
۲۵ الی ۴۹ فیصد	۲۷.۱	۱۳.۳	۰	۵۵.۶	۰	۱۷.۶	۲۸.۳	۱۸.۵
کمتر از ۲۵ فیصد	۴۰.۷	۲۸.۳	۱۰۰	۰	۹۳.۳	۷۵.۶	۴۸.۳	۵۶.۶
مجموع	۶۰	۶۰	۶۰	۴۵	۶۰	۴۵	۶۰	۳۹۰

سه گروه ساحات تشخیص گردید:

طوری که قبلاً در فصل میتود ها تذکار یافت، معیشت های مردم فقیر با آناییکه مرفه تر اند مرتبط بوده و با آنها وابسته اند. بدین ترتیب درک دسترسی به زمین (و دارائی های دیگر) و شیوه هائیکه در آن مردم به زمین دسترسی پیدا می نمایند و یا از آن محروم میگردند شرط مهم درک مناسبات ارضی میباشد.

طوری که لیز الدن ویلی خاطر نشان نموده است، مالکیت و دسترسی به زمین یک مسئله مغلق بوده و مستلزم تحلیل دقیق میباشد. ۲۳ شواهدی که درین تحقیق از ساحات جمع آوری گردیده اند حد اقل هفت کته گوری اساسی دسترسی و استفاده از زمین را نشان میدهند که در ذیل لست گردیده اند:

- خانوار ها میتوانند زمین داشته باشند و در آن کشت نمایند؛
- خانوار ها میتوانند زمین داشته باشند، در آن کشت نمایند و زمین های دیگر را نیز با دریافت سهم در حاصل به اجاره بگیرند؛
- خانوار ها میتوانند زمین داشته باشند و با دریافت سهم معین بخشی از آن و یا همه آنرا به اجاره دهند؛
- خانوار های بی زمین میتوانند زمین های دیگر را با دریافت سهم در حاصل به اجاره گیرند؛
- خانوار های بی زمین میتوانند در برخی اوقات سال بحیث کارگران مزارع در مقابل بخش کوچکی از حاصلات و یا دستمزد کار نمایند؛^{۲۴}

۱. در فاریاب و هرات ۴۵ فیصد خانوار های نمونه و یا اضافه از آن بیشتر از ۵۰ فیصد غله خویشرا از تولیدات مزارع بدست می آورند.
 ۲. در غزنی، قندهار و لغمان اکثریت خانوار ها (بیشتر از ۷۵ فیصد) کمتر از ۲۵ فیصد غله خویشرا از تولیدات مزارع بدست می آورند.
 ۳. در بدخشان و سرپل یک گروه میانه حال وجود دارد و خانوار های نمونه بیشتر بصورت مساویانه در تمام طبقه بندی ها قرار میگیرند.
- سوالی که از شواهد حاصله در قسمت تأمین غله خانوار ها مطرح میگردد اینست که تفاوت میان ساحات تا کدام حد شرایط جوی ناشی از بارش باران و خشکسالی و یا اشکال مالکیت بر زمین را منعکس می سازد.

۲.۴ اشکال مالکیت بر زمین

قبل از تبصره بر اطلاعات حاصله از مالکیت بر زمین، باید یک نکته کلیدی را در ارتباط با تشریح زمین منحصیث یک دارائی تذکر داد. پلان معیشت در مجموع با تمام دارائی ها به زبان اقتصاد برخورد می نماید و چنان می پندارد که گویا آنها وجوه پولی اند. این جنبه پلان معیشت خصوصاً در ارتباط با زمین مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا اینکار "زمین را از جنبه مناسبات آن بیرون میکشد."^{۲۳}

۲۲ وایت هید. "رد یابی تغییرات معیشت: دیدگاه تیوریک، میتودولوژیک و عملی از کانای شمال شرق." مجله مطالعات افریقای جنوبی. ۲۰۰۲. ۲۸ (۳).

۲۳ لیز الدن ویلی به یک سروی اساسی مواشی، خوراکی حیوانات و علفچر هائی اشاره می نماید که از اختلافات بر سر حق علفچر حتی یاد آوری نیز ننموده است؛ مطالعه دیگری در مورد ارزیابی تأمینات محصولات زراعتی و مواد غذایی فرض می نماید که کشاورزان مالک زمین و تولیدات آن اند. غرض معلومات بیشتر به این اثر مراجعه کرد: الدن ویلی. بحران در حقوق ارضی: اعاده مصونیت ملکیت ها در افغانستان. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) ۲۰۰۳.

۲۴ بطور مثال در سه قریه در دولت آباد ولایت فاریاب مردان و زنان مسن اظهار داشتند که برای مدت سه ماه در حاصلبرداری خربوزه در مقابل ۷/۱ حاصلات کار نموده اند. به این اثر مراجعه کرد: کریس. نقش های جنسیت در زراعت: مطالعات در پنج قریه در شمال افغانستان. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) ۲۰۰۴.

تر میباشد (که اساساً این عوامل دارای جذابیت اند). ولی خانوار های فقیر تر بنا بر ناگذیری زمین هایشان را با دریافت سهم به اجاره میدهند (نیروی کار و منابع کافی مانند قلمه وغیره ندارند). بگونه مثال، یک مردی که در ولایت سرپل با وی مصاحبه صورت گرفت بخاطر نداشتن قلمه زمین خویشرا به اجاره داده و خودش زمین یک زمینداری را که قلمه داشت به اجاره گرفته بود.

برای خانوار های دارای سرپرست زن که دارای زمین اند ولی در خانه نیروی کار ندارند در صورتی ضرورت اجاره دهی زمین بمیان می آید که خود شان نخواهند تا در زمین خویش کار نمایند و علت آن ممکن است این باشد که تجربه اینکار را نداشته باشند، برای اینکار وقت نداشته باشند و یا هم از نگاه رسوم اینکار قابل قبول نباشد.

جدول شماره ۵ در ذیل تعاملات مختلف را که در ارتباط با دسترسی به زمین وجود داشته میتوانند در دو ساحه که اقتصاد آن بیشتر از همه بر کشاورزی متکی است، بصورت مختصر نشان میدهد.

- خانوار های بدون زمین ممکن است زمین را کشت نمایند؛
- خانوار های دارای زمین و یا بدون زمین که مواسی دارند میتوانند به زمین های علفچر دسترسی داشته باشند و از ساحات دارای علفچر جهت چرانیدن حیوانات شان استفاده نمایند.

یک سلسله نکات دیگری نیز در ارتباط با مالکیت بر زمین وجود دارند که باید ذکر گردند. اول اینکه اجاره گیری زمین با دریافت سهم در حاصل منحصر به گروه های پائین ثروت نبوده بلکه در تمام گروه های ثروت صورت میگردد. ثانیاً، اجاره دهی زمین با دریافت سهم در حاصل صرف منحصر به گروه های ثروتمند تر نبوده بلکه در تمام گروه های ثروت صورت میگردد. این بدان مفهوم نیست که اجاره گیری و یا اجاره دهی زمین در تمام گروه های ثروت و حتی در میان افراد هر گروه دارای عین انگیزه ها میباشد. در واقع، شواهد از لغمان بیانگر چنان گرایش است که شمار زیاد تر زمینداران بزرگ زمین های خویشرا با دریافت سهم به اجاره میدهند و علت آن هم نشان دادن موفق و اعتبار به مردم و هم اشتغال به کار های پر منفعت

جدول شماره ۵: نمونه های کشاورزی (فیصدی خانوار ها نظر به گروه های ثروت)

ولایات/ قریه ها	مالکیت/ کشاورزی	مالکیت/ کشاورزی	عدم مالکیت/ کشاورزی با سهم در حاصل	عدم مالکیت و کشاورزی
بدخشان				
قریه ۱- گروه اول ثروت	۱۰۰	۰	۵۰	۰
قریه ۱- گروه دوم ثروت	۱۰۰	۳۳	۳۳	۰
قریه ۱- گروه سوم ثروت	۹۱	۹	۱۸	۹
قریه ۲- گروه اول ثروت	۱۰۰	۳۳	۶۶	۰
قریه ۲- گروه دوم ثروت	۱۰۰	۱۰۰	۰	۰
قریه ۲- گروه سوم ثروت	۲۵	۲۵	۰	۵۸
قریه ۳- گروه اول ثروت	۱۰۰	۱۰۰	۰	۰
قریه ۳- گروه دوم ثروت	۱۰۰	۵۰	۱۲.۵	۰
قریه ۳- گروه سوم ثروت	۷۵	۲۵	۱۲.۵	۲۵
فاریاب				
قریه ۱- گروه اول ثروت	۱۰۰	۰	۶۰	۰
قریه ۱- گروه دوم ثروت	۱۰۰	۰	۱۰۰	۰
قریه ۱- گروه سوم ثروت	۸۲	۱۸	۴۵	۱۸
قریه ۲- گروه اول ثروت	۱۰۰	۰	۱۰	۰
قریه ۲- گروه دوم ثروت	۱۰۰	۰	۸۰	۰
قریه ۲- گروه سوم ثروت	۲۹	۲۹	۰	۱۴
قریه ۳- گروه اول ثروت	۱۰۰	۲۰	۸۰	۰
قریه ۳- گروه دوم ثروت	۱۰۰	۵۰	۳۸	۰
قریه ۳- گروه سوم ثروت	۱۴	۱۴	۰	۷۲

مقایسه مالکیت بر زمین و کشاورزی میان ساحات مختلف بصورت عمومی نکات ذیل را خاطر نشان میسازد:

- در ولایت فاریاب، قندهار و سرپل حد اقل از سه قریه هر ساحه در دو قریه در میان فیصدی خانوار های گروپ اول و دوم ثروت که دارای زمین اند و آنرا کشت مینمایند در مقایسه با خانوار های گروپ سوم ثروت تفاوت را نشان میدهد (تفاوت بیشتر از ۵۰ فیصد حد اقل در دو قریه).

- درین سه ساحه تقریباً ۵۰ فیصد و یا بیشتر از آن (فاریاب ۴۸ فیصد، قندهار ۹۰ فیصد و سرپل ۷۶ فیصد) خانوار های گروپ سوم ثروت و یا بلند تر از آن نه زمین دارند و نه زمین را کشت مینمایند. هر چند در مورد قندهار باید متذکر گردید که قبل از خشکسالی بسیاری خانوار ها زمین را به اجاره میگرفتند و با دریافت سهم در آن کشت مینمودند.

- داشتن زمین و اجاره گیری زمین با سهم در حاصل بنا بر علل مختلف بیشتر از همه در بدخشان، هرات و فاریاب معمول است. بطور مثال، در بدخشان بدون شک این امر بعلت تقاضای زیاد برای نیروی کار در کشت کوکنار میباشد که زمینداران را تشویق مینماید که زمین خویشرا با حصول سهم به اجاره بدهند، در حالیکه عواید بالقوه از کوکنار خانوار های کم زمین و بی زمین را تشویق مینماید که زمین را با دریافت سهم به اجاره بگیرند.

- داشتن زمین و اجاره دهی آن با حصول سهم در حاصل احتمالاً بنا بر علل مختلف یک مشخصه خاص ولایات بدخشان و فاریاب میباشد.

- نداشتن زمین و اجاره گیری زمین با دریافت سهم در حاصل اساساً منحصر به گروپ سوم ثروت میباشد که در تمام ساحات صورت میگيرد. ولی صرف یک بخش کوچک این خانوار ها درین موقف قرار دارند، به استثنای بدخشان که در آن این تناسب زیاد است (بازهم احتمالاً بعلت تولید کوکنار).

انگیزه ها برای اجاره گیری و اجاره دهی زمین با دریافت سهم در حاصل متفاوت بوده و مربوط شرایط و حالات میباشد. این تعامل در بدخشان باید از نگاه اقتصاد کوکنار و تریاک درک گردد. چندین عوامل انگیزه های اجاره دهی زمین را برای زمینداران بزرگ و هم انگیزه های اجاره گیری زمین را برای زمینداران کوچک تر و بی زمین ایجاد می نمایند. این عوامل شامل مقتضیات بلند تر برای کار در کشت کوکنار (۳۵۰ نفر روز در یک هکتار در مقایسه با ۴۱ نفر برای گندم)،^{۲۵} نقش کوکنار در تأمین کریدت و توانمندی آن برای جلب منفعت میباشد. در مقابل، در ولایات سرپل و فاریاب که در آن اقتصاد گندم در زمین های دارای تسهیلات آبیاری و للمی تسلط دارد، جذابیت فعلی فرصت های غیر زراعتی بخاطر اجوره های نسبتاً خوب کار های ساختمانی در شهر ها منابع نیروی بشری را در دهات بصورت بالقوه کاهش داده است، در حالیکه این نیروی بشری متمایل اند تا زمین را با دریافت سهم در حاصل به اجاره گیرند.^{۲۶}

شرایطی که تحت آن بر اجاره گیری و یا اجاره دهی زمین با سهم در حاصل توافق صورت میگیرد، تصویری بوده نمیتواند. منابع ضروری (نیروی کار، زمین، قلبه و سایر ضروریات) و همچنان عوامل دیگر بر چگونگی توافقات اثر میگذارند. این عوامل شامل موجودیت و قیمت نیروی کار زراعتی، محصولاتی که کشت میگردند، داشتن تسهیلات آبیاری و یا للمی بودن زمین و مناسبات میان دهقان سهم گیر و صاحب زمین میباشد. موقف اقتصادی دهقان سهم گیر نیز ممکن است بر این موافقه اثر داشته باشد. فقیر ترین دهاقین سهم گیر در ولایات سرپل و فاریاب بخشی از سهم شانرا در حاصلات قبلاً دریافت مینمایند زیرا آنها نمیتوانند الی حاصلبرداری منتظر بمانند. درینصورت آنها پس از حاصلبرداری سهم کوچکتري بدست می آورند. به عین ترتیب برخی در خانه صاحب زمین زندگی می نمایند و برایشان غذا و بعضی اوقات لباس داده میشود، ولی در زمان حاصلبرداری برایشان سهم کوچکتري داده میشود. اینکه چنین مناسبات تا چی حد استثماری اند، بررسی نگردیده است، ولی مطالعات دیگری حاکی از آنست که این نوع مناسبات میتوانند خیلی استثماری باشند.^{۲۷}

۲۵ مانسفیلد. "برتری اقتصادی تولید غیر قانونی مواد مخدر: افسانه و واقعیت"، کشت کوکنار در افغانستان، رساله آماده شده برای کنفرانس بین المللی در مورد انکشاف متبادل در کنترل مواد مخدر و همکاری، فیلدافینک، سپتمبر، ۲۰۰۱.

۲۶ کولک، تخم گندم و پروگرام های زراعتی در افغانستان و توانمندی آن در تأثیر بر معیشت ها: دو مطالعه از پنج قریه در دو ولایت. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۴.

۲۷ الدن وولی، بحران در حقوق ارضی: اعاده مسئولیت ملکیت ها در افغانستان؛ کریستوپلوس، آیا پالیسی زراعتی و نحوه امرار معیشت افغانها مطابق اصول نیست؟ کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)، ۲۰۰۴.

نوعیت آنها تحلیل گردد. باید خاطر نشان نمود که اطلاعات ارضی از ولایت فاریاب شامل زمینداری های بزرگ للمی میباشد، هر چند در بسیاری قریه ها زمین های دارای تسهیلات آبیاری نیز میباشند. اطلاعات از سرپل نیز شامل ساحات زیاد زمین های للمی میباشد که صرف شمار اندکی از خانوار ها زمین های دارای تسهیلات آبیاری نیز دارند. تمام ساحات دیگر دارای زمین های للمی اندکی میباشند.

باید خاطر نشان نمود که این اطلاعات ارضی بر مبنای آنچه که گزارش داده شده است جمع آوری گردیده اند و محاسبه و یا اندازه گیری نگردیده اند. واحد قیاسی "جریب" چی جریب کابلی (واحد رسمی حکومت) باشد و یا خیر، در واقع یک واحد قیاسی ثابت و قطعی

هرگاه بعوض مالکیت و دسترسی به زمین صرف مالکیت زمین مطالعه گردد، این امر بما کمک خواهد نمود تا این نمونه ها را که در تمام ساحات وجود دارند، درک نمائیم. جدول شماره ۶ مساحت متوسط زمین متعلق به گروه های ثروت را در تمام قریه ها و ساحات به جریب نشان میدهد (یک جریب مساوی به ۲۰۰۰ متر مربع است). به منظور ایجاد وضاحت احصائیه هائیکه مقدار عدول از حد متوسط را نشان میدهند، نشان داده نشده اند، ولی این تفاوت ها وسیع اند و انحراف معیاری از حد متوسط نیز بصورت عموم بزرگ میباشند. این امر تفاوت ها میان اندازه های زمینداری را در میان عین گروه ثروت منعکس میسازد.

بمنظور انجام تحلیل، در جدول شماره ۶ تمام انواع زمین (دارای تسهیلات آبیاری، للمی، باغ وغیره) تلفیق گردیده است، بدون اینکه

جدول شماره ۶: مالکیت بر زمین: مساحت متوسط زمین (جریب) نظر به گروه ثروت، گروه سوم ثروت بشکل فیصدی ساحه مجموعی سروی شده و مساحت متوسط زمین خانوار نظر به قریه

ولایت/ قریه ها	گروه اول ثروت	گروه دوم ثروت	گروه سوم ثروت	گروه سوم ثروت بشکل فیصدی ساحه مجموعی	سروی شده مساحت متوسط زمین خانوار در قریه
بدخشان					
قریه ۱	۱۶.۳	۴۳.۵	۱.۹	(۶۰) ۷.۲	۱۶
قریه ۲	۳۳.۷	۶.۸	۰.۴	(۶۳) ۳.۱	۷.۳
قریه ۳	۸.۹	۴.۳	۲.۶	(۸۰) ۲۲.۷	۴.۵
فاریاب					
قریه ۱	۱۹۳۲	۹۳۰	۲۴۱	(۴۰) ۱۳.۸	۹۵۹
قریه ۲	۱۳۲	۵۰	۰.۳	(۵۰) ۰.۲	۴۵.۶
قریه ۳	۲۱۶	۵۱	۱۱	(۳۵) ۵.۰	۷۸.۶
غزنی					
قریه ۱	*	*	*	*	
قریه ۲	*	*	*	*	
قریه ۳	۱.۴	۳.۸	۱.۴	(۴۰) ۳۳.۷	۱.۷
هرات					
قریه ۱	۰.۳	۵	۱.۹	(۶۷) ۵۴.۴	۲.۳
قریه ۲	۱۸	۵	۹.۵	(۶۰) ۴۸.۸	۸.۳
قریه ۳	۴.۵	۳	۱.۲	(۷۳) ۲۵.۰	۱.۹
قندهار					
قریه ۱	۲۴.۲	۵.۷	۰	(۵۵) ۰	۸.۱
قریه ۲	۸۰	۳۰.۴	۴.۱	(۷۴) ۲۰	۱۴.۵
قریه ۳	۴۰۰	۰	۰	(۹۰) ۰	۴۰
لغمان					
قریه ۱	۳.۴	۱.۸	۱.۰	(۴۰) ۲۱	۱.۹
قریه ۲	۵.۳	۱.۸	۱.۴	(۶۷) ۴۷	۲
قریه ۳	۰.۸	۱.۱	۰.۵	(۷) ۳.۲	۱.۰
سرپل					
قریه ۱	۶۲	۲۰.۵	۴.۵	(۵۰) ۱۲	۱۸.۶
قریه ۲	۰.۳	۲۵	۳.۵	(۵۸) ۱۲.۲	۷.۵
قریه ۳	۵۶.۳	۲۳.۴	۵.۹	(۳۸) ۱۰.۰	۲۲.۵

* اطلاعات ناموجود.

برای مساحت زمین نبوده بلکه متغیر می باشد. بدین ترتیب، نکاتی که نظر به آن مقایسه صورت میگیرد، از لحاظ کیفیت زمین را با زمین همسان، زمین آبی را با للمی و امثال آن مقایسه نمی نمایند.

در ستون چهارم، زمینداری های گروه سوم ثروت و پائینتر از آن (گروه سوم و چهارم ثروت باهم ادغام گردیده اند) بشکل فیصدی مساحت مجموعی خانوار های نمونه گیری شده نشان داده شده اند. شمار خانوار ها درین گروه های ثروت (بشکل فیصدی مجموع خانوار های نمونه) در داخل قوس نشان داده شده است. ستون نهمی (ستون ۵) اوسط مساحت زمین خانوار در تمام ساحه سروی شده قریه را نشان میدهد.

با ملاحظه اطلاعات حاصله از تمام قریه ها و ساحات، تناسب زمین هائیکه متعلق به خانوار های گروه سوم ثروت اند، معمولاً خیلی کمتر از وزنه آنها در خانوار های نمونه گیری شده در قریه می باشد. در چهار ساحه (بدخشان، هرات، قندهار و سرپل) خانوار های متعلق به گروه سوم ثروت اکثریت خانوار های نمونه گیری شده را تشکیل میدهد (۵۰ فیصد و یا بیشتر از آن)، ولی آنها مالک یک بخش قلیل زمین اند. در مقایسه با آن، مساحت متوسط زمین متعلق به خانوار های گروه اول ثروت خیلی بیشتر از مساحت متوسط زمین متعلق به گروه دوم ثروت می باشد، هر چند این امر همیشه صدق نمی نماید (فاریاب و قندهار با غزنی [قریه ۳] و بدخشان [قریه ۱] با سرپل [قریه ۲] مقایسه گردند).

طبعاً استثنا هائی وجود دارند: ولایات لغمان، هرات و غزنی بصورت اخص توجه را بخود جلب می نمایند، زیرا درین ساحات زمین ها بیشتر بصورت مساویانه تقسیم گردیده اند (البته نمیتوان گفت که سطح تساوی در آنها یکسان است). چنین نتیجه گیری ها برای لغمان و غزنی زمینداری ها را در ساحات کوچک زمین و اراضی کوهستانی منعکس میسازد. اطلاعات از هرات مستلزم تحقیقات بیشتر است، زیرا شواهد مقایسوی حاکی از آنست که نابرابری های شدید در زمینداری ها در ساحاتی وجود دارند که از زمین در زراعت استفاده اعظمی صورت میگیرد و منابع فراوان جهت آبیاری دارند مانند هرات. باید متذکر گردید که از مصاحبه های مجدد که توسط کارکنان کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR) در هرات انجام یافته اند این نتیجه دریافت گردیده است که شخصی که در شهر هرات زندگی مینماید مالک ۳۰۰ جریب زمین در قریه ۲ می باشد (در

مقایسه با حد متوسط یک الی چهار جریب زمین برای فی خانوار). مالک این زمین ها را خریداری نموده است، نه اینکه آنها به میراث برده باشد و اکنون بیشتر آنها با دریافت سهم در حاصل به اجاره داده است.^{۲۸}

عدم تساوی در مالکیت بر زمین در بیشتر ساحات وجود دارد، هر چند نمونه های مالکیت هم در داخل قریه ها و هم در میان ساحات فرق می نماید. جدول شماره ۷ فیصدی آن مرد ها را در خانوار های زمیندار نشان میدهد که معتقد اند که مردان و زنان هر دو بصورت مشترک مالک زمین اند. از مجموع خانوار هائیکه دارای زمین اند، ۳۱ فیصد گفتند که زمین ملکیت مشترک مرد و زن است. با در نظر داشت این حقیقت که تمام خانوار ها در لغمان و هرات اظهار داشتند که زمین ملکیت مشترک مرد و زن است، این رقم تحریف شده بنظر میرسد. در مصاحبه های مجدد توسط کارکنان کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR) در لغمان و هرات این نتیجه گیری بدست آمد که به زنان صلاحیت تصمیم گیری در امور ارضی داده نمیشود و چنان پنداشت موجود است که آنها قابلیت اینکار را ندارند.^{۲۹} علاوه بر آن، حینیکه زنان زمین به میراث می برند اکثراً از آنها توقع برده میشود که زمین را به برادران خویش واگذار گردند.^{۳۰}

در ارتباط با ملکیت های زنان باید گفت که در نمونه گیری ها صرف ۱.۸۷ فیصد زنان بنام خود زمین داشتند و اینها اکثراً از ولایت بدخشان اند. قابل تذکر است که چهار زن در دو قریه بدخشان باوجودیکه سرپرست خانوار های شان مرد است بنام خود زمین دارند. جالب خواهد بود که دانسته شود که این زنان چگونه توانسته اند که حق مالکیت را بدست آرند و این مالکیت برای آنها چی مفهوم دارد. در نمونه گیری از جمله ۲۵ خانوار که سرپرست آنها زنان اند صرف یک زن مالک زمین است (هر چند ممکن است این بخاطری باشد که زنان متباقی متعلق به خانواده های بی زمین باشند).

شواهد و بیانات حاکی از آنست که بعضی اوقات در صورتیکه زنان توانائی کشت زمین خویش را نداشته باشند، ممکن است مجبور گردند که آنها بفروش برسانند. زنانیکه مالک زمین اند و آنها نگهداری می نمایند، اکثراً آنها با دریافت سهم در حاصل به اجاره میدهند، هر چند اینکار وابسته با موجودیت نیروی بشری در خانوار است. این مسئله مستلزم بررسی های بیشتری است تا دیده شود که چگونه میتوان از زنانیکه مالک زمین اند و یا به زمین دسترسی دارند حمایت نمود و چگونه میتوان به زنانی کمک نمود که میتوانند در مورد زمین ادعا نمایند تا آنها بصورت مثمر مورد استفاده قرار دهند.

۲۸ کیر ویلسون و غغوری. نظارت بر معیشت های افغانها در دهات: شش قریه در اینکار و جنوب پشتون زرغون. کابل: کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR) ۲۰۰۴

۲۹ ایبید.

۳۰ ایبید، الدن ویلی. بحران در حقوق ارضی: اعاده مصئونیت ملکیت ها در افغانستان.

غله تهیه نموده و با خطرات مجادله نمایند. شواهد همچنان نشان میدهند که برخی خانوارها جهت بدست آوردن غله گدائی مینمایند، در حالیکه خانوارهای دیگری با همان مقدار زمین و یا بدون زمین به اینکار متوسل نمی گردند. اندازه زمینداریها در همه موارد جهت تعیین شیوه های معیشت خانوارها کافی نمیباشد. باید بخاطر داشت که مهارت ها، تحصیل، ترکیب خانوار و ارتباطات اجتماعی در پهلوی عوامل دیگر در تعیین شیوه های معیشت نقش دارند.

بصورت عمومی، اطلاعات در مورد مالکیت ارضی پنج نکته کلیدی را توضیح مینماید: اول اینکه اکثریت خانوارها در تمام ساحات بخش کوچک (کمتر از ۲۵٪) غله مورد ضرورت خویشرا از تولیدات مزارع خویش بدست می آورند. ثانیاً، اکثر این خانوارها در گروه های پائینتر ثروت قرار دارند (گروه دوم ثروت و پائینتر از آن)، هر چند این امر وابسته با مشخصات ساحه است. ثالثاً، با وجودیکه خانوارهای گروه سوم ثروت اکثریت خانوارهای سروی شده را تشکیل میدهند، مالک بخش قلیل ساحه ارضی میباشند. رابعاً، خانوارهاییکه زمین ندارند و زمین را کشت نمی نمایند، بصورت اخص در گروه سوم ثروت و پائینتر از آن قرار دارند. خامساً، زنان در مقایسه با مردان زمین های خیلی اندکی را مالک اند.

۳.۴ مالکیت بر مواشی

شواهد مالکیت های ارضی سوالات مهمی را در مورد این مسئله مطرح میسازد که خانوارهاییکه اکثر مایحتاج غذائی شانرا از بازار تهیه مینمایند و زمین محدود دارند و یا هیچ زمین ندارند، عواید شانرا از کجا بدست می آورند. شواهد این پروژه نشان میدهد که این عواید از نگهداری مواشی بدست نمی آید.

جدول شماره ۸ تعداد اوسط گوسفند و بز را در هر گروه ثروت و همچنان فیصدی مجموع رمه های گوسفند و بز را در خانوارهای نمونه گیری شده نشان میدهد. ارقام در مورد گوسفندها و بزها بخاطری انتخاب گردید که این مواشی از لحاظ تعداد مهمترین دارائی در بخش مالداری محسوب میگردند.

باید در قسمت مفهوم "مالکیت" محتاط بود، زیرا این موضوع آنچنانیکه ممکن است تصور گردد، صریح و روشن نیست. در قریه های لغمان دسترسی به مواشی و حقوق در تولیدات آن نظر به زمان تغییر می یابد و این حقوق به دو شکل واقعی و بالقوه وجود دارند.^{۳۱} علت آن اساساً

جدول شماره ۷: فیصدی مالکیت مشترک بر زمین در خانوارهای زمیندار نظر به ساحه

ساحه	فیصدی زمینی که مالکیت مشترک با زنان است
بدخشان	٪۱۰
فاریاب	٪۸.۷
غزنی	٪۰
هرات	٪۱۰۰
قندهار	٪۰
لغمان	٪۱۰۰
سرپل	٪۲.۵
مجموع به فیصدی	٪۳۱

در حالیکه میتوان تفاوت های عمومی را میان ساحات مشاهده نمود، به تفاوت ها میان قریه ها نیز باید توجه نمود. باید بخاطر داشت که هر چند این قریه ها در هر ساحه با همدیگر نسبتاً نزدیک واقع گردیده اند، گروه بندی دارائی قریه ها از هم متفاوت است و این امر بر مسئله تقسیمات زمین میان خانوارها در قریه تأثیر مینماید. جهت توضیح اشکال و نمونه های تقسیمات زمین، دانستن تاریخ قریه و مناسبات اجتماعی در آن ضروری خواهد بود. بگونه مثال، جهت توضیح نمونه تقسیمات زمین در قریه ۳ در قندهار در مقایسه با قریه ۲ که در آن تمام زمین در اختیار یک خانواده سرشناس قرار دارد. طوریکه در یک مثال از هرات دیده میشود، تاریخ قریه ها و مناسبات اجتماعی ممکن است شامل درک مناسبات ارضی در میان قریه ها گردد، زیرا ممکن است ملکیت ارضی در یک قریه مربوط به مردمی باشد که در قریه دیگری زندگی مینمایند.

همانگونه که در فصل میتودها گفته شد، اندازه زمینی که تعیین کننده سطح ثروتمندی است در ساحات مختلف خیلی از هم متفاوت است، بطور مثال، در یک ساحه ۸۰ جریب زمین آبی دال بر ثروتمندی است، حالانکه در ساحه دیگری ۱ الی ۵ جریب زمین علامت ثروتمندی میباشند. همچنان هر چند خانوارها بر اساس مشخصاتی مانند اندازه ملکیت ارضی به گروه های ثروت طبقه بندی گردیده اند، خانوارها در داخل یک گروه ثروت نیز از همدیگر متفاوت اند. بطور مثال، در گروه های فقیرتر ثروت خانوارهایی وجود دارند که زمین خیلی کم دارند و همچنان خانوارهایی وجود دارند که هیچ زمین ندارند و این بدان مفهوم است که ممکن است خانوارهای مختلف در یک گروه ثروت دارای شیوه های متفاوت معیشت باشند تا بوسیله آن برای خود

۳۱ کیر- ویلسون و پین.

خانوار و در اکثر خانوار های گروپ سوم ثروت کمتر از آن) و منبع اساسی درآمد حاصله از موآشی نمیباشد. از جمله سه قریه در ولایت فاریاب، خانوار های گروپ سوم ثروت در دو قریه گاو ندارند، در حالیکه در بدخشان صرف ۱۴ الی ۳۳ فیصد خانوار های گروپ سوم ثروت گاو دارند. ارقام در مورد داشتن مرکب نیز درین مطالعه شامل نگردیده اند. در گروپ سوم ثروت در تمام قریه ها کمتر از یک مرکب فی خانوار وجود دارد. این امر به مفهوم انکار از اهمیت این نوع حیوانات نمیباشد. در واقع، گاو و مرکب هر دو خیلی مهم اند که اولی از نگاه تهیه لبنیات برای خانوار و دومی از نگاه انتقال آب و اموال حایز اهمیت اند.

اینست که به خانوار هائیکه از لحاظ موآشی فقیر اند اجازه داده میشود تا از موآشی خانوار های دیگر مراقبت نمایند و در مقابل آن به آنها پول پرداخته شود. در فاریاب نیز شواهد اینکار موجود است^{۳۲} ولی ضرور است تا تحقیقات بیشتر در مورد این رسم در ساحات دیگر افغانستان صورت گیرند.

ارقام در مورد گاو ها بشمول گاو های قلبه ئی ارائه نگردیده اند و علت آنهم اینست که به استثنای بدخشان و فاریاب، شمار متوسط گاو هائیکه در خانوار ها نگهداری میگردند کم بوده (یک الی دو گاو در فی

جدول شماره ۸: تعداد اوسط گوسفند و بز در هر ساحه، قریه و گروپ ثروت (داخل قوس فیصدی مجموع موآشی خانوار های نمونه را در هر قریه نشان میدهد)

ولایات/قریه ها	گروپ اول ثروت	گروپ دوم ثروت	گروپ سوم ثروت	گروپ چهارم ثروت	تعداد مجموعی موآشی در قریه
بدخشان					
قریه ۱	۷ (۲۱٪)	۶.۵ (۶۵٪)	۰.۶ (۱۲٪)		۶۰
قریه ۲	۷۴ (۷۶٪)	۹ (۱۲٪)	۲.۸ (۱۱٪)		۲۹۳
قریه ۳	۴۲.۵ (۶۴٪)	۵.۸ (۱۷٪)	۶.۴ (۱۹٪)		۲۶۷
فاریاب					
قریه ۱	۷۲.۴ (۵۳٪)	۴۶ (۳۳٪)	۱۲ (۱۴٪)		۶۸۸
قریه ۲	۸۳ (۸۷٪)	۱۲ (۱۳٪)	۰.۲ (۰٪)		۴۷۷
قریه ۳	۴ (۳۰٪)	۵.۲ (۶۳٪)	۰.۷ (۷٪)		۶۷
غزنی					
قریه ۱	۱ (۱۳٪)	۰.۵ (۳۳٪)	۱.۱ (۵۳٪)		۱۵
قریه ۲	۵ (۱۵٪)	۲.۵ (۱۵٪)	۲.۲ (۴۱٪)	۴.۳	۳۴
قریه ۳	۱ (۱۴٪)	۶.۶ (۶۷٪)	۱.۱ (۱۸٪)		۴۹
هرات					
قریه ۱	۲.۵ (۶۲.۵)	۰.۷ (۲۵٪)	۰.۱ (۱۲.۵٪)	۰	۸
قریه ۲	۰	۳.۱ (۶۵٪)	۱ (۳۵٪)	۰	۱۷
قریه ۳	۰	۰	۰	۰	۰
قندهار					
قریه ۱	۶۱ (۶۷٪)	۷.۴ (۲۸٪)	۰.۸ (۵٪)		۱۸۳
قریه ۲	۰	۶.۸ (۵۲٪)	۲.۲ (۴۸٪)		۶۵
قریه ۳	۰	۰.۳ (۱۰۰٪)			۶
لغمان					
قریه ۱	۲ (۶۷٪)	۰.۲ (۸٪)	۰.۵ (۲۵٪)		۱۲
قریه ۲	۱ (۹٪)	۰	۲ (۹۱٪)		۲۲
قریه ۳	۰	۳.۱ (۱۰۰٪)	۰		۴۰
سرپل					
قریه ۱	۱۳ (۵۵٪)	۴.۷ (۴۵٪)	۰		۷۳
قریه ۲	۳۵ (۵۷٪)	۱۶ (۴۳٪)	۰		۱۸۵
قریه ۳	۸.۳ (۳۷٪)	۴.۲ (۶۲٪)	۰.۱ (۱.۴٪)		۶۸

۳۲. پین. فشار بر معیشت ها در ولایت فاریاب در شمال افغانستان، فرصت ها برای کمک. پاکستان/ افغانستان: موسسه حمایت از اطفال مربوط ایالات متحده امریکا، ۲۰۰۱.

نمونه های عمومی نگهداری گوسفند و بز واضح اند:

- غزنی، هرات و لغمان دارای شمار قلیل رمه های گوسفند و بز اند (در هر قریه ۵۰ یا کمتر از آن). درین ساحات مقدار زمینداری ها در تمام گروه های ثروت کوچک اند (هفت جریب و یا کمتر از آن و معمولاً سه جریب و یا کمتر از آن).
- قندهار و سرپل دارای شمار متوسط گوسفند و بز اند (۵۰ الی ۲۰۰ در هر قریه). شمار گوسفند و بز در قریه ۱ در قندهار و قریه ۲ در سرپل بسوی گروه های بلند تر ثروت تقرب پیدا مینماید.
- در دو ساحه باقیمانده یعنی در بدخشان و فاریاب، دوقریه در هر ساحه بیشتر از ۲۵۰ گوسفند و بز دارند و شمار آنها درین قریه ها بسوی گروه های بلند تر ثروت تقرب پیدا مینماید.

تفاوت میان ساحات قسماً اهمیت سنتی مالداری را منحصیث یک معیشت در ساحات معین منعکس میسازد. بطور مثال، مردم یکی از قریه ها در ولایت فاریاب بصورت سنتی به پرورش مواشی مصروف بوده اند و هویت خود را با مالداری مشخص مینمایند.

شواهد نشان میدهد که گروه های فقیر تر ثروت در تمام ساحات دارای کمترین شمار مواشی اند. بدین ترتیب مقدار کم زمین و مالداری محدود مشخصات گروه های فقیر تر ثروت اند.

مالکیت زنان بر مواشی خیلی کمتر از مردان است. هر گاه نگهداری حیواناتی از قبیل گاو، گاو قلبه نی، گوسفند و بز، مرکب و مرغ در نظر گرفته شود، مالکیت زنان بر آنها ۲۴ فیصد، مالکیت مردان بر آنها ۵۴ فیصد و مالکیت مشترک ۲۲ فیصد میباشد. این تصویر با شامل ساختن مرغ های کمی تحریف میگردد زیرا عموماً مرغ ها متعلق به زنان بوده و ارزش پولی آن خیلی کم میباشد. این تصویر با یک حقیقت دیگر نیز تغییر شکل پیدا مینماید و آن اینکه چنین نظر وجود دارد که در سه قریه ولایت غزنی زنان و مردان بصورت مشترک مالک مواشی اند و این امر مالکیت مشترک بر مواشی را خیلی بیشتر نشان میدهد. تحلیل شمار گاو، گوسفند و بز صرف تصویر احصائیوی را تغییر میدهد که در آن صرف در ۱۱ فیصد خانوار ها زنان مالک گاو، گوسفند و بز اند. همچنان میان گروه های ثروت نیز تفاوت هائی وجود دارند که گروه های فقیر تر ثروت دارای شمار بیشتر خانوار

هائی اند که در آن زنان مالک مواشی اند. این امر ممکن است بعلت شمار بزرگ چنان خانوار ها در گروه سوم ثروت باشد که زنان در آن سرپرست اند، زیرا از جمله ۲۴ خانواری که سرپرست آن زنان اند، ۱۰ خانوار دارای مواشی اند که معمولاً یک بز یا یک گاو میباشد.

بنا برین زنان نسبت به مردان زمین خیلی کم و مواشی خیلی کم دارند، هرچند این امر که در واقع مالکیت و یا عدم مالکیت در عمل به چی مفهوم است بصورت مکمل درک نگردیده است. چیزیکه واضح است اینست که زنان بیشتر مالک مواشی اند، نسبت به اینکه مالک زمین باشند. اطلاعات در مورد فعالیت های زنان نیز نشان میدهد که زنان در نگهداری و مراقبت از مواشی سهم بیشتر میگیرند. در اکثر پروگرام های مربوط به مالداری نه مالکیت زنان و نه نقش آنها در نگهداری و مراقبت از مواشی منعکس نگردیده است. پروگرام های کمک به زنان ندرتاً از محدوده مرغ ها فراتر میروند و این مرغ های امدادی نیز خیلی مستعد به ابتلا به امراض بوده و در تناسب با انواع دیگر مواشی درآمد اندکی را ایجاد مینمایند.

شواهد در مورد تأمین غله جات، داشتن زمین و مواشی همه به این نکته اشاره مینمایند که زراعت در قسمت تأمین مستقیم و یا غیر مستقیم غله برای شمار قابل ملاحظه خانوار ها نقش محدود دارد. این نتیجه گیری یک سوال اساسی را مطرح میسازد و آن اینکه مردم عواید خویشرا چگونه بدست می آورند؟

۴.۴ عواید خانوار ها

این بخش مسئله تنوع در عواید و نقش نسبی منابع مختلف عواید را بررسی نموده و پس از آن به پژوهش در مورد منابع مشخص عواید می پردازد. اطلاعات در مورد اهمیت منابع مختلف عواید از طریق درجه بندی این منابع در فصل های مختلف طی سال گذشته بدست آمد. این میتود بخاطری انتخاب گردید که حصول اطلاعات در مورد مقدار عواید مشکل بوده و اعتبار آن نیز قابل اطمینان نیست. باید متذکر گردید که نقش عواید جنسی که یک عنصر امرار معاش از طریق تولیدات مزارع میباشد، شامل این تحلیل نگردیده است. این بخش صرف به منابع عواید نقدی اختصاص یافته است.

شامل میگردند به استثنای قریه های ولایت فاریاب.

- از جمله نه گروه ثروت در ولایت فاریاب (و گروه دوم ثروت در یکی از قریه های بدخشان) هفت آن در انتهای دیگر طیف قرار دارند. این گروه های ثروت دارای بیشتر از هفت منبع عواید میباشند که هیچ کدام آن بیشتر از ۲۵ فیصد عواید را تشکیل نمیدهند. در شماری از خانوار های ولایت فاریاب الی ده منبع عواید وجود دارند.

- اکثریت گروه های ثروت در تمام ساحات دارای سه الی شش منبع عواید میباشند. نیم آنها دارای چنان منبع درآمد میباشند که بیشتر از ۵۰ فیصد عواید شانرا تشکیل میدهد و نیم دیگر داری چنان منبع درآمد میباشند که از ۲۵ الی ۵۰ فیصد عواید شانرا تشکیل میدهد.

تنوع منابع درآمد اکثراً بمتابسه شیوه کاهش خطر در ارتباط با مطمئن بودن و موسمی بودن منابع مختلف درآمد میباشند. چنین تصور میگردد که تنوع موجب عواید منظم گردیده و ثبات را در عواید ببار می آورد. طبعاً مؤثریت تنوع وابسته به آنست که تا چقدر حد زمینه انتخاب ها و فرصت ها وجود دارند (که اکثراً وجود ندارند) و همچنان مربوط به آنست که یک منبع درآمد تا چقدر حد وابسته با منبع دیگر درآمد است.

باید متذکر گردید که خصوصاً در شرایط بحران، اهمیت عواید غیر کشاورزی اکثراً با صدمه هائیکه به عواید حاصله از محصولات زراعتی و یا مویشی وارد میگردند، ارتباط متقابل دارند. با سقوط درآمد حاصله از کشاورزی، عواید غیر کشاورزی نیز سقوط مینمایند. یک مثال خوب آن سقوط قیمت های قالین در فاریاب در زمان خشکسالی بود: با زوال محصولات کشاورزی در اثر خشکسالی، خانوار ها به تولید قالین روی آوردند و اینکار موجب گسترش تولیدات و کاهش چشمگیر در قیمت های قالین گردید.^{۳۳}

در تحلیل تنوع، مهم است تا تنوعی که هدف از آن مجادله با خطرات بوده و صبغه جبری دارد با تنوعی که شیوه انباشت عواید و دارائی ها

کته گوری های عواید عبارت اند از: کار کشاورزی، کار غیر کشاورزی، فروش مویشی، فروش محصولات زراعتی، دریافت پول نقد از خارج، قالین و گلیم بافی، کریدت و قرض، پول گروهی زمین، نباتات وحشی، تجارت و ترانسپورت و فروش سایر دارائی ها. اطلاعات مورد بحث عواید هر چهار فصل را در بر میگیرد.

۱.۴.۴ تنوع در معیشت ها

جهت حصول تصویر تنوع معیشت ها، شمار عمومی منابع درآمد در مقایسه با سهم بزرگترین منبع درآمد در عواید مجموعی تحلیل میگردد. اینکار با استفاده از یک اندازه گیری تخمینی محاسبه صورت میگیرد و آن عددی است که نشان میدهد که یک منبع درآمد چند بار گزارش داده شده است. این عدد نه مقدار عواید حاصله از هر منبع را نشان میدهد و نه هم ثمره تلاش ها و زمان صرف شده را تعیین مینماید (هر دو مسئله جهت دانستن ثمرات نسبی فعالیت های مختلف حایز اهمیت اند). بطور مثال، کار غیر کشاورزی ممکن است برای گروه اول ثروت در مقایسه با گروه سوم ثروت متفاوت باشد (ویا نباشد).

از اطلاعات جمع آوری شده در مورد تنوع معیشت ها یک سلسله مشاهدات کلیدی بعمل آمده است:

- اکثریت خانوار ها دارای منابع متنوع درآمد اند. ۱۸ فیصد خانوار های نمونه دارای یک یا دو منبع عواید اند، ۳۴ فیصد دارای سه الی چهار منبع عواید اند، ۳۰ فیصد دارای پنج الی شش منبع عواید اند و ۱۷ فیصد دارای بیشتر از هفت منبع عواید اند. بصورت عموم، تقریباً ۵۰ فیصد خانوار ها دارای پنج و یا بیشتر از پنج منبع عواید اند.
- در یک انتهای طیف آن گروه های ثروت اند که درآمد شانرا از یک یا دو منبع بدست می آورند که هر کدام ازین منابع بیشتر از ۵۰ فیصد عواید مجموعی آنها را تشکیل میدهند. تمام آنانیکه در تمام گروه های ثروت و ساحات سروی شده قرار دارند، درین کته گوری

تشکل خانوار است. چارت شماره ۱ مثال تنوع منابع عواید را در یک خانوار غریب در یکی از قریه های ولایت فاریاب نشان میدهد.

بنا بر کوچک بودن این نمونه گیری، تشخیص ارتباط میان اندازه خانوار و ثروتمندی آن امکان پذیر نیست. در برخی قریه ها بزرگترین خانوارها در ثروتمندترین گروهها قرار دارند، در حالیکه در قریه های دیگر در غریبترین گروهها قرار دارند. چنین معلوم میگردد که سطح دارائی خانوار چگونگی اثرگذاری اندازه خانوار را تعیین مینماید. بطور مثال، هرگاه خانوار دارای یک اندازه زمین و تعداد زیاد اعضای مرد بزرگتر از ۱۵ ساله باشد، خانوار میتواند که از برخی از نیروی بشری خانواده برای کار در زمین استفاده نماید و از نیروی اعضای دیگر جهت مصروفیت در فعالیت های دیگر استفاده گردد. برعکس، خانواده دیگر باهمان مقدار زمین ولی تعداد کمتر اعضای بالغ در صورتیکه زمین شان کم باشد ممکن است آرزوی اجاره دادن کشت زمین را نداشته باشد و از نیروی بشری خانوار جهت کار در زمین خویش استفاده نماید که در نتیجه هیچ عضو خانوار در فعالیت های دیگر مصروف نميگردد.

مقدار ثروت و فرصت های کسب درآمد نیز با گذشت زمان تغییر خواهند یافت. بطور مثال، هرگاه یک خانواری که سرپرست آن زن است و اطفال آن کوچک اند، درینصورت کسب درآمد بدون موجودیت یک میکانیسم نیرومند حمایت اجتماعی خیلی مشکل خواهد بود. ولی زمانیکه اطفال به سنی میرسند که کار نموده میتوانند، خانوار در یک وضعیت خیلی متفاوت قرار میگیرند. پولی که در ازدواج پسران و دختران پرداخته میشود و یا گرفته میشود نیز با در نظر داشت جنسیت اطفال بر خانوار تأثیر مثبت و یا منفی مینماید، زیرا خانوارها بصورت عموم در مقابل دختران شان پول بدست می آورند و بخاطر ازدواج پسران شان پول میپردازند. اینکه سرپرست خانوار مرد و یا بیوه است نیز بر وضع مالی آن اثر میگذارد، زیرا زنان بصورت عموم برای کسب درآمد فرصت های کمتری دارند. البته واضح است که همیشه چنین نیست و این امر مربوط به مقدار زمین، مواشی، اطفال، مهارت ها، پس انداز ها و ارتباطات خانوارها با سازمان های اجتماعی و امدادی میباشد.

میباشد، از همدیگر متمایز گردند. بیشتر شواهدی که در محیط های دیگر وجود دارند نشان میدهند که تنوع نه تنها یک شیوه بقا میباشد، بلکه ممکن است در نتیجه آن عواید خانوارها ثبات اندکی کسب نمایند. این بخاطری است که عواید دچار سکتگی بوده و قابل اطمینان نمیباشد. بدین ترتیب، ممکن است علت ایجاد تنوع مجادله با خطرات نباشد، بلکه علت آن این حقیقت باشد که منابع عواید قصیرالمدت و نامطمئن بوده و خانوارها صرفاً در پی یافتن هر شکل اشتغال میباشد.

همچنان این سوال مطرح میگردد که آیا انجام وظایف مختلف توسط خانوار صورت میگیرد (اعضای خانوار کارهای مختلفی را در مکان و زمان مختلف انجام میدهند) و یا اینکه انجام وظایف مختلف توسط یک فرد در داخل خانوار صورت میگیرد. هرگاه توانمندی در خصوص ایجاد تنوع وابسته با کار و زحمت خانوار باشد، ایجاد تنوع ممکن است بالخصوص برای خانوارهایی مشکل باشد که دارای نیروی بشری اندکی اند. مقدار نیروی بشری ای که خانوارها در اختیار دارند واضحاً نه تنها مربوط به اندازه خانوار است، بلکه همچنان مربوط به ترکیب خانوار از لحاظ سن و جنسیت میباشد. بطور مثال، یک مرد در ولسوالی صیاد ولایت سرپل اظهار نمود که چرا وی نتوانسته است که کشت زمین را به اجاره گیرد، زیرا خانواده وی متشکل از خودش، خانمش و پسر کوچکش میباشد. خانم وی از طفل مواظبت مینماید و وی نمیتواند که به تنهایی زمین کافی را جهت کشت به اجاره گیرد.

چیزی را که اطلاعات این مطالعه نشان میدهد اینست که در اکثریت خانوارهای بزرگ اعضای مختلف به فعالیت های متنوع کسب درآمد مصروف اند. همچنان اعضای منفرد خانوارها اکثراً نظر به موسم به فعالیت های متفاوت مصروف اند و این مصروفیت نظر به فعالیت های اعضای دیگر خانوار تغییر مینماید. همچنان برخی از اعضای خانوارها در تمام اوقات سال مصروف کارهای مشابه میباشد. بطور مثال، در خانوارهای قالین باف خانمها در تمام سال مصروف قالین بافی اند. خانوارهایی که دارای زمین اند ولی زمین هایشان را به اجاره نمیدهند، اعضای منفرد خانوار ممکن است در تمام ایام سال بیشتر مصروف کشاورزی باشند. واضح است که ترکیب فعالیت ها وابسته به اندازه و

چارت شماره ۱: دیگرام فعالیت های خانوار از مشاهده یک خانوار غریب در ولایت فاریاب نظر به موسم و جنسیت

(رنگ های مختلف اعضا و سنین مختلف را نشان میدهد: برای مردان: رنگ نارنجی تیز مردان مسن، نارنجی خفیف مردان جوان و سبز پسران جوان را نشان میدهند. برای زنان: رنگ سرخ زنان مسن، زرد و سبز کم رنگ زنان جوان را نشان میدهند).

مردان	زنان
<p>کار کشاورزی</p> <p>کار روزانه در ایران</p> <p>چرانیدن مویشی دیگران</p>	<p>مواظبت اطفال و امور خانه</p> <p>قالین بافی</p> <p>پاک کاری و لباس شویی در خانه های دیگران</p>
<p>کار کشاورزی</p> <p>کار روزانه در ایران</p> <p>جمع آوری هیزم و چوب سوخت</p>	<p>مواظبت اطفال و امور خانه</p> <p>قالین بافی</p> <p>پرورش مرغ ها</p>
<p>کار روزانه در داخل قریه</p> <p>کار روزانه در ایران</p> <p>جمع آوری هیزم و چوب سوخت</p>	<p>مواظبت اطفال و امور خانه</p> <p>قالین بافی</p> <p>پرورش مرغ ها</p>
<p>کار روزانه در شبرغان</p> <p>کار روزانه در ایران</p> <p>مراقبت از حیوانات دیگران</p>	<p>مواظبت اطفال و امور خانه</p> <p>قالین بافی</p> <p>پرورش مرغ ها</p>

۲.۴.۴ منابع عواید

جدول شماره ۹ مهمترین عواید گزارش داده شده را بصورت خلاصه نشان میدهد. چوکات شماره ۱ (کنار بالائی بطرف چپ) نشان میدهد که از جمله نه گروپ ثروت که در داخل چوکات نشان داده شده اند، هفت گروپ از انجام کار غیر کشاورزی، یک گروپ از فروش چوب و دیگران فروش محصولات زراعتی را بزرگترین منبع درآمد شان قلمداد نمودند.

در ارتباط به این اطلاعات باید به یک سلسله نکات کلیدی اشاره نمود. اول اینکه برای تقریباً ۵۴ فیصد گروپ های ثروت، مهم ترین منبع عواید انجام کار غیر کشاورزی است،^{۳۴} اعم از گروپ های ثروت که صرف دارای یک الی دو منبع درآمد اند و هم آنهاییکه دارای پنج الی شش منبع میباشند. در گروپ های ثروت که دارای بیشتر از هفت منبع درآمد اند، صرف ۳۰ فیصد اظهار داشتند که کار غیر کشاورزی مهمترین منبع درآمد آنهاست.

بررسی صرفاً منابع درآمد پول نقد الزاماً به این مفهوم نیست که کار غیر کشاورزی مهمترین منبع عواید میباشند. بطور مثال، هرگاه خانواری بخش اعظم عواید نقدی اش را از کار غیر کشاورزی بدست می آورد، ولی مایحتاج ارتزاقی اش را از تولیدات خویش تهیه می نماید، درینصورت کشاورزی بازمهمترین منبع عواید میباشند. ولی هرگاه منبع اساسی عواید نقدی با این امر مقایسه گردد که آیا خانوار بخش اعظم غله اش را از تولیدات خود تهیه مینماید و یا اینکه از بازار می خرد و یا بطرق دیگر بدست می آورد، با در نظر داشت ماه هائیکه خانوار خود کفا است، درینصورت یک تصویر موافق تبارز می نماید. اکثریت فقیرترین گروپ های ثروت که غله را از تولیدات خویش تهیه نمی نمایند، صرف در ایام کوتاه سال از لحاظ مواد غذایی خود کفا اند و عواید اساسی نقدی خویش را از کار های غیر کشاورزی بدست می آورند (در ضمیمه شماره ۲ جزئیات خود کفائی و عواید اساسی نقدی ملاحظه گردد). در ساحات معین، کار غیر کشاورزی همچنان منبع اساسی عواید برای بخشی از متمول ترین گروپ های ثروت میباشند.

بصورت مشخص از جمله ۲۱ قریه مطالعه شده در ۱۸ قریه کار غیر کشاورزی مهمترین منبع عواید برای فقیرترین گروپ های ثروت

ارتباط میان اندازه خانوار و ثروت مربوط به وضعیت خانوار مورد نظر باشد. بطور مثال، سیستم نظارت ملی به این نتیجه رسیده است که بزرگی خانوار وابسته با ثروت بوده است، ولی این سیستم خانوار را منحیث یک گروپ افرادی تعریف نموده است که "درآمد و مصارف شان مشترک بوده و در یک حویلی زندگی مینمایند." خانوار های بزرگ ثروتمند تر شمرده میشوند، زیرا اعضای بیشتر خانوار میتوانند که درآمد و مصارف را باهم شریک نمایند. برعکس، خانوار های کوچکتر که قادر نیستند که درآمد شانرا با هم یکجا نمایند، به واحد های مجزا مبدل میگرددند و فقیر تر شمرده میشوند.^{۳۵}

ممکن است برای خانوار های فقیر تر در ایجاد تنوع سودمند و کم خطر مشکلات بیشتری موجود باشند. بصورت عموم تنوع سودمند مستلزم مهارت و آموزش میباشد که اکثر خانوار های فقیر تر فاقد آنند. در عوض، خانوار های فقیر معمولاً به کار هائی رو می آورند که مصارف آغاز آن کم باشد، مانند جمع آوری هیزم و چوب سوخت و اشتغال اتفاقی در شهر ها و زراعت. صرف خانوار های دارای سرمایه، مهارت و ارتباطات قوی اجتماعی میتوانند که به دکانداری، پرورش مواشی، تجارت و غیره مصروف گردند.

برخی خانوار هائی که عواید متنوع دارند دارای یک منبع اساسی درآمد میباشند و منابع دیگر نقش درآمد متمم را دارند. در خانوار های دیگر، ممکن است هر منبع درآمد خیلی کوچک ولی مساویاً مهم باشد. بطور مثال، مؤسسه پاملرنه به این نتیجه رسیده است که در قریه های ولایت غزنی مالداري یک منبع کلیدی عواید میباشند، ولی با در نظر داشت شمار اندک مواشی که خانوار ها دارند، این امر در نظر اول مشهود بنظر نمی آید. این امر اهمیت آگاهی از شمار منابع عواید محلی را نشان میدهد. هرگاه صرف شمار مواشی در نظر گرفته میشود، ممکن است درک کاملاً متفاوتی از اهمیت مواشی منحیث یک شیوه بقا برای قریه های غزنی بدست می آید.

با ملاحظه تنوع عواید، مهم است تا ماهیت منابع عواید بررسی گردد.

۳۴ مرادوات شخصی با ویدی جونچیک.

۳۵ کار غیر کشاورزی درینجا به کاری اطلاق میگردد که مربوط به زراعت نباشد، چی در مزارع و چی در خارج از مزارع.

جدول شماره ۹: مهمترین منبع عواید نظر به تنوع (تعداد) منابع عواید (بیشترین تعداد خانوار ها در یک گروه ثروت آنرا اولین منبع عواید قلمداد نموده اند)

بزرگترین منبع منفرد عواید				
۱۰۰ فیصد	۱. (تعداد گروه ثروت = ۹) کار غیر کشاورزی (۷) چوب (۱) فروش محصولات زراعتی (۱)	۲. (تعداد گروه ثروت = ۴) کار غیر کشاورزی (۳) فروش محصولات زراعتی	۳.	۴.
۷۵ فیصد	۵. (تعداد گروه ثروت = ۳) کار غیر کشاورزی (۳)	۶. (تعداد گروه ثروت = ۱۰) کار غیر کشاورزی (۴) فروش محصولات زراعتی (۲) مواشی (۲) دریافت پول از خارج چوب	۷. (تعداد گروه ثروت = ۳) کار غیر کشاورزی (۲) فروش محصولات زراعتی (۱)	۸.
۵۰ فیصد	۹. (تعداد گروه ثروت = ۲) فروش محصولات زراعتی کار غیر کشاورزی	۱۰. (تعداد گروه ثروت = ۱۰) کار غیر کشاورزی (۵) فروش محصولات زراعتی (۴) مواشی کریدت	۱۱. (تعداد گروه ثروت = ۱۴) کار غیر کشاورزی (۹) فروش محصولات زراعتی (۳) مواشی کریدت	۱۲. (تعداد گروه ثروت) کار غیر کشاورزی (۴) کریدت (۲)
۲۵ فیصد	۱۳.	۱۴.	۱۵. (تعداد گروه ثروت = ۱) قالین بافی	۱۶. (تعداد گروه ثروت = ۸) فروش محصولات زراعتی (۲) کار غیر کشاورزی (۲) مواشی (۲) قالین بافی کریدت
۰	۲-۱	۴-۳	۶-۵	بیشتر از ۷
تعداد منابع عواید				

این ارقام نهایت کم اند، ممکن است آنها نتیجه عدم گزارش دهی باشند، ولی با در نظر داشت اینکه شمار قلیل خانوار ها از لحاظ مواد غذایی خود کفا اند، جای تعجب نیست که آنها غله نمی فروشند. ممکن است مردم غله را به این امید نگه دارند که قیمت فروش گندم افزایش خواهد یافت.

اهمیت عواید غیر کشاورزی ممکن است به اثر جنگ و خشکسالی افزایش یافته باشد، ولی دلایلی وجود ندارند که حاکی از آن باشند که کار غیر کشاورزی برای مدت طولانی برای خانوار های فقیر مهم نبوده است. چیزیکه فهمیده نمیشود اینست که هر گاه تولیدات زراعتی بهبود یابد، آیا این وضع ادامه خواهد داشت؟ واضح است که اینکار مربوط به نوع انکشاف زراعتی خواهد بود. بطور مثال، هر گاه میکانیته ساختن زراعت ادامه یابد درینصورت ممکن است اهمیت کار غیر کشاورزی برای آنانیکه کم زمین و یا بی زمین اند ادامه یافته و بعلت قلت فرصت های کار در مزارع افزایش یابد. در جریان سفر به فرایاب و سرپل به تیم تحقیقاتی گفته شد که هر گاه قیمت های گندم پائین باشند، ممکن است مردم از اجاره گیری کشت زمین ها منصرف گردند و به عوض آن به ترکیبی از کار های کشاورزی و غیر کشاورزی رو آورند.

میباشد. در ۱۲ قریه کار غیر کشاورزی منبع اساسی عواید برای دومین گروه ثروت نیز است. در شش قریه دیگر نیز کار غیر کشاورزی منبع اساسی عواید برای ثروتمند ترین گروه ها میباشد. این بدان مفهوم نیست که کار غیر کشاورزی یگانه منبع عواید برای این خانوار های فقیر در سطح خانوار میباشد. طوریکه قبلاً تذکار یافت، خانوار ها دارای منابع متنوع عواید میباشند، بشمول کار کشاورزی، مواشی و فروش محصولات زراعتی در مقابل پول نقد و یا در تبادل با جنس.

فروش محصولات زراعتی منبع عمده عواید برای ۱۹ فیصد گروه های ثروت بوده و اساساً منبع عمده عواید برای گروه اول ثروت میباشد. یگانه استثنا درینجا بدخشان است که در آن اکثر گروه های ثروت بر فروش محصولات زراعتی متکی اند و علت آن نیز احتمالاً اینست که تقریباً تمام گروه های ثروت به فروش تریاک مصروف اند.

در کته گوری فروش محصولات زراعتی مقدار فروش غله جات کم است. بطور مثال، در ولایت فرایاب بخش بیشتر فروش محصولات زراعتی را میوه جات تشکیل میدهد، نه گندم. صرف ۱۰ خانوار از فروش گندم و صرف ۴ خانوار از فروش برنج گزارش دادند. در حالیکه

بسیاری از مردم در قریه های بدخشان جهت جمع آوری هیزم و چوب سوخت به قریه های محلی مسافرت مینمایند، نه جهت کار و کسب دستمزد. چنین نظر وجود دارد که کشت کوکنار از ورود کارگران مهاجر از بدخشان به ولایات دیگری مانند کندز جلوگیری نموده است، زیرا زمینه های کار را در داخل بدخشان فراهم نموده است.^{۳۶}

هرات و سرپل دارای کمترین فیصدی خانوار هائی اند که اعضای آن در خارج قریه کار مینمایند. قریه های هرات و سرپل در مقایسه با فاریاب و یک قریه در بدخشان از جمله آنهائی اند که دارای کمترین منابع عواید میباشند. بناً نیروی کار مهاجر بیشتر در آن خانوار هائی وجود دارد که دارای منابع متنوع عواید اند، گرچی باز هم این امر مربوط به توانمندی خانوار در قسمت فرستادن یکی از اعضا جهت کار به مسافرت میباشد. به استثنای فاریاب (که در آنجا توانمندی خانوار ها تنوع را بمیان آورده است) و قندهار، نیروی کار مهاجر در گروه های فقیر تر ثروت بیشتر میباشد (گروه دوم الی چهارم ثروت).

باید متذکر گردید طوریکه در فصل میتود ها گفته شد، اینکه در واقع کته گوری کار غیر کشاورزی دقیقاً چی کار هائی را در بر میگيرد، واضح نیست. بطور مثال، در حالیکه کته گوری جداگانه برای پول های ارسالی از خارج وجود داشت، کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR) در ادامه تحقیقات شان دریافتند که دو کته گوری مغشوش بوده اند و اینکه پول ارسالی از کار غیر کشاورزی آنانیکه جهت کارکردن در مسافرت بودند تحت عنوان کار غیر کشاورزی آمده بود. این امر ممکن است بدین مفهوم باشد که در مورد اهمیت عواید از کار های افراد خانوار در مسافرت، چی در داخل و یا خارج افغانستان اطلاعات کافی جمع آوری نگردیده است. ولی یقینی است که در بیشتر از یک ربع خانوار ها (۲۷ فیصد) حد اقل یک عضو خانوار حد اقل یکماه در یکسال جهت کار در مسافرت بوده است (جدول ۱۰ دیده شود).

بلند ترین فیصدی خانوار ها که اعضای شان منحیت کار گران مهاجر کار مینمایند در ولایات غزنی، بدخشان و لغمان زندگی مینمایند.

جدول شماره ۱۰: فعالیت های اعضای غیر مقیم خانوار ها نظر به گروه ثروت

ولایت	فیصدی خانوار هائیکه حد اقل دارای یک عضو غیر مقیم اند نظر به گروه ثروت				محل مهاجرت
	ثروت				
	گروه اول ثروت	گروه دوم ثروت	گروه سوم ثروت	گروه چهارم ثروت	
بدخشان	۰	۴۳	۳۳	۶۲.۵	قریه های نزدیک، تالقان، پاکستان
غزنی	۱۵	۴۸	۴۲	موجود نیست	شهر غزنی، قندهار، ایران، پاکستان
هرات	۰	۰	۱۷	۱۷	ایران
فاریاب	۳۱	۱۹	۲۲	موجود نیست	ایران
قندهار	۲۰	۱۳	۸	موجود نیست	شهر قندهار، کابل، پاکستان
لغمان	۱۴	۴۳	۲۹	موجود نیست	ایران، پاکستان
سرپل	۱۱	۴.۵	۲۲	۰	صیاد، شبرغان، پاکستان، ایران

۳۶ پین. تأثیر اقتصاد تریاک بر معیشت های خانوار ها: شواهد از تنگی واخان و دره رستاق در بدخشان، کابل: مؤسسه انکشافی آغا خان (AKDN)، ۲۰۰۴.

و فعالیت های کسب درآمد میباشند، مانند قالین بافی، گلیم بافی، خیاطی، سوزن دوزی و لباس دوزی و همچنان فعالیت های دیگر از قبیل کار کشاورزی (کشت محصولات زراعتی و تربیه مواشی) و تولید لبنیات. این فعالیت ها اکثراً در داخل قریه صورت میگیرند، هر چند استثنائاتی وجود دارند (چوکات ۳ دیده شود). مطالعه در مورد نقش های جنسیت در زراعت همچنان به این نتیجه رسیده است که در حالیکه این فعالیت ها درآمد هائی را میسر می سازند، به استثنای قالین بافی، درآمد خیلی کم بوده و برای امرار معاش یک خانواده کافی نمیباشد. علت آنهم قسماً این میباشند که بیشتر زنان با بازار ها ارتباط نداشته و فاقد مهارت های تجارت و یا بازار یابی میباشند.

سوالی که در قسمت کار غیر کشاورزی مطرح میگردد اینست که چرا چنین تعداد زیاد خانوار ها در دهات به فعالیت های غیر کشاورزی مشغول میگردند. یک ترکیبی از عوامل موجب میگردند که اعضای خانوار ها بکار غیر کشاورزی مشغول گردند:

- آیا خانوار مقدار کافی زمین با کیفیت خوب و منابع کافی آبیاری دارد و یا خیر. طوریکه قبلاً نشان داده شد، بسیاری خانوار های فقیر و برخی خانوار های ثروتمند تر دارای زمین خیلی کم بوده و یا اینکه هیچ زمین ندارند و دسترسی به آب نیز توأم با مشکلات میباشند.

واضح نیست عوایدی که زنان و اطفال کمائی مینمایند تا چی حد در کته گوری کار غیر کشاورزی انعکاس یافته اند. پرسشنامه دارای یک کته گوری جداگانه برای قالین بافی و گلیم بافی میباشد، ولی ممکن است بعضی کار ها از قبیل قالین پیافی، خیاطی، لباس دوزی و سوزن دوزی در کته گوری کار غیر کشاورزی آمده باشند. در یک مطالعه در مورد نقش جنسیت در زراعت، در دو قریه دولت آباد ولایت فاریاب قالین بافی زنان بزرگترین منبع عواید در برخی خانوار های فقیر میباشد.^{۳۷} ولی از زمان خشکسالی به بعد بافتن قالین و گلیم درین قریه ها شکل خیلی استثماری را بخود گرفته است (چوکات شماره ۲ دیده شود). این شواهد اشتغال اطفال، خصوصاً اطفال گروپ های فقیر تر ثروت را در تولیدات غیر کشاورزی نشان نمیدهند و همچنان فعالیت های خانگی خانوار ها را منعکس نمیسازد. با آنهم در قریه هائیکه در آن ها قالین بافی مروج است حتی دختران ۱۰ ساله مصروف قالین بافی اند، در حالیکه پسران معمولاً در حدود سن ۱۴ سالگی نیز به فعالیت های غیر کشاورزی جهت کسب درآمد مصروف میباشند، مانند انتقال اجناس در بازار محلی. اینکار خصوصاً در قندهار معمول است و علت آن نیز ممکن است نزدیکی قریه ها به ساحات شهری باشد.

ازین مطالعه چنین بنظر می آید که اکثریت مطلق زنان مصروف تولید

چوکات شماره ۲: شرایط جدید تجارت در قالین بافی

زنان در ولایت فاریاب اظهار داشتند که آنها همیشه قالین بافته اند، ولی اکنون نسبت به سابق بیشتر می بافند. آنها دلایل اینکار را خشکسالی و طالبان میدانند. زنانیکه افراد طالبان به قریه آمدند، زنان حق نداشتند که در زمین ها کار نمایند و زمین ها و مواشی از نزد آنها گرفته شد. در آنزمان تاجران قالین زنان این قریه ها را تشویق نمودند تا قالین های بیشتری ببافند و بفروش برسانند.

قبل از خشکسالی برخی خانوار ها در دولت آباد از پشم مواشی خود در قالین بافی استفاده مینمودند و به همین علت جهت حصول مواد خام بر تاجران خارج از قریه کمتر متکی بودند. پس از خشکسالی و کاهش شمار مواشی، بسیاری زنان و خانواده هایشان مجبور گردیدند تا مواد خام را از دلالان بدست آورند که عمدتاً در اندخوی بودند و همچنان قالین را مطابق به فرمایش بسازند. در مقابل، آنها نصف مفاد را با تقیص مصارف مواد خام از آن بدست می آوردند. بسیاری ازین زنان اکنون مفاد کمتری نسبت به گذشته بدست می آورند. برخی خانوار ها همچنان در دوران متواتر مقروض مانده اند. دلال بخاطری به آنها قرض میدهد تا خانوار را تا زمانی در بند نگهدارد که قالین فروخته شود. پس ازینکه قالین فروخته شد خانوار قرض را از مفاد پرداخت مینماید و بار دیگر مجبور میگردد که قرض بگیرد.

۳۷ کریس. نقش های جنسیت در زراعت.

چوکات شماره ۳: یک زن تجارت پیشه در فاریاب

یک زن بیوه مواد را از یک تاجر در قریه نزدیک خریداری مینماید و آنرا به زنان در قریه قریش بفروش میرساند. این بیوه برخلاف اکثر زنان دیگر قریه قالین بافی را یاد ندارد و علت آنهم شرایط فامیلی در دوران طفولیت میباشد. وی در یک خانواده بی زمین بدنیا آمده است و از جمله چهار خواهر کوچکتر است که همه در سنین پائین ازدواج نموده اند و دارای یک برادر کر و گنگ میباشد. در نتیجه وی مجبور بوده است تا از آوان طفولیت در بیرون از خانه کار نماید و حیوانات دیگران را به چرانیدن ببرد و بدین ترتیب وی نتوانسته است تا فن قالین بافی را یاد بگیرد و درآمدی بدست آورد.

اکنون وی قسماً از طریق فروش موادی که وی از تاجر میگیرد و در هر قلم جنس ۱۰ افغانی به او پرداخته میشود و قسماً از کمک اهالی قریه امرار معاش مینماید. وی با مرکب به قریه همجوار میروید و از تاجری که قرار گرفته اش با وی همدردی دارد مواد می خرد. دختر وی قالین بافی را یاد گرفته است و دامادش که با وی یکجا زندگی مینماید در مزارع گندم بحیث کارگر کار مینماید. پسر بزرگ وی که چهارده ساله است امسال منحصراً کارگر در مزارع کار را آغاز نموده است.

این خانم توانست که تجارت مواد را از طریق کمک یک زن دیگر که مصروف اینکار بود، آغاز نماید. این خانم وی را دید که گریه میکند و پرسید که چی واقع شده است. پس از اینکه قصه زندگی او را شنید به وی مهارت های لازم این تجارت را یاد داد.

این بیوه در سن ۱۷ سالگی به عقد یک مرد ۵۵ ساله در آورده شد. ۱۷ سال بعد وی بیوه گردید (۷ سال قبل). زمانیکه آن زن دیگر با وی آشنا گردید، وی از مدت ۲ سال بیوه شده بود و از اینکه چگونه درآمدی بدست آورد، مأیوس گردیده بود. با وجودیکه ۴ طفل داشت (۶ طفل دیگر فوت نمودند)، وی مصمم بود تا گدائی ننماید.

منبع: گریس. ۲۰۰۴.

- آیا کار کشاورزی میسر است و یا خیر، که آنهم مربوط به مقیاس زمینداری ها و اندازه و ترکیب خانواده های زمیندار در سطح محلی میباشد، زیرا اینها تعیین کننده این مسئله اند که آیا در خانواده نیروی کار کافی وجود دارد تا در زمین کار نماید یا خیر.
- مهارت های اعضای خانوار. بطور مثال، اجاره گرفتن کشت بدون تجربه خیلی مشکل است. ولی هر گاه مردم مهارت هائی از قبیل نجاری، قالین بافی و یا معماری داشته باشند، آنها ممکن است دستمزد های بلند تری را نسبت به مزدور کاری در مزارع کمائی کرده بتوانند.
- برای زنان، خصوصاً زنان ثروتمند تر و جوانتر، گشت و گذار در خارج از خانه و کار در زمین در ساحات معین از لحاظ اجتماعی و کلتوری نوعی ننگ شمرده میشود و این امر ممکن است کار آنها را در مزارع محدود سازد (هرچند آنها میتوانند که در داخل خانه به بسیاری فعالیت های زراعتی بپردازند).
- خانوار های فقیر تر اکثراً به عواید منظم و دایمی ضرورت دارند تا غرض مصارف روزانه خویش از آن استفاده نمایند و اینکار اشتغال در فعالیت هائی مانند اجاره گیری کشت زمین را بدون طلب قرض مشکل میسازد.
- تفاوت دستمزد ها برای کار کشاورزی و غیر کشاورزی. هر گاه اجوره های کار غیر کشاورزی بلند تر باشند، اینکار ممکن است مردم را بسوی اینگونه کار ها جلب نماید.
- این واقعیت که کار کشاورزی بصورت سال تمام وجود ندارد.
- اینکه کار غیر کشاورزی در داخل قریه میسر است و یا خارج از آن، نه تنها وابسته با میسر بودن کار، بلکه وابسته با تفاوت میان اجوره ها در داخل و خارج قریه خواهد بود. موسمی بودن کار ها نیز یک عامل عمده است که بر معیشت های دهاتی اثر میگذارد، زیرا معین میسازد که کدام نوع کار ها میسر و ضروری اند (چوکات ۴ دیده شود). خیلی مهم است تا نه تنها ازین مسئله آگاهی حاصل گردد که مردم به چی کار هائی اشتغال دارند، بلکه باید دانست که کی این فعالیت ها را انجام میدهد و چی زمانی آنها انجام میدهد.

۵.۴ مصارف

این فصل با ملاحظه این مسئله آغاز گردید که خانوار ها غله مورد ضرورت خود را از کجا تهیه مینمایند و این نتیجه حاصل گردید که بازار مهمترین منبع برای اکثریت گروپ های ثروت میباشد. این بخش نمونه های مصارف را در سطح قریه و گروپ ثروت بصورت

چوکات شماره ۴: ترکیب کار کشاورزی و غیر کشاورزی در سرپل و فاریاب

در یکی از قریه ها در ولایت سرپل مردی کارهائی را از قبیل آوردن آب، محافظت مزارع گندم و خربوزه و خیشاوه نمودن طی سه ماه تابستان انجام میدهد. وی همچنان مواسی مردم را در مقابل پول و شیر می چراند. پس از اینکه کار زراعت ختم میگردد وی کارهای دیگر روزانه را انجام میدهد. مردم میدانند که وی این نوع کارها را انجام میدهد و جهت انجام کارهای مختلف مانند کارهای ساختمانی به وی مراجعه مینمایند. در ماه نوامبر الی بهار وی جهت انجام کارهای غیر کشاورزی روزانه به شبرغان و مزار شریف می رود و ۱۵۰ افغانی اجوره میگیرد، در حالیکه در قریه ۷۰ الی ۱۰۰ افغانی دریافت مینماید. وی قبل از خشکسالی کشت را به اجاره میگرفت ولی اکنون این فرصت ها کمتر اند، زیرا زمینداران خود زمین های خویشرا کشت نمایند. وی گاو های قلبه ای خویشرا نیز در جریان خشکسالی از دست داد.

در یکی از قریه ها در ولایت فاریاب که نسبت به قریه هاییکه در دولت آباد از آن بازدید صورت گرفت، در حوالی علیای رودخانه قرار دارد، دارای آب بیشتر بوده و در نتیجه امکانات فعالیت های غیر کشاورزی مانند خشت مالی وجود دارد. یک مردی که با وی مصاحبه صورت گرفت جهت فرمایش دادن و یا انجام کارهای ساختمانی در خانه های مردم و پاک کاری جوی ها خشت می سازد. وی صرف یک پسر دارد و خانمش مصروف کارهای خانه است و چون کس دیگری نیست که به خانمش کمک نماید، او نتوانسته است که قالین بافی نماید. در ایامیکه وی خشت می زند یک مقدار از درآمد خویش را پس انداز مینماید تا در ایام زمستان که اینکار ممکن نیست از آن استفاده نماید.

منبع: گریس. ۲۰۰۴.

اقلام دیگر صورت میگیرد؟ در حالیکه برخی مؤسسات غیر حکومتی نتوانستند که اطلاعات را در مورد مقدار مصارف جمع آوری نمایند، اطلاعات آنانیکه نشان میداد که فقیرترین گروپ ها بعضاً دارای بلندترین مصارف و همچنان درآمد نقدی بودند. این بخاطری است که آنها عموماً پرداخت های نقدی را بدست می آورند و هم بصورت نقدی آنرا بر غذا به مصرف میرسانند و این بدان مفهوم است که احتمالاً آنها بیشتر بر اقتصاد نقدی متکی اند و در مقابل تغییرات در قیمت های غذا آسیب پذیر میباشند.^{۳۸}

مصرف متمایز دومی بازپرداخت قروض است و در مورد فاریاب، بدخشان و لغمان خرید دارائی ها میباشد. این مسئله قرضداری و تغییر در دارائی در بخش بعدی با تفصیل بیشتر مورد بحث قرار گرفته است.

مصارف تحصیل در بعضی خانوارها در تمام ساحات وجود دارد، ولی از لحاظ اهمیت همیشه در درجه چهارم و یا کمتر از آن قرار گرفته است. در مقابل، برای بسیاری قریه ها مصارف صحت از لحاظ اهمیت در درجه دوم و یا سوم قرار دارد. واضح نیست که این مصارف صحت

مفصل بررسی مینماید. همانند اطلاعات در مورد عواید، اطلاعات در مورد مصارف نیز از طریق یک سیستم درجه بندی بدست آمد که در آن مهمترین مصارف خانوار در هر موسم در سال گذشته تشخیص گردید. این اطلاعات از طریق یک سیستم نمره دهی برای تمام سال جمع بندی میگردد^{۳۸} تا تصویر نمونه های مصارف در قریه بدست آید که در جدول شماره ۱۱ خلاصه گردیده است. این جدول نمونه های تفاوت میان گروپ های ثروت را پنهان میسازد که بعداً بر آن بحث خواهد گردید.

جدول شماره ۱۱ شامل معمولترین اقلام مصارف در تمام قریه ها میباشد. پرداخت مالیات درین لست وجود ندارد، زیرا هیچ خانواری آنرا گزارش نداده است. قرض دهی پول صرف در چند مورد خیلی محدود گزارش داده شده است.

جای تعجب نیست که در تمام ساحات و قریه ها مصارف غذا از لحاظ اهمیت در درجه اول قرار گرفته اند. فقط در چند مورد محدود که شماری از خانوارها در گروپ اول ثروت در قندهار، هرات و فاریاب را در بر میگیرد، مصارف غذا مهمترین قلم نمیشد. در مورد ماهیت مصارف غذا اطلاعاتی وجود ندارد که آیا مصارف بر گندم، برنج و یا

۳۸ سیستم درجه بندی ایکه درجه های خانوار را برای هر منبع درآمد جمع بندی مینماید و نظر به کروب ثروت مطابق به تعداد جوابات مثبت ارزیابی میگردد.

۳۹ این مسئله در مطالعات کریستوپولوس و لوتز نیز انعکاس یافته است.

جدول شماره ۱۱: درجه بندی مصارف خانوار

ولایات/ قریه ها	غذا	مواد سوخت	مصارف مزرع	لباس	تحصیل	صحت	باز پرداخت قرض	خرید دارایی
بدخشان								
قریه ۱	۱	۴	۲	۳	۵	۶		
قریه ۲	۱	۲	۶	۳	۴	۵		
قریه ۳	۱	۵	۴	۲	۳	۶	۷	۸
فاریاب								
قریه ۱	۱	۸	۵	۳	۴	۲	۷	۶
قریه ۲	۱		۷	۳	۸	۲	۴	۶
قریه ۳	۱	۶	۷	۳	۵	۲	۸	۴
غزنی								
قریه ۱	۱	۷	۶	۲	۴	۳	۵	
قریه ۲	۱	۲	۷	۲	۵	۴	۶	
قریه ۳	۱	۶		۲	۳	۴	۵	
هرات								
قریه ۱	۱	۵	۳	۲	۶	۴		
قریه ۲	۱	۷	۲	۴	۵	۳		
قریه ۳	۱	۵	۴	۳	۶	۲		
قندهار								
قریه ۱	۱	۴	۶	۳	۷	۲		
قریه ۲	۱	۶	۳	۴	۵	۲		
قریه ۳	۱	۸	۳	۴	۵	۲	۶	
لغمان								
قریه ۱	۱	۳	۴		۶	۲	۵	۷
قریه ۲	۱	۴	۶	۳	۵	۲	۷	
قریه ۳	۱	۳	۴		۵	۲	۵	۷
سرپل								
قریه ۱	۱		۲	۳	۵	۴		
قریه ۲	۱	۶	۵	۳	۴	۲		
قریه ۳	۱	۶	۲	۳	۴	۵		

صحت ناسالم میتواند بر معیشت های مردم تأثیر ناگوار وارد نماید، زیرا معمولاً یک عضو خانوار مجبور است تا از شخص مریض مراقبت نماید و نمیتواند که به فعالیت های کسب عواید مصروف گردد که در نتیجه دو عضو خانوار کار کرده نمیتوانند. صحت خراب همچنان میتواند به معیشت ها نیز صدمه شدید برساند، زیرا این امر ممکن است خانوار را مجبور سازد که جهت تداوی مریض قرض بگیرد (این مسئله در بخش آینده که در مورد قرضداری است مورد بحث قرار خواهد گرفت).

جنبه دیگر مصارف صحی که درینجا منعکس نگردیده است عبارت از مؤثریت معالجه و توصیه های طبی میباشد. گزارش های زیادی وجود دارند حاکی از اینکه ادویه های طبی در افغانستان غیر مؤثر اند و بنا

چی مفهوم دارد، ولی بررسی مفصل از ولایات لغمان و هرات برخی از مسایل را نشان میدهد (چوکات شماره ۵ دیده شود).

شواهد بیانی حاکی از آنست که مسایل صحت فزیکتی نیز ممکن است وابسته به معیشت های معین مانند قالین بافی باشد. بینائی ضعیف، درد اعضای بدن و مشکلات تنفسی تماماً شکایات معمول قالین بافان است. همچنان این باور وجود دارد که بسیاری زنان جهت تسکین دردی که از قالین بافی احساس مینمایند تریاک استعمال مینمایند تا آنها را قادر سازد که برای مدت طولانی قالین بیافند. صنایع دستی نیز میتواند که بر چشم فشار شدید وارد نماید و دید چشم را ضعیف سازد که ممکن است منتج به کاهش امکانات کسب عواید برای زنان گردد.

چوکات شماره ۵: مصارف صحی در لغمان و هرات

خانوار ها در لغمان و هرات از ۹ الی ۲۶ فیصد عواید شانرا بر صحت مصرف مینمایند که مصارف خانوار های فقیر تر درین قسمت عموماً بیشتر از خانوار های ثروتمند تر میباشد. در حالیکه میان مقادیر مصرف شده بر صحت در موسم های مختلف اندکی تفاوت وجود دارد، مصرف بر صحت عموماً در زمستان بلند تر است.

علل این مشکلات صحی شرایط ناهنجار مسکن و بهداشت، تغذیه ناکافی، ازدواج و آغاز طفل داری دختران در سنین کوچک و همچنان مشکلات صحی روحی بنا بر جنگ و فقر میباشد.

خانوار ها جهت پرداخت مصارف معالجه این مریضی ها از شیوه های مختلف استفاده مینمایند که شامل گرو نمودن زمین، قرض گیری، مسافرت بخارج از کشور جهت کمائی پول تداوی و فروش اجناس قیمتی در خانه میباشد.

منبع: اقتباس از کیر- ویلسون و غفوری. ۲۰۰۴.

۴.۶ قروض

ممکن است مردم بصورت متواتر بر ادویه جات بیفایده پول خرچ نمایند.^{۴۰}

یکی از مشخصات مهم مصارف خانوار پرداخت قروض میباشد و ازین مطالعه چنین بر می آید که شمار بزرگ خانوار های دهاتی مقروض اند. ازین اطلاعات بر می آید که دو بعد کلیدی قرض باید تحلیل گردد (i) : اینکه زمین تا کدام حد در گرو قرار دارد، (ii) اینکه خانوار ها تا کدام حد قرض پول نقد و مواد غذائی را بر دوش میکشند.

در قسمت مسئله زمین گرو شده، شواهد نشان میدهد که مقدار زمینی که گرو گردیده است خیلی کم است. در چهار ساحه فاریاب، غزنی، قندهار و لغمان زمین هیچ خانوار تحت گرو قرار ندارد. برای سه ساحه دیگر، زمین برخی خانوار ها تحت گرو قرار دارد. در هرات، یک جریب زمین یک خانوار در قریه ۳ گروپ اول ثروت تحت گرو قرار دارد. در سرپل مجموعاً هفت و نیم جریب زمین دو خانوار گروپ سوم ثروت در قریه ۲ تحت گرو قرار دارد. در بدخشان، مجموعاً پنج جریب زمین سه خانوار گروپ سوم ثروت در قریه ۱ تحت گرو قرار دارد. در قریه ۳ (بدخشان) مجموعاً سه جریب زمین سه خانوار دیگر باهم مربوط گروپ سوم ثروت تحت گرو قرار دارد. ممکن است عوامل مختلفی برای گرو نمودن زمین وجود داشته باشند، ولی اکثریت موارد فوق نتیجه خشکسالی میباشد. مصارف تداوی مریضی ها در خانوار نیز دلیل گرو نمودن زمین وانمود گردید. در واقع، یک خانم گفت که

مصارف مواد سوخت خیلی مختلف بوده و در ساحات مرتفع (بدخشان، غزنی و لغمان) بحیث یک قلم مهم مصارف درجه بندی گردیده است. این مسئله از برخی جهات با در نظر داشت شواهد مشاهداتی یک نتیجه گیری غیر مترقبه از جمع آوری مواد سوخت در بسیاری ساحات توسط بسیاری خانوار ها و گزارشات جمع آوری مواد سوخت در ایام خاص سال میباشد. این امر قسماً کمبود مواد سوخت را منجیث یک پیامد خشکسالی منعکس میسازد، ولی این امر احتمالاً مستلزم مطالعات بیشتر و اثبات میباشد. این مسئله همچنان نشان میدهد که خانوار ها مواد سوخت را مانند چوب برای فروش جمع آوری مینمایند و یا اینکه مواد سوخت ارزانتری را جهت استفاده خویش جمع مینمایند.

مصارف مزرعه در تمام ساحات به مشاهده میرسد، ولی محاسبات مجموع این مصارف در سطح قریه جات موجب کتمان ابعاد تقسیماتی آن در هر خانوار گردیده است. مصارف مزرعه برای گروپ اول ثروت نسبت به گروپ سوم ثروت بلند تر میباشد. این مصارف در گروپ سوم ثروت خیلی اندک اند و بعضاً اصلاً وجود ندارد. بدخشان درین قسمت مستثنی است که در آن تناسب اجاره گیری کشت بعلت کشت کوکنار و شریطی که برای کشت کوکنار لازم اند، به مصارف مزارع اهمیت خاصی میدهد.

۴۰ کریعی. سیستم ادویه طبی در افغانستان. مسوده نشر نشده. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU). ۲۰۰۴.

اول ثروت دارای سطح بلند تر قرضداری اند، در حالیکه در قریه های دیگر گروه دوم ثروت و گروه سوم ثروت دارای شمار بیشتر خانوار های قرضدار میباشد. چنین تصویر مختلط در قسمت اندازه های متوسط قروض نیز تبارز مینماید و این مهم است که قروض در مقایسه با مجموع دارائی و سطح عواید هر خانوار و گروه ثروت در نظر گرفته شوند.

در قسمت تفسیر اندازه های متوسط قروض باید با احتیاط عمل گردد، زیرا انگیزه ها و علل گرفتن قرض و اهمیت آن خیلی متفاوت است. بطور مثال، هرگاه علل قرض گیری خانوار ها بررسی گردند (چارت شماره ۲ دیده شود)، دیده میشود که گروه اول ثروت در مقایسه با گروه سوم ثروت، بخش بیشتر قروض را جهت انجام مراسم (اکثراً عروسی ها) و مقاصد متمر و یا سرمایه گذاری ها میگیرند، مانند خریداری زمین و مواسی. گروه سوم ثروت بخش بیشتر قروض را جهت تأمین ضروریات ابتدائی مانند غذا و صحت میگیرند که قروض برای صحت با در نظر داشت نوعیت تداوی اکثراً خیلی بزرگ میباشند. خانوار های فقیر تر در مقایسه با خانوار های متمول تر قرض را برای کسب عواید نمیگیرند تا آنها را قادر سازد که قرض را باز پرداخت نمایند. خانوار های فقیر تر از قروض بشکل یک شیوه بقاً استفاده مینمایند، در حالیکه خانوار های غنی تر تا حدی جهت بهبود وضع معیشتی شان بدنبال قرض میباشند.

قرض بخاطر تهیه مواد غذائی ممکن است برای استهلاک مساویانه موسمی گرفته شود و اینکار همیشه منفی نمیشود. قروض برای ایجاد برابری در استهلاک یک منبه خیلی مهم عواید خانوار ها بوده میتواند، خصوصاً که عدم دسترسی به کرایت ممکن است زیانبخش باشد، در صورتیکه منجر به فروش دارائی گردد. مطالعه ایکه در کابل انجام یافته است نشان داد که اکثریت خانوار هاییکه مقروض نیستند بخاطری قرض نگرفته اند که هیچکس به آنها قرض نداده است. چنین محاسبه میگردید که این خانوار ها خیلی غریب اند و نمیتوانند که قروض را باز پرداخت نمایند.^{۴۱} ولی قرض یک شیوه زیانبخش بقاً بوده میتواند، در صورتیکه بازپرداخت آن منجر به فروش دارائی و یا گرو نمودن زمین گردد. این ضرورت وجود دارد تا ماهیت قروض

وی بخاطری زمین را گرو نموده است و مقدار هنگفتی پول را قرض نموده است که مریضی شوهرش را تداوی نماید.

در مورد بدخشان، شواهد بیانی نشان میدهد که علت اینکه چنین خانوار ها در کشت کوکنار دخیل میگردند اینست که پول کافی را جهت خلاص نمودن زمین شان از گرو بدست آورند. سه خانوار توانستند که زمین شان را از گرو خلاص نمایند، ولی واضح نیست که آیا اینکار بعلت کشت کوکنار صورت گرفته است یا خیر.

شواهد در مورد اشکال دیگر قرض تصویر متفاوتی را بدست می دهد. جدول شماره ۱۲ قروضی را نشان میدهد که خانوار ها در جریان مصاحبه اول شان گزارش دادند. این اطلاعات صرف قروض پول نقد را نشان میدهد. این بخاطری است که قرض غله خیلی اندک گزارش داده شده است که آنهم اکثراً در ساحاتی وجود دارد که در آن تولید مازاد غله وجود دارد و عبارت اند از فاریاب (در هر سه قریه) و سرپل (در قریه ۲). قرض غله عموماً از ۲۰ الی ۶۰ سیر گندم بود، در حالیکه بزرگترین قرض ۱۰۰ سیر گندم بود. با در نظر داشت اینکه علت اساسی قرض گیری تهیه غذا میباشد، جای تعجب است که اکثر خانوار ها قرض را بشکل نقدی میگیرند. علت این امر ممکن است این باشد که مردم مجبورند که قرض مواد غذائی را بشکل نقدی بازپرداخت نمایند، و یا اینکه علت آن این بوده میتواند که در خانوار ها مازاد غله جات وجود ندارد. ولی از جانب دیگر اگر مردم قرض نقدی را ترجیح میدهند، شاید بخاطر این باشد که آنها پول نقد را نسبت به مواد غذائی با ثبات تر تلقی مینمایند و این امر ممکن است با مباحثات کار در مقابل غذا در مقایسه با کار در مقابل پول نقد تا حدی ارتباط داشته باشد. بطور مثال، آیا این امر در تصمیم گیری مردم در مورد اینکه آیا در پروگرام های عام المنفعه اشتراک نمایند و یا خیر، البته با در نظر داشت اینکه آیا درین پروگرام ها پول نقد و یا مواد غذائی پرداخته میشود.

طوریکه جدول شماره ۱۲ نشان میدهد، قرض صرف به خانوار های گروه سوم ثروت محدود نمیمانند، بلکه در حقیقت در تمام ساحات و گروه های ثروت وجود دارد. در برخی قریه ها، خانوار های گروه

۴۱ کریس. یکصد خانواده در کابل: مطالعه در مورد آسیب پذیری در زمستان، شیوه های بقاً و تأثیر پروگرام های پول نقد در مقابل کار. کابل: اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) ۲۰۰۳. همچنان این اثر دیده شود: الدن ویلی. مطالعه مسایل ارضی در فاریاب. مسوده. کابل: اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU). ۲۰۰۴.

جدول شماره ۱۲: فیصدی خانوارهای مقروض و سنجش مقدار متوسط قرض پول نقد نظر به ساحه، قریه و گروپ ثروت

ولایات/ قریه ها	گروپ اول ثروت	گروپ دوم ثروت	گروپ سوم ثروت	گروپ چهارم ثروت	مجموع مقدار متوسط
بدخشان					
قریه ۱	٪۶۶ (۶۲۵۰)	٪۳۳ (۱۱۵۰۰)	٪۵۰ (۱۰۴۱۶)		
قریه ۲	.	٪۴۰ (۵۹۰۰۰)	٪۴۲ (۱۰۰۰۰)		
قریه ۳	٪۲۵ (۵۰۰۰)	٪۵۰ (۵۴۶۷)	٪۲۵ (۴۲۰۰)		
	٪۳۳ (۸۷۵۰)	٪۳۳ (۱۶۴۰۰)	٪۳۷ (۹۱۹۵)		(۱۱۴۲۴)(۱۲۹۲۷)
فاریاب					
قریه ۱	٪۶۰ (۵۷۵۰۰)	٪۵۷ (۱۷۳۳۵۰)	٪۸۸ (۸۱۶۶۶)		
قریه ۲	٪۴۰ (۱۰۰۰۰۰)	٪۸۰ (۲۸۱۳۵)	٪۸۸ (۲۱۹۵۰)		
قریه ۳	٪۶۰ (۲۷۵۰۰)	٪۶۳ (۸۱۰۰)	٪۵۷ (۱۷۹۷۵)		
	٪۵۳ (۵۱۳۱۲)	٪۶۵ (۶۵۰۷۷)	٪۷۶ (۱۷۵۳۰)		(۵۱۱۳۷)(۷۲۲۴۶)
غزنی					
قریه ۱	٪۱۰۰ (۲۳۰۰۰)	٪۸۲ (۲۴۲۲۲)	٪۸۶ (۱۷۱۶۷)		
قریه ۲	.	.	٪۵۰ (۶۰۰۰)	٪۸۲ (۲۴۲۲۷)	
قریه ۳	٪۲۹ (۶۵۰۰۰)	٪۶۰ (۵۴۳۳۳)	٪۶۲.۵ (۸۵۰۰۰)		
	٪۴۰ (۴۶۵۶۰)	٪۸۰ (۲۴۹۳۷)	٪۶۳ (۱۷۵۳۰)		(۲۳۳۹۰)(۳۲۱۰۳)
هرات					
قریه ۱	٪۵۰ (۴۰۰۰۰)	٪۶۶ (۷۵۰۰۰)	٪۶۳ (۲۸۵۰۰)	.	
قریه ۲	٪۱۰۰ (۲۶۶۶۷)	٪۶۶ (۲۰۰۰۰)	٪۷۱ (۱۶۲۴۰)	٪۱۰۰ (۴۰۰۰۰)	
قریه ۳	٪۵۰ (۲۰۰۰۰)	.	٪۶۶ (۵۱۷۸۰)	٪۵۰ (۳۰۰۰)	
	٪۷۱ (۲۶۰۰۰)	٪۵۰ (۴۷۵۰۰)	٪۶۶ (۲۸۳۸۱)	٪۵۰ (۲۷۶۶۷)	(۳۰۶۱۱)(۳۴۷۰۲)
قندهار					
قریه ۱	٪۱۰۰ (۲۱۵۰۰۰)	٪۸۶ (۵۶۷۶۷)	٪۸۲ (۴۵۲۷۸)		
قریه ۲	.	٪۴۰ (۳۷۵۰۰۰)	٪۷۱ (۴۷۵۸۰)		
قریه ۳	٪۵۰ (۸۰۰۰۰)	٪۸۹ (۳۵۸۸۵۰)			
	٪۶۰ (۴۱۰۰۰۰)	٪۷۷ (۱۴۵۶۷۸)	٪۷۶ (۵۸۱۰۵)		(۱۲۶۳۲۴)(۲۳۹۵۲۷)
لغمان					
قریه ۱	٪۷۵ (۱۱۰۰۰)	٪۶۰ (۳۶۰۰۰)	٪۱۰۰ (۱۷۴۱۷)		
قریه ۲	.	٪۱۰۰ (۲۳۳۰۰)	٪۸۰ (۷۰۲۵۰)		
قریه ۳	٪۱۰۰ (۱۰۰۰۰)	٪۷۷ (۱۸۹۳۰)	٪۱۰۰ (۷۰۰۰)		
	٪۵۷ (۶۸۳۵۰)	٪۷۶ (۲۴۶۴۳)	٪۸۸ (۴۵۰۸۰)		(۲۸۳۶۸)(۶۳۱۵۹)
سرپل					
قریه ۱	٪۶۶ (۶۵۰۰)	٪۴۰ (۲۲۵۰۰)	٪۴۰ (۶۵۰۰)		
قریه ۲	٪۶۶ (۲۰۰۰۰)	٪۶۰ (۱۲۵۰۰)	٪۸۰ (۱۶۰۰۰)	٪۶۷ (۱۵۶۶۷)	
قریه ۳	٪۳۳ (۷۷۰۰)	٪۵۰ (۷۲۰۰)	٪۵۰ (۶۰۰۰)		
	٪۴۴ (۱۰۱۷۵۰)	٪۴۱ (۱۱۸۹۳)	٪۵۲ (۸۱۶۷)		(۱۰۴۵۵)(۷۸۳۱)

پس خانوار هائیکه از آنها قرض گرفته میشود کجا هستند؟ جدول شماره ۱۳ منابع اساسی قرض را نظر به گروه ثروت در تمام ساحات نشان میدهد. خویشاوندان منبع اساسی کرایت در تمام گروه های ثروت اند. این امر میتواند نشاندهنده فقدان منابع متبادل کرایت و مشکلاتی باشد که خانوار های فقیر در حصول قرض از منابع دیگر دارند. حصول قرض از دوستان نیز یک منبع عمده قرض برای گروه های دوم الی چهارم ثروت میباشد. این امر نشان میدهد که دسترسی به مراجع اجتماعی جهت حصول قرض در زمان ضرورت خیلی مهم میباشد. دکانداران و سوداگران بزرگترین منبع دوم قرض برای گروه اول ثروت و بزرگترین منبع سوم قرض برای گروه های دوم الی چهارم ثروت میباشد.

جدول شماره ۱۳: منابع قرض نظر به گروه های ثروت

منبع قرض	گروه اول ثروت (۳۵)	گروه دوم ثروت (۱۴۷)	گروه سوم و چهارم ثروت (۱۷۰)
خویشاوندان	۲۱ (٪۶۰)	۷۸ (٪۵۳)	۸۲ (٪۴۸.۲۳)
دوستان	۳ (٪۸.۶)	۴۴ (٪۲۹.۹)	۴۳ (٪۲۵.۲۹)
دوکان / سوداگران	۶ (٪۱۷.۱)	۲۰ (٪۱۳.۶)	۳۰ (٪۱۷.۶۴)
صنعت گران	۰	۱ (٪۰.۶۸)	۲ (٪۱.۱۷)
اهل قریه	۳ (٪۸.۶)	۲ (٪۱.۳۶)	۸ (٪۴.۷)
مفرقه	۲ (٪۵.۷)	۱ (٪۰.۶۸)	۳ (٪۱.۷۶)
زمیندار	۰	۱ (٪۰.۶۸)	۱ (٪۰.۵۸)
قوماندان	۰	۰	۱ (٪۰.۵۸)

از لحاظ منابع عمده قرض تفاوت هائی در میان گروه های ثروت در ساحات مختلف وجود دارند. بطور مثال، مؤسسه انکشافی آغا خان (AKDN) دریافته است که خانوار های متمول تر امکانات بیشتری در حصول قرض از اعضای خانواده داشتند، در حالیکه خانوار های فقیر تر بیشتر از سوداگران و با احتمال بیشتر با شرایط کمتر مطلوب قرض میگیرند. توانائی خانوار ها در حصول قرض از اعضای فامیل مربوط به توانمندی اعضای خانواده در جهت تهیه قرض بوده و بازهم وابسته با سرمایه اجتماعی خانوار میباشد.

چیزیکه درین اطلاعات جمع آوری شده واضح نیست تأثیر قرض دهی بر قرض دهنده میباشد. آیا فامیل ها احساس مکلفیت مینمایند که قرض بدهند؟ آیا اینکار یکنوع پس انداز تلقی میگردد که خانوار و یا شخص قرض گیرنده در زمان ضرورت به آنها نیز پول و یا مواد غذائی قرض خواهد داد؟

بیشتر مطالعه گردد و فهمیده شود که کی میتواند به کرایت دسترسی پیدا نماید؟ آیا مردمی که میتوانند کرایت بگیرند قادر اند که آنرا باز پرداخت نمایند؟ هرگاه آنها باز پرداخت نتوانند چی واقع میشود؟ شرایط قرض چی اند؟ قابل تذکر است که زمان قرضداری خانوار در تاریخ خانوار در بسیاری گروه های نمونه یک عمل بارز شمرده میشود. این نشاندهنده آنست که مردم زمان قرضداری را یک رویداد خیلی جدی و مهم در زندگی تلقی مینمایند.

چارت شماره ۲: علل قرض گیری خانوار ها نظر به گروه ثروت



۴.۶.۱ قروض و تغییر با گذشت زمان

تحلیل تغییرات در سطح قرض از طریق نظارت بر شمار خانوار های مقروض و سطح متوسط قرض نقدی آنها صورت گرفته میتواند. جدول شماره ۱۴ شواهد تغییرات را در قرض در جریان مرحله نظارت نشان میدهد.

اگر به بدخشان نظر انداخته شود، سطح قرض در گروه های اول و دوم ثروت در تمام قریه ها یا در عین سطح باقیمانده است و یا اینکه

نزول نموده است، هم از نگاه شمار خانوار های مقروض و هم از نگاه سطح متوسط قرض نقدی. در خانوار های گروه سوم ثروت در قریه ۱، شمار خانوارهای مقروض و سطح متوسط قرض افزایش نمود و افزایش اخیرالذکر سه چند بوده است. در قریه ۲ شمار خانوار های مقروض در گروه سوم ثروت در حدود سه فیصد کاهش نمود، هر چند سطح متوسط قرض بیشتر از دو چند افزایش یافت. در مورد قریه ۳، شمار خانوار های مقروض ۵۰ فیصد افزایش یافت، ولی سطح قرض در حدود ۵۰ فیصد تنزیل یافت. شواهدی وجود دارند که در خانوار های گروه سوم ثروت با باز پرداخت قرض های سابق، قرض های جدیدی گرفته شده اند.

جدول شماره ۱۴: تغییرات در سطح قروض: فیصدی خانوار های مقروض و ارزش متوسط قرض های نقدی به افغانی

ولایات/ قریه ها	گروه اول ثروت	گروه دوم ثروت	گروه سوم ثروت	گروه چهارم ثروت
بدخشان				
قریه ۱	٪۶۶ (۶۲۵۰)	٪۳۳ (کمتر از ۵۰۰)	بیشتر از ۵۸٪ (بیشتر از ۳۴۳۵۷)	
قریه ۲	۰	کمتر از ۲۵٪ (کمتر از ۴۹۰۰۰)	کمتر از ۳۳٪ (بیشتر از ۲۳۵۵۰)	
قریه ۳	کمتر از صفر٪	کمتر از ۳۷.۵٪ (کمتر از ۳۶۶۷)	بیشتر از ۵۰٪ (کمتر از ۲۲۶۲)	
فاریاب				
قریه ۱	بیشتر از ۸۰٪ (کمتر از ۲۸۲۵۰)	٪۵۷ (کمتر از ۱۱۴۵۰۰)	کمتر از ۶۳٪ (کمتر از ۳۹۷۰۰)	
قریه ۲	٪۴۰ (۱۰۰۰۰۰)	٪۸۰ (کمتر از ۲۲۵۰۰)	کمتر از ۷۵٪ (بیشتر از ۲۴۴۸۳)	
قریه ۳	٪۶۰ (۳۰۰۰۰)	٪۶۳ (کمتر از ۶۳۰۰)	بیشتر از ۱۰۰٪ (کمتر از ۸۶۱۴)	
غزنی				
قریه ۱	*	*	*	
قریه ۲	*	*	*	
قریه ۳	*	*	*	
هرات				
قریه ۱	٪۵۰ (۴۰۰۰۰)	٪۶۶ (۷۵۰۰۰)	کمتر از ۵۷٪ (۲۹۳۲۳)	۰
قریه ۲	٪۱۰۰ (۲۶۶۶۶)	٪۶۶ (بیشتر از ۴۰۰۰۰)	٪۷۱ (بیشتر از ۲۷۰۴۱)	٪۱۰۰ (بیشتر از ۵۲۵۰۰)
قریه ۳	٪۵۰ (۲۰۰۰۰)	۰	٪۶۶ (کمتر از ۴۳۵۸۳)	٪۵۹ (۳۰۰۰)
قندهار				
قریه ۱	٪۱۰۰ (بیشتر از ۲۹۰۰۰۰)	کمتر از ۷۱٪ (کمتر از ۵۱۹۳۰)	کمتر از ۷۲٪ (بیشتر از ۷۵۰۶۳)	
قریه ۲	۰	٪۴۰ (۳۷۵۰۰)	٪۷۱ (۴۸۱۵۰)	
قریه ۳	٪۵۰ (۸۰۰۰۰)	بیشتر از ۹۴٪ (بیشتر از ۶۴۴۱۱)		
لغمان				
قریه ۱	بیشتر از ۱۰۰٪ (بیشتر از ۲۵۷۵۰)	٪۶۰ (بیشتر از ۶۰۰۰۰)	٪۱۰۰ (بیشتر از ۲۵۶۶۷)	
قریه ۲	۰	٪۱۰۰ (بیشتر از ۱۰۸۳۳۳)	بیشتر از ۹۰٪ (بیشتر از ۱۳۱۰۶۲)	
قریه ۳	٪۱۰۰ (بیشتر از ۶۰۰۰۰)	بیشتر از ۸۵٪ (بیشتر از ۱۶۰۵۶۴)	٪۱۰۰ (۷۰۰۰)	
سرپل				
قریه ۱	*	*	*	
قریه ۲	کمتر از صفر٪	کمتر از ۲۰٪ (؟۲۰۰۰۰)	کمتر از ۲۰٪ (بیشتر از ۲۵۰۰۰)	کمتر از ۵۰٪ (کمتر از ۶۶۶۷)
قریه ۳	کمتر از صفر٪	کمتر از ۳۰٪ (؟۴۱۸۹)	کمتر از ۳۸٪ (بیشتر از ۸۰۰۰)	

* اطلاعات نا موجود

دیده شود). آغاز کار با بیس کوچک ارقام موجب تورم تغییرات فیصدی میگردد. در ساحاتیکه دارای شمار کم مواشی است مانند هرات و لغمان استقامت تغییرات در تمام گروپ های ثروت تا حد زیادی مثبت است (متأسفانه در قسمت تغییرات شمار مواشی برای غزنی ارقامی در دست نیست). در هرات خصوصاً در قسمت شمار گاو ها تغییرات مثبت وجود داشته است، در حالیکه در لغمان در شمار گاو ها و دیگر مواشی در تمام گروپ های ثروت تغییرات مثبت ثبت گردیده اند. این امر سوالات جالبی را در مورد ماهیت قروض مطرح مینماید. بصورت اخص اینکه آیا قروض جهت سرمایه گذاری در پرورش مواشی گرفته شده اند و یا اینکه افزایش مواشی رشد طبیعی توأم با سرمایه گذاری را منعکس میسازد؟ با ارقام موجود نمیتوان که به این سوال پاسخ داد.

در قندهار که در آن افزایش شمار مواشی بسوی قریه ۱ و بصورت عموم بسوی گروپ اول ثروت میلان دارد، گروپ های فقیر تر ثروت تا هنوز هم مواشی را از دست میدهند. فهمیده نشده است که آیا اینکار بعلت فروش مواشی و خریداری دارائی های دیگر صورت گرفته است که البته میتواند کار مثبتی باشد و یا اینکه علت آن مرگ و میر حیوانات میباشد.

در بدخشان و فاریاب که از لحاظ مالداري ساحات غنی اند، تصویر متفاوت است. در بدخشان خصوصاً در گروپ های فقیر تر ثروت، شمار حیواناتی مانند گاو، گوسفند و بز از سطح متوسط قبلی افزایش مییابد. تغییرات مشابه در سرپل به مشاهده میرسد. از طرف دیگر در ولایت فاریاب که در آن دو قریه (قریه یک و دو) نسبت به تمام ساحات دارای بلند ترین شمار مواشی بودند، شمار گاو ها در تمام گروپ های ثروت کاهش می یابد. ولی رمه های گوسفند در حدود پنج فیصد افزایش یافته است که شمار آن قبلاً هم در گروپ های بلند تر ثروت زیاد بود، ولی شمار آن بصورت عموم در فقیر ترین گروپ های ثروت تنزیل یافته است.

در مالکیت مواشی زنانیکه قرار گزارش به تنهائی مالک مواشی بودند تغییر اندکی بوقوع پیوسته است. صرف سه زن در شمار مواشی شان یک حیوان را افزایش داده است، در حالیکه شمار مواشی سه زن دیگر

از خانوار های گروپ اول و دوم ثروت در فاریاب، هرات و قندهار تصویر مشابهی بدست می آید که شماری از خانوار ها مقروض اند و سطح قرض نقدی تا حد زیادی در عین سطح باقی بماند و یا اینکه تقلیل نماید. در خانوار های گروپ سوم ثروت تصویر بیشتر مختلط بوده و مربوط به قریه میباشد که آیا فیصدی خانوار های مقروض افزایش یافته است، در عین سطح باقی مانده است و یا اینکه تقلیل یافته است. تغییر در سطح قرض نیز در خانوار های گروپ سوم ثروت نظر به قریه متفاوت بود. در سرپل در دو قریه ایکه اطلاعات آن موجود است، شمار خانوار های مقروض در تمام گروپ های ثروت تقلیل نمود، هر چند سطح قرض در سه گروپ افزایش یافت.

برخلاف ولایات دیگر، شمار خانوار های مقروض در لغمان یا در عین سطح باقی ماند و یا اینکه افزایش یافت و سطح متوسط قرض از جمله نه گروپ ثروت در هفت آن افزایش یافت. بطور مثال، در قریه ۲ و ۳ سطح متوسط قرض در خانوار های گروپ دوم ثروت به ترتیب به اندازه چهار و نیم و هشت و نیم مرتبه افزایش یافت. یک علت افزایش سطح قرض در قریه ۲ میتواند ضعف اقتصاد تریاک در زمان انجام این تحقیق باشد که تأثیر مهم منفی را بر اقتصاد خانوار ها داشته میتواند. افزایش در قریه ۳ ممکن است بیشتر با منع قطع در ختان جنگلات باشد که منبع عمده عواید برای خانوار ها در تمام گروپ های ثروت درین قریه مرتفع بود. (چوکات شماره ۶ دیده شود).

در حالیکه این شواهد تنزیل سطح قرض را در بسیاری ساحات و خصوصاً در گروپ های غنی تر نشان میدهد، وضعیت مختلط در گروپ های فقیر تر ثروت و شواهد در لغمان دلگرم کننده نیستند.

دارائی دیگری که در آن طی مدت کوتاه انجام این پروژه تغییرات بوقوع پیوسته است پرورش مواشی است. جدول شماره ۱۵ تغییرات در پرورش مواشی را نشان میدهد که مانند اطلاعات در مورد قرض، تصویر مختلطی را در تمام ساحات و هم در میان هر ساحه و هم در گروپ های ثروت نشان میدهد.

باید بخاطر داشت که در بسیاری ساحات و در بسیاری گروپ های ثروت شمار مواشی در دور اول مصاحبه ها کم بود (جدول شماره ۸

جدول شماره ۱۵: تغییرات در شمار مواشی

گروه چهارم ثروت		گروه دوم ثروت		گروه دوم ثروت		گروه اول ثروت		ولایات/قریه ها
گوسفند	گاو	گوسفند	گاو	گوسفند	گاو	گوسفند	گاو	
بدخشان								
		منفی ۱۴٪	۰	منفی ۲۳٪	منفی ۱۶٪	منفی ۱۴٪	۰	قریه ۱
		مثبت ۸٪	منفی ۱۱٪	مثبت ۲۶٪	مثبت ۲۳٪	۰	منفی ۱۰٪	قریه ۲
		مثبت ۲۷٪	۰	مثبت ۱۹٪	مثبت ۵۷٪	مثبت ۱۷٪	مثبت ۹٪	قریه ۳
		مثبت ۱۸٪	مثبت ۹٪	مثبت ۸٪	مثبت ۱۰٪	منفی ۸٪	منفی ۳٪	
فاریاب								
		منفی ۵۸٪	منفی ۱۰۰٪	مثبت ۱۴٪	۰	مثبت ۶٪	منفی ۱۲٪	قریه ۱
		۰	۰	منفی ۳۲٪	مثبت ۴۰٪	مثبت ۱۰۴٪	منفی ۶۶٪	قریه ۲
		مثبت ۱۴۰٪	۰	منفی ۵۰٪	منفی ۱۲٪	منفی ۵٪	منفی ۳۶٪	قریه ۳
		منفی ۴۷٪	منفی ۱۰۰٪	مثبت ۴٪	منفی ۶٪	مثبت ۴٪	منفی ۴۱٪	
غزنی								
			*		*		*	قریه ۱
			*		*		*	قریه ۲
			*		*		*	قریه ۳
هرات								
		مثبت ۱۰۰٪	۰	مثبت ۲۰٪	۰	منفی ۵۰۰٪	مثبت ۶۶٪	قریه ۱
		مثبت ۱۰۰٪	۰	مثبت ۲۵٪	منفی ۶۰٪	۰	مثبت ۶۶٪	قریه ۲
		۰	مثبت ۵۰٪	مثبت ۲۰۰٪	۰	مثبت ۵۰۰٪	مثبت ۵۰٪	قریه ۳
		مثبت ۲۰۰٪	مثبت ۲۰٪	منفی ۲٪	۰	۰	مثبت ۷۱٪	
قندهار								
		منفی ۱۱٪	۰	مثبت ۶٪	۰	مثبت ۸٪	۰	قریه ۱
		منفی ۳٪	منفی ۴۷٪	منفی ۶٪	منفی ۶۷٪	۰	۰	قریه ۲
				منفی ۶۷٪	۰	۰	۰	قریه ۳
		منفی ۵٪	منفی ۲۸٪	منفی ۳٪	منفی ۲۶٪	مثبت ۸٪	۰	
لغمان								
		منفی ۶۶٪	مثبت ۴۴٪	مثبت ۱۰۰٪	مثبت ۵۰٪	مثبت ۱۰۰٪	مثبت ۸۶٪	قریه ۱
		مثبت ۷۰٪	مثبت ۲۵٪	مثبت ۵۰۰٪	مثبت ۱۰۰٪	منفی ۵۰٪	مثبت ۱۵۰٪	قریه ۲
		۰	۰	مثبت ۷۰٪	مثبت ۴۴٪	مثبت ۴۰۰٪	۰	قریه ۳
		مثبت ۵۲٪	مثبت ۲۲٪	مثبت ۸۳٪	مثبت ۳۲٪	مثبت ۱۱۰٪	مثبت ۹۰٪	
سرپل								
		مثبت ۱۰۰٪	۰	مثبت ۸۸٪	منفی ۱۴٪	مثبت ۲۵٪	۰	قریه ۱
		۰	۰	۰	مثبت ۲۷٪	منفی ۷٪	۰	قریه ۲
		۰	۰	مثبت ۲۶٪	مثبت ۹۰۰٪	مثبت ۲۵٪	۰	قریه ۳
		مثبت ۱۰۰٪	۰	مثبت ۵۵٪	مثبت ۵۶٪	مثبت ۵٪	صفر٪	

* اطلاعات نا موجود

موجب محدودیت شمار مواشی متعلق به زنان گردد. از جانب دیگر این امر ممکن است نشاندهنده این حقیقت باشد که عوامل دیگری وجود دارند که خریداری، مالکیت و پرورش شمار بیشتر حیوانات را محدود میسازد، مانند عدم دسترسی به کریدت و فقدان کارکنان رهنمای مالدار و وترنری.

کاهش یافته است. باید خاطر نشان نمود که زنانیکه مواشی پرورش مینمایند، معمولاً دارای یک یا دو حیوان میباشند. این امر ممکن است نشاندهنده این باشد که حیوانات برای تولید لبنیات جهت مصرف خانوار مورد استفاده قرار میگیرند، نه برای کسب درآمد. این امر همچنان ممکن است نشاندهنده این باشد که تربیه مواشی توسط زنان در داخل حویلی صورت میگیرد، که ممکن است در برخی ساحات

۷.۴ تفاوت میان قریه ها

شواهدی که تا کنون بررسی گردیده اند، تا حد زیادی بر تحلیل های مقایسوی میان ساحات و میان گروپ های ثروت متمرکز بوده اند. هدف ازین بخش اینست تا تفاوت هائیکه میان قریه های داخل ساحات موجود اند مورد بحث قرار گیرند.

۱.۷.۴ تفاوت ها در دارائی ها و تاریخ قریه ها

هر قریه دارای سوابق منحصر به فرد خویش بوده (ضمیمه شماره ۱ دیده شود) و طوریکه قبلاً ذکر گردید قریه های مختلف در داخل یک ولسوالی به منابع مختلف طبیعی مانند زمین و آب دسترسی دارند. این دسترسی به منابع طبیعی قریه در امتداد یک وادی یعنی منابع آبی و ارتفاع قریه و توسط مساعد بودن زمینه برای خشکسالی و یا سیلاب تعیین میگردد و همچنان توسط تاریخ قریه ها بشمول شکل اسکان و منازعه بر منابع تعیین میگردد. دسترسی به منابع طبیعی همچنان قریه توسط ادعا های مردم قریه های همجوار تعیین میگردد، بطور مثال، ادعای آنها بر علفچر ها و یا آب.^{۴۲}

دسترسى خانوار ها و افراد هر قریه و همچنان دسترسى قریه ها به منابع طبیعی قریه را در جهت اشتغال در زراعت تعیین مینماید. طوریکه قبلاً درین گزارش نشان داده شد، دسترسى به زمین اکثراً مساویانه نبوده و بسیاری خانوار ها زمین ندارند. ولی میزان بی زمینی هم نظر به قریه متفاوت است. بطور مثال، در قریه دو در فاریاب ۴۰ فیصد اهالی قریه زمین ندارند، در حالیکه در قریه سه ۸۰ فیصد خانوار ها بی زمین اند. واضح است که تأثیر پروگرام های زراعتی نظر به حالت مالکیت بر زمین متفاوت خواهد بود.

کریستوپولوس استدلال مینماید که پروگرام ها و پالیسی های زراعتی نیز باید نظر به پوتانسیل زراعتی ساحه متفاوت باشند، یعنی در ساحات دارای پوتانسیل بلند باید به کشاورزی تجارتی توجه نمود و در

ساحات دارای پوتانسیل پائین باید به مصئونیت غذائی توجه نمود.^{۴۳} صرف نظر ازین اختلاف میان ساحات دارای پوتانسیل بلند و پائین مهم خواهد بود تا تفاوت در دسترسى به دارائی هائیکه در میان قریه ها و همچنین در میان خانوار ها در عین ساحات وجود دارند در نظر گرفته شود. به همین ترتیب باید بخاطر داشت که قریه های عین ولسوالی دارای سطح مختلف دسترسى به مکاتب و خدمات صحی بوده و حرفه ها و مهارت های سنتی میان قریه های همجوار متفاوت بوده میتوانند.

تمام عوامل فوق توأم با روابط محلی جنسیت، ترکیب خانوار ها و دسترسى به مراجع اجتماعی (و همچنان اینکه در کشور و منطقه چى واقع میشود) در مجموع قریه ها را در دسترسى تعیین مینمایند. باید به قریه ها بصورت جداگانه نظر انداخت، زیرا فرصت ها و محدودیت های معیشتی در داخل هر قریه و همچنان میان قریه ها از هم متفاوت اند و بدین ترتیب عین پروگرام ها برای آنها مناسب نخواهند بود.

۲.۷.۴ تأثیرات مختلف پالیسی ها و ساختار های قدرت

اتکای قریه ها و افراد بر دارائی های مختلف و منابع عواید به این مفهوم است که پالیسی ها، سیاست محلی و ساختار های قدرت بر قریه ها و باشندگان آن بصورت متفاوت اثر میگذارد. بطور مثال، در قریه سه در لغمان که در ارتفاع بلند واقع گردیده است، در تفاوت با بسیاری قریه های دیگر در ساحه، اکثریت مردم قریه بصورت سنتی مصروف قطع درختان خشک جهت فروش چوب سوخت میباشد. به اثر ممنوعیت اخیر بر قطع درختان درین ساحه، بسیاری از مردم قریه که دارای زمین خیلی کم و شمار اندکی مواشی بوده و سطح دانش شان نهایت پائین میباشد، یکی از منابع مهم عواید شانرا از دست دادند (چوکات شماره ۶ دیده شود). در حالیکه اکثر مردم قریه ازین ممنوعیت متأثر گردیده اند، ولی خصوصاً زنان از آن سخت صدمه دیده اند، زیرا آنها عموماً مسئول جمع آوری چوب سوخت برای فروش

۴۲ پین. مطالعه رسوم و نهاد های قریه.

۴۳ کریستوپولوس.

چوکات شماره ۶: سیاست اقتصاد چوب در یک قریه لغمان

بسیاری از اهالی این قریه خصوصاً فقیر ترین آنان جهت کسب عواید از جنگلات چوب جمع آوری نموده و آنرا بفروش میرسانند. حکومت مختلف بشمول ریاست زراعت حکومت فعلی خواهان وضع ممنوعیت بر قطع درختان گردیده اند تا جنگلات محفوظ بمانند. ولی اهالی این قریه علیه این اقدام استدلال مینمایند، زیرا آنان کدام منبع متبادل عواید ندارند.

درین اواخر، کارکنان کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACCAR) کوشش نموده اند تا بر قطع درختان ممنوعیت وضع گردد. مؤسسه داکار همکاری یک شخص بانفوذ محلی را جلب نمود که در حصول توافق پنج شورای محلی در مورد این ممنوعیت نقش اساسی داشت. مردم به چندین علت به این ممنوعیت موافقت نمودند: داکار همیشه به آنها مشوره داده بود که اینکار جهت جلوگیری از سیلاب ها مؤثر بوده و به ذخیره آب جهت آبیاری کمک خواهد نمود و در طویل المدت از درختان بر علاوه اینکه به سرسبزی و زیبایی منطقه می افزاید در کار های ساختمانی نیز استفاده خواهد شد.

در حالیکه اکنون فقراً نمی توانند چوب را بفروش برسانند، قدرتمند ترین اشخاص ازین ممنوعیت نفع می برند. برادر یک قوماندان محلی هر روز یک موتر لاری پر از چوب را به ولسوالی می برد. در نتیجه ممنوعیت اشخاص قدرتمند نفع می برند، درختان هنوز هم قطع میگردند، ولی به مقدار کمتر و بسیاری مردم فقیر در نظر دارند که به کشت کوکنار روی آورند. فقراً همچنان به قطع درختان میوه جهت فروش دست زده اند، زیرا اینکار منع نیست که معیشت های آینده شانرا بیش از پیش دچار مخاطره میسازد.

منبع: غفوری. ۲۰۰۴.

همچنان مربوط به کیفیت زمین و موجودیت منابع مانند آب خواهد بود. بطور مثال، مؤسسه انسجام کمک های بشری (CHA) و دفتر عمومی کمک مسیحی (EOCA) دریافتند که قریه ای که آنها فکر میکردند که ثروتمند ترین قریه باشد در واقع چنین نبود. این قریه ممکن است دارای زمین های فراوان و رمه های مواشی باشد، ولی دو قریه دیگر به آب و علفچر دسترسی بهتری داشتند. اختلاط دارائی ها خیلی مهمتر از مقدار دارائی ها است و این اختلاط در هر قریه متفاوت میباشد.

به عین ترتیب، در حالیکه قریه ها در فاریاب و سرپل نسبت به ساحات دیگر دارای مقدار زیاد زمین فی قریه میباشد، تناسب بی زمینی در آن بلند بوده و این بدان مفهوم است که در حالیکه قریه در مجموع ممکن است ثروتمند معلوم گردد، اعضای منفرد قریه ممکن غریب باشند.

اکنون با نظر اندازی به موضوعات اساسی این پروژه، بخش بعدی پیامد های عمده و توصیه ها در مورد پالیسی را توضیح مینماید که از شواهد فوق استنباط میگردند.

بودند. در نتیجه، زنان میتوانستند که برخی از کمائی های خویشرا کنترل و اداره نمایند، در حالیکه اکنون آنها مجبورند تا از شوهران شان پول طلب نمایند که همیشه برایشان داده نمی شود.

۳.۷.۴ تفاوت در ثروت میان قریه ها

در اکثر قریه ها خانوار های غنی تر آنهایی اند که دارای زمین های زیاد بوده و برخی آنها مشغول کسب و کار های تجارتي نیز میباشد، در حالیکه فقیر ترین خانوار ها آنهایی اند که متکی بر کار روزانه بوده و بعضی اوقات گدائی مینمایند. ولی در میان قریه ها تفاوت هائی نیز وجود دارند. طوریکه قبلاً ذکر گردید میزان زمینداری ای که نظر به آن مالک متمول شمرده میشود نظر به ساحات از هم خیلی متفاوت میباشد.

میزان زمینداری همیشه به این مفهوم نیست که یک قریه از قریه دیگری که دارای زمین کم است غنی تر میباشد. ثروت یک قریه قسماً مربوط به این خواهد بود که کی مالک زمین است، آیا زمین در میان اهالی قریه بصورت متناسب تقسیم گردیده است و یا خیر و

۵. نتیجه گیری: پیامد های کلیدی و توصیه ها



موسسه داکار

بسیاری بصورت مختلط مصروف کار های کشاورزی و غیر کشاورزی میباشند. این تنوع نظر به ساحه از هم فرق مینماید و باید با در نظر داشت شرایط محلی مطالعه و درک گردد. تنوع برای خانوار های تروتمند تر عموماً یک شیوه انباشت میباشد، ولی برای گروپ های فقیر تر ثروت تنوع منابع درآمد بیشتر یک میکانیزم بقا میباشد.^{۴۴} این بدان مفهوم است که تنوع معیشت یک طریق مجادله با فقدان کار در داخل یک قریه و ماهیت قصیرالمدت اشتغال میباشد که اکثراً وابسته به موسم سال میباشد.

برای برخی خانوار ها و یا افراد، تنوع عواید منحیث یک وسیله پراگندگی خطرات میباشد، خصوصاً در مواردیکه منابع عواید باهم مرتبط نیستند. این بدان مفهوم است که تأثیر صدمات بر چنان منابع عواید مانند زراعت ممکن است دارای عین تأثیر فوری بر سکتور معاشات شهری نباشد، هر چند سطوح معاشات در هر دو متأثر خواهد

این فصل نهائی پیامد ها و توصیه های اساسی از یافته های ارائه شده درین رساله را برای پالیسی و عملکرد در افغانستان تشریح مینماید. خصوصاً به پیامد یافته های این پروژه برای دو ضمیمه تخنیکی بنام های سند تضمین آینده افغانستان (SAF) که در فصل دوم توضیح گردیدند، اشاره صورت گرفته است. دو ضمیمه تخنیکی عبارت اند از: ضمیمه تأمینات اجتماعی و معیشت ها (LSP) و ضمیمه منابع طبیعی (NR) که بالای بخش زراعتی متمرکز میباشد.

۵.۱ تأمینات اجتماعی و معیشت ها

۵.۱.۱ تنوع معیشت ها

اکثریت خانوار ها اعم از غنی و فقیر دارای منابع متنوع عواید بوده و

۴۴ این نتیجه گیری در مطالعات دیگری نیز وجود دارد. به ایلیس مراجعه گردد، معیشت های دهاتی و تنوع در کشور های رو به انکشاف. اکسفورد: مطبعه پوهنتون اکسفورد. ۲۰۰۰.

توصیه ها

حکومت افغانستان، ملل متحد، دونه ها و مؤسسات غیر حکومتی باید اهمیت کار غیر کشاورزی را در معیشت های دهاتی در نظر داشته و از آن حمایت نمایند و به نکات ذیل توجه نمایند:

• با گذشت زمان گرایشات در اشتغال و خصوصاً ماهیت و شکل کار های موجود را در سطح محلی نظارت نمایند تا در

انکشاف پالیسی و پروگرام سازی در دهات در نظر گرفته شوند. اینکار بطور مثال به این مفهوم خواهد بود که بررسی گردد که آیا سکتور غیر کشاورزی با گذشت زمان هنوز هم برای فقرا حیاتی است و یا خیر. ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری میتواند یکی از وسایلی است که از طریق آن اینکار صورت پذیرفته میتواند. باید میکانیسم هائی وضع گردند که مؤسسات غیر حکومتی را که در سطح محلی کار مینمایند قادر سازند تا اطلاعات در مورد چنین گرایشات را در ساحات خویش به سطح ملی انتقال دهند.

• **مهارت های مردم را بررسی نموده و در موارد لازم آنها را از طریق تعلیمات حرفوی توأم با آموزش تشبثاتی انکشاف دهند.** اینکار میتواند فقرای دهات را قادر سازد که عواید شانرا از طریق تقاضای مزد های بلند تر افزایش دهند.

• **شناخت درستی را از مهارت های لازم برای کار غیر کشاورزی برای زنان و مردان هم در زمان فعلی و هم در آینده کسب نمایند و اینکار از طریق تحقیق در مورد مارکیتهای کار صورت گرفته میتواند تا در مورد فرصت های کاری موجود و همچنان در مورد ساحات جدیداً رو به انکشاف اشتغال تحقیق صورت گیرد.**

• **تعلیمات حرفوی با تعلیمات تشبثاتی و بازار یابی مرتبط ساخته شوند تا مردم بتوانند که از تولیدات و کسب و کار خویش عواید اعظمی کسب نمایند.** در حالیکه تعلیمات تشبثاتی در ضمیمه تأمینات اجتماعی و معیشت ها (LSP) ذکر گردیده است، ولی تعلیمات حرفوی در آن ذکر نگردیده است.

• **در توانائی بخشیدن به مردم در جهت انکشاف فعالیت های جاری ایجاد درآمد نقش ایفا نمایند.** اینکار خصوصاً شامل حال عرضه کنندگان خدمات میکرو فینانس میگردد. بطور مثال، محصولات میکروفینانس به قالین بافان زن در دولت آباد عرضه شده میتواند، زیرا آنان از زمان خشکسالی مجبور بوده اند تا غرض

گردید. باید تحقیقات بیشتری در مورد ارتباطات میان منابع مختلف عواید و اساساً ارتباط میان رشد زراعت و سکتور غیر کشاورزی صورت گیرد. این امر خصوصاً جهت انجام تحقیق در مورد این مسئله مهم است که آیا زراعت نیروی محرکه در افغانستان است و یا خیر.

توصیه ها

حکومت افغانستان، مؤسسات ملل متحد، دونه ها و مؤسسات غیر حکومتی باید تضمین نمایند که فعالیت های آنان از شیوه های متعدد کسب درآمد که خانواده های فقیر از آن استفاده مینمایند حمایت بعمل آورده و صرفاً اتکاً بر یک سکتور مانند زراعت را بمشابه منبع معیشت تشویق نمایند. یک طریق اینکار میتواند این باشد که:

• چنان فعالیت هائی طرح گردند که امرار معاش تمام خانوار را تأمین نمایند نه یک فرد را . و مسئولیت تنوع عواید به سطح خانوار منتقل گردد. این امر موجب خواهد گردید که اعضای مختلف خانوار به فعالیت های مختلف مصروف گردند، نه اینکه هر عضو خانوار به فعالیت های متبادل مصروف گردد. چنین روش در جهت حمایت از شیوه های تنوع معیشت موجب پراگندگی خطرات گردیده و در عین زمان منابع عواید اعضای منفرد خانوار ها را محفوظ نگه میدارد و بدین ترتیب خانوار ها را قادر میسازد تا دارائی های خویشرا انباشت نموده و بنیاد مهارت های خویشرا تقویت نمایند.

۲.۱.۵ کار غیر کشاورزی

این مطالعه دریافت که از جمله ۲۱ قریه مطالعه شده در ۱۸ قریه کار غیر کشاورزی مهمترین منبع عواید برای گروپ های فقیر تر ثروت میباشد. اهمیت فعلی کار غیر کشاورزی در دهات افغانستان دارای پیامد های عمده برای جنبه زراعتی بسیاری پروگرام ها و پالیسی ها در دهات میباشد. نقش حیاتی کار غیر کشاورزی در دهات افغانستان مستلزم آنست که اقداماتی در جهت حمایت از سکتور غیر کشاورزی و بهبود توانمندی مردم در جهت کسب اشتغال و درآمد درین سکتور رویدست گرفته شوند. باید اهمیت فعلی کار غیر کشاورزی در معیشت های دهاتی در نظر گرفته شود.

بوده می‌تواند، حمایت صورت گیرد. اینکار می‌تواند شامل تأمین کرایه و اجاره مسکن، مصارف سفر چنین افراد و تأمین مصارف ابتدائی خانواده وی گردد که وی آنرا ترک مینماید.

توصیه ها

حکومت افغانستان، ملل متحد، دونه ها و مؤسسات غیر حکومتی همه باید به مهاجرت از یک دیدگاه مثبت نگاه نمایند، نه اینکه آنرا یک پدیده منفی بشمارند و از آن جلوگیری نمایند. آنها باید:

- در مورد مهاجرت نیروی کار تحقیق نموده و بصورت بهتر درک نمایند که چرا مردم مهاجرت مینمایند، به کجا مهاجرت مینمایند، چگونه مهاجرت مینمایند، آنها مصروف کدام فعالیت ها میگردند و از لحاظ مهارت، اطلاعات و کرایه، برای مهاجرت چی چیز ها ضرور است و همچنان آنانیکه در قریه مبدأ باقی مانده اند چگونه با مشکلات مجادله مینمایند. با درک این مسایل، حکومت و دیگران می‌توانند به طرح ستراتیژی هائی جهت حمایت از نیروی کار مهاجر و خانواده های آنان آغاز نمایند.

۵.۱.۴ مقروضیت

بسیاری از خانوار ها اعم از ثروتمند و فقیر مقروض اند و مقروضیت عامل ایجاد و تداوم فقر میباشد. در خانوار های فقیر قرض ها اکثراً برای انجام مراسمی مانند عروسی ها گرفته میشود که برای برگذاری آن مبلغ هنگفتی ضروری است، و یا اینکه قرض برای اهداف تولید و یا سرمایه گذاری اخذ میگردد. در خانوار های فقیر تر اکثریت قروض بمتابیه یک شیوه بقا اخذ میگردند تا ضروریات ابتدائی مانند غذا و مراقبت صحتی برآورده گردند. برخلاف قرضی که برای اهداف تولیدی گرفته شده است (در صورتیکه تولید مؤفّقانه باشد)، قرض های ستراتیژی بقا بگمان اغلب موجب بهبود قابلیت خانوار ها در بازپرداخت قرض نمیکرد، البته با در نظر داشت اینکه برای کار کردن، موجودیت اعضای صحتمند در خانوار ها مهم میباشد.

در حال حاضر، بسیاری خانوار ها به کرایه دسترسی دارند، ولی اکثریت قروض از فامیل و رفقا گرفته میشود. برخی خانوار ها بعلت گرو دادن زمین شان مقروض اند. این خانوار ها با چالش دوگانه مواجه اند که هم باید با بازپرداخت رهن، زمین شانرا اعاده نمایند، در حالیکه در برخی موارد آنان قادر نیستند که مؤلد ترین دارائی های شانرا مورد استفاده قرار دهند.

بدست آوردن مواد خام بر دلالتان متکی باشند. در نتیجه زنان بیشتر منحیت کارگران قراردادی با منافع اندک کار مینمایند. کرایه از جانب عرضه کنندگان میکرو فینانس می‌تواند به زنان امکان دهد تا مواد خام خویش را خریداری نموده و بخش بیشتر مفاد کار شانرا خود بدست آرند. برای اینکه این مأمول بصورت مؤفّقانه تحقق پذیرد باید موانع ممکنه مشخص گردند، مانند اینکه با در نظر داشت روابط نامساویانه قدرت در بازار قالین ها، برای زنان ممکن می بود که قالین ها را بدون دخالت دلال بفروش برسانند.

• **امکانات آموزش مهارت ها منحیت بخشی از پروگرام های عام المنفعه بررسی گردد** تا نفع شرکت درین پروگرام ها پس از اتمام فعالیت پروژه ها نیز ادامه داشته باشد.

• **یقین حاصل گردد که پروگرام های ملی مستقیماً به نفع زنان بوده و همچنان ستراتیژی هائی به نفع زنان انکشاف داده شوند.** پروگرام های ملی مانند پروگرام ملی اشتغال عاجل (NEEP) و پروگرام همبستگی ملی (NSP) باید هر دو مستقیماً به نفع زنان و مردان باشد و در حالیکه اینکار ممکن نیست، باید ستراتیژی های جداگانه به نفع زنان انکشاف داده شوند.

۵.۱.۳ مهاجرت نیروی کار

مهاجرت نیروی کار چی در داخل و یا خارج افغانستان برای ربع خانوار ها یک شیوه خیلی مهم کسب عواید میباشد. برای خانوار های ثروتمند تر مهاجرت ممکن است یک شیوه انباشت باشد. برای فقرا مهاجرت یک وسیله مهم مجادله با فرصت های کاری بی ثبات در داخل قریه بوده و یا اینکه وسیله جستجوی کار ها با معاش خوب میباشد. ولی در حال در مورد اینکه نیروی کار چگونه مهاجرت مینماید و کی ها به اینکار توسل می ورزند، دانش کافی وجود ندارد.

در حالیکه سند تضمین آینده افغانستان (SAF) در جهت حمایت از کارگران مهاجر استدلال مینماید، ولی برای اینکه اینکار چگونه تحقق یابد کدام ستراتیژی ایرا ارائه مینماید. نظر به مطالعه هذا، چنین ستراتیژی ها می‌تواند شامل حمایت از حقوق و شرایط کاری کارگران مهاجر و بهبود مهارت های آنان گردد، تا در حالیکه مردم مجبور میگردند تا مهاجرت نمایند و یا اینکه خود راه مهاجرت را انتخاب مینمایند، آنها بتوانند که تقاضای معاشات بلند نمایند. این حمایت همچنان شامل ارائه اطلاعات در مورد اشتغال نیز میگردد. چنان ستراتیژی هائی بررسی گردند که از آنانیکه بنا بر دلایل مالی نمیتوانند که مهاجرت نمایند، ولی کار در مهاجرت برایشان خیلی منفعت بار

مایکروفینانس برای افغانستان (MISFA) امکان خواهد داد تا توجه خویشرا به فقیرترین اهالی معطوف نمایند (که ممکن است میزان بلندی را تشکیل دهند) و جهت برآورده شدن ضروریات ابتدائی شان برایشان کرایت فراهم نمایند. این کرایت میتواند موجب حفظ معیشت های افراد تهیدست گردیده و بتدریج به آنان کمک نماید تا از طریق آغاز کار های دارای درآمد، معیشت های خویشرا بهبود بخشند.

- **امکانات مساعدت به مردم در جهت اعاده دارائی هایشان مطالعه گردد،** مانند زمینی که در مقابل قرض استملاک گردیده است و همچنان امکانات مساعدت به اشخاصی که دارائی ها را انباشت و محافظت مینمایند مطالعه گردد و همچنان بررسی گردد که اعاده دارائی هائی مانند زمین بر مسئله بازداشتن خانوار ها از کشت کوکنار چی تأثیرات مثبتی داشته میتواند.

۵.۱.۵ جنسیت

درین بخش توصیه ها جهت بهبود معیشت های مردان و زنان تحت عناوین فرعی جداگانه شامل ساخته شده اند، ولی یک عنوان جداگانه برای مسئله جنسیت بخاطری موجه است که هم در ضمیمه معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) و هم در ضمیمه منابع طبیعی (NR) بر مسئله جنسیت توجه نگردیده است. در حالیکه بدون شک درین عرصه ابتکاراتی از جانب مؤسسات غیر حکومتی رویدست گرفته شده اند، ولی اگر قرار باشد که ستراتیژی ها و عملکرد های واضح رویدست گرفته شوند، باید اقداماتی غرض بهبود معیشت های اقشار مختلف مردان و زنان طرح گردند. واضح نیست که پروگرام هائی که در ضمیمه معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) گروپ بندی گردیده اند مانند پروگرام همبستگی ملی (NSP) و پروگرام ملی اشتغال عاجل (NEEP)، چگونه بصورت واقعی به زنان در مقابل مردان نفع خواهند رساند و کدام اقدامات جهت تحقق تغییرات مثبت رویدست گرفته خواهند شد.

چنان نشان داده شده است که زنان در بسیاری فعالیت های تولیدی و دارای درآمد مصروف اند و به عواید خانوار کمک مینمایند، ولی با آنهم شمار اندکی از زنان مالک منابعی مانند زمین و مواشی میباشند. عدم تساوی از لحاظ دسترسی به منابع در هر دو ضمیمه به ندرت ذکر گردیده است، با آنکه اینها موانع واقعی برای بسیاری زنان در دهات میباشد، خصوصاً برای آنانیکه از نگاه مالی مسئول خانوار های شان اند و آنانیکه جهت امرار معاش فامیل شان امکانات محدودی در اشتغال به کار های دارای درآمد دارند. همین عدم تساوی ساختاری است که

کرایت برای خریداری غذا و مراقبت صحتی اکثراً برای فقرا اهمیت اساسی دارد. در حالیکه سازمان های مایکروفینانس بعلت با ثبات نگهداشتن امور مالی شان نمیخواهند که چنین قرض ها را فراهم نمایند، ولی هرگاه قرار باشد که مایکروفینانس واقعاً به مردم فقیر خدمت نماید و نقش ارزنده ای در تأمینات اجتماعی داشته باشد، پس باید این نوع قروض را فراهم نماید. ارائه کنندگان چنین خدمات مالی که دارای شمار بزرگ مشتریان متمول اند، باید قادر باشند که برای فقرا کرایت هائیرا با چنان شرایطی فراهم نمایند که آنها بتوانند با اقساط کوچک به مرور زمان آنرا بازپرداخت نمایند.

فراهم کنندگان قروض مایکروفینانس باید محتاط باشند که در محلاتیکه میکانیزم های محلی کرایت دهی خوب کار مینمایند، آنرا مختل نسازند. از طرف دیگر، فراهم نمودن منابع متبادل کرایت میتواند فشار را از عهده آنانی کم نماید که مبالغ هنگفت پول را قرض میدهند و اکثراً اعضای فامیل میباشند.

توصیه ها

پالیسی سازان و مجریان، خصوصاً در حکومت و سازمان های مایکروفینانس باید:

- **میکانیزم های کرایت موجود در محل را بررسی و نظارت نمایند،** خصوصاً شرایط قرض، جریمه های عدم پرداخت، کی به منابع محلی کرایت دسترسی دارد، قرض ها برای چی مقاصد بکار برده میشوند و قرض ها چگونه بازپرداخت میگردند. پروگرام ها باید بسوی آنانی متوجه باشد که در قرض گیری و بازپرداخت آن مشکلات دارند. هر گاه دریافت گردد که شرایط قرض خیلی استثمار کننده اند، درینصورت باید این امکانات جستجو گردند که خانوار ها کرایت را تحت شرایط عادلانه تری از سازمان های مایکروفینانس بدست آورند.
- **بر سطح قرضداری نظارت گردد و اینکار باز هم از طریق ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری (NRVA) صورت گرفته میتواند.** ساحاتی که درین قسمت با مشکلات مواجه اند مشخص گردند تا جهت بازپرداخت قروض از میکانیزم های منفی بقاً استفاده نگرد.
- **مسئله انتقال بخشی از پولی که فعلاً برای فقیرترین مردم تخصیص یافته است به تسهیلات سرمایه گذاری و کمک مایکروفینانس برای افغانستان (MISFA) مورد بررسی قرار گیرد.** این امر به تسهیلات سرمایه گذاری و کمک

شان بر معیشت ها اثر ناگوار وارد مینماید، زیرا شخص نمیتواند که در فعالیت های تولیدی و یا کار های دارای درآمد مصروف گردد. صحت همچنان از طریق تأثیرات منفی آن بر انواع معین کار های دارای درآمد با معیشت ها مرتبط است، مانند قالین بافی و یا گلدوزی. مهاجرت نیروی کار ستراتیژی دیگر معیشت است که ممکن است دارای پیامد های صحتی باشد که باید بررسی گردند. بطور مثال، هرگاه کارگران مهاجر مرد آنگونه که در مناطق دیگر جهان واقع میگردد، با زنان بازاری معاشرت جنسی نمایند ممکن است برای این گروه و همچنان برای دیگران ضرورت تعلیمات صحتی در مورد آگاهی از (HIV) و مرض ایدز وجود داشته باشد.

علیرغم تمام آنچه که در فوق ذکر گردید، وزارت صحت عامه بخشی از گروه مشورتی در مورد معیشت ها و تأمینات اجتماعی (CG LSP) نمیباشد. مسایل صحتی همچنان منحصراً یک مسئله معیشت و یا مسئله تأمینات اجتماعی در ضمیمه معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) مورد ملاحظه قرار نگرفته است. در عوض، چنان تصور میگردد که تأمینات اجتماعی موجب تأمین امکانات بیشتر برای دسترسی به خدمات صحتی میگردد. این امر شماری از مسایل را در نظر نمیگیرد که عبارت اند از:

۱. تأمینات اجتماعی آنطوریکه فعلاً در ضمیمه معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) توضیح گردیده اند برای مردمی که در فقر مطلق زندگی مینمایند (آناییکه نمیتوانند وضع خویشرا بهبود بخشند) از لحاظ شیوه های کسب عواید که در ضمیمه معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) تسجیل گردیده اند، خدمت اندکی انجام خواهد داد.

۲. صحت ناسالم فزیک و یا دماغی ممکن است موجب گردد که خانوار ها کار یافته نتوانند و ممکن است باعث تداوم فقر گردد. سهمگیری در پروگرام های از قبیل پروگرام ملی اشتغال عاجل (NEEP) که مستلزم نیروی فزیک و اند در قدم نخست ایجاب داشتن سطح معین سلامت را مینماید و بدین ترتیب خانوار های معینی از شمولیت درین پروگرام مستثنی قرار داده خواهند شد. علاوه بر آن، سهمگیری در کار های ثقیل فزیک با تغذیه ناکافی پیامد های صحتی را در قبال دارد، در حالیکه این سهمگیری ممکن است موجب گردد که منابع غذایی خانوار به آنانی اختصاص یابد که در چنین پروگرام ها شامل کار شده اند. این دینامیک باید بصورت بهتر درک گردد.

خصوصاً برخی خانوار های دارای سرپرست زن را در مقابل فقر آسیب پذیر میسازد و همین ها نه تنها نشانه های آسیب پذیری اند، بلکه علل ساختاری آنند که باید مورد رسیدگی قرار گیرند.

زنان دارای بسیاری مهارت های میباشند که میتوانند برایشان عوایدی را مهیا سازد، مانند قالین بافی، خیاطی، گلدوزی، پرورش مواشی و کار های کشاورزی مانند خیشاوه کردن. ولی بعلت نادیده گرفتن کار زنان در عرصه زراعت و یا عدم مهارت در معاملات و بازار یابی، این فعالیت ها اکثراً کمتر از آنچه که ممکن است عواید بیار می آورند.

توصیه ها

پالیسی سازان و مجریان در حکومت، دونه ها و سازمان های تعمیل کننده باید:

- از معیشت های زنان حفاظت و پشتیبانی نموده و آنرا **انکشاف دهند**. درین رابطه حکومت باید با کارشناسان جنسیت و معیشت کار نموده و ستراتیژی های واضحی را برای زنان انکشاف دهد و توضیح نمایند که معیشت های زنان در مقابل معیشت های مردان چگونه حفاظت و پشتیبانی و انکشاف داده شده میتوانند.
- در سطح پالیسی و پروگرام ها نقش زنان در زراعت مد نظر گرفته شود. به زنان باید زمینه آموزش مهارت های از قبیل صنایع دستی مهیا گردد و در قدم اول باید بررسی گردد که آیا برای این محصولات بازار وجود دارد و یا خیر و همچنان مهارت های معاملات و بازار یابی به آنها آموزش داده شود تا زنان قادر گردند که از کارهای شان منفعت اعظمی برند.
- علل ساختاری عدم تساوی جنس مورد رسیدگی قرار گیرد و به امکانات فراتر از فعالیت های سنتی مانند مرغداری و گلدوزی نظر اندازی گردد.

۵.۱.۶ صحت

صحت دومین علت بزرگ مصارف در اکثر خانوار ها میباشد. صحت تا حد زیادی یک مسئله معیشت میباشد، زیرا صحت ناسالم فزیک و یا دماغی تأثیر عظیم ناگوار بر معیشت ها دارد. این امر یک عامل عمده در ایجاد قرضداری بوده و موجب از دست رفتن دارائی ها میگردد، زیرا بخاطر تداوم بفرش میرسند. صحت ناسالم همچنان از طریق عدم توانمندی شخص مریض و یا حتی از دست دادن حرفه

۳. شواهدی بشکل حکایات وجود دارند حاکی از آنکه بسیاری از ادویه جاتی که در دسترس خانوارها قرار دارند، مؤثر نیستند.^{۴۵}

۴. صحت ناسالم میتواند شخص مریض را و یاهم شخصی را که از وی مواظبت مینماید از دسترسی به اشتغال و یا درآمد باز دارد.

توصیه ها

حکومت، ضمیمه در مورد معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) و سازمان های تعمیم کننده باید:

• **وزارت صحت عامه در گروه مشورتی در مورد معیشت ها و تأمینات اجتماعی شامل ساخته شود، زیرا صحت تا حد زیادی یک مسئله معیشت و تأمینات اجتماعی میباشد.** بهبود خدمات صحتی که در ضمیمه تخنیک صحتی سند تضمین آینده افغانستان (SAF) پلان گردیده است تأثیر مهمی بر معیشت ها و تأمینات اجتماعی خواهد داشت، ولی اگر قرار باشد که با در نظر داشت ارتباط میان این دو عمل گردد، لازم است تا این ارتباط درک گردیده و رسمیت یابد.

• **چنان زمینه ای فراهم گردد که مردم نهایت فقیر از مواظبت مناسب صحتی برخوردار گردند.** اینکار باید توسط انکشاف چنان اقداماتی انجام یابد که خدمات صحتی را تحت ستراتیژی های تأمینات اجتماعی به آنانی تأمین نماید که از طریق شمولیت در پروگرام هائی مانند پروگرام ملی اشتغال عاجل (NEEP) به مواظبت صحتی دسترسی ندارند. در حالیکه مشکل است تا فهمیده شود که کدام ضرورت مقدم تر است- بهبود در خدمات صحتی و یا بهبود در عواید که منتج به دسترسی به خدمات بیشتر صحتی میگردد- چنان معلوم میگردد که برای افراد نهایت فقیر که ممکن است قادر به کارکردن نباشند، مواظبت صحتی یک مسئله تأمینات اجتماعی میباشد. به عین ترتیب، برای آنانیکه در حال حاضر بنا بر صحت ناسالم نمیتوانند به اشتغال دست یابند، مواظبت صحتی در قدم اول قرار میگیرد.

• **در فعالیت های تعلیمات صحتی در مورد مسایل صحتی مرتبط با معیشت مشاوره صورت گیرد.** بطور مثال، برای زنان باید در مورد ضرورت استراحت چشم حین گلدوزی و قالبین بافی و یا اینکه حین قالبین بافی و گلیم بافی در مورد ضرورت پوشیدن ماسک ها و تفریح و قدم زدن مشوره داده شود. برای کارگران مهاجر و دیگران ممکن است مناسب باشد تا در مورد (HIV) و

ایدز مشوره داده شود.

• **محصولات دواسازی و دواخانه ها از نزدیک کنترل گردند تا از فروش ادویه جات غیر مؤثر جلوگیری گردد و یقین حاصل گردد که ادویه جات و انتی بیوتیک ها صرف در مقابل نسخه در دسترس قرار داده میشوند.** تعلیمات صحتی همچنان باید شامل ارتقای سطح آگاهی در مورد ادویه جات غیر مؤثر باشد.

۵.۱.۷ تأمینات اجتماعی و "فقیر ترین فقراً"

بیشتر پالیسی ها و پروگرام های جاری افراد نهایت را هدف قرار نمیدهند. این افراد بگمان اغلب آنانی اند که قادر بکار کردن نبوده و کدام دارائی هم ندارند. در حالیکه یکی از اهداف ضمیمه معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) توانائی بخشیدن به آسیب پذیرترین افراد میباشد، پروگرام هائیکه در ضمیمه معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) گنجانیده شده اند بگمان اغلب نمیتوانند که برای آسیب پذیرترین افراد کاری انجام دهند. در واقع سند مذکور این سوال را مطرح میسازد که آیا "فقیر ترین فقراً" هدف قرار داده شوند و یا اینکه آنانی هدف قرار داده شوند که در نزدیک خط فقر قرار داشته و برای شان امکانات بیشتری مانند غذا و یا پول نقد در مقابل کار و همچنان میکروفینانس میسر میباشد. پروگرام هائی مانند پروگرام ملی اشتغال عاجل (NEEP) و پروگرام همبستگی ملی (NSP) کته گوری اخیر را هدف قرار میدهند. ضمیمه معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) انتقال منابع را به افراد نهایت فقیر بمثابه "آخرین چاره" تذکر میدهد، ولی واضح نیست که اینکار چگونه صورت خواهد گرفت.

ضمیمه متذکره برای آنانیکه قادر نیستند که برای خویش کاری انجام دهند، ضرورت درک و کار با میکانیزم های سنتی حمایت را می پذیرد، ولی برای تحقق این مأمول هیچ ستراتیژی ای انکشاف داده نشده است. درک و آگاهی از مراجع محلی حمایت از فقیرترین افراد برای دانستن این امر اهمیت اساسی دارد که آیا بهبود در معیشت های افراد نه چندان فقیر موجب نفع آنانی نیز میگردد که برای خویش هیچ کاری از پیش برده نمیتوانند و یا خیر.

این تحقیق نشان میدهد که میان ثروت افراد نه چندان فقیر و گروه های فقیر تر ارتباطی وجود دارد. بطور مثال، یک ملا در هرات بیان

• اینکه تا کدام اندازه صدقه سنتی توسط حوادثی از قبیل خشکسالی و جنگ متأثر گردیده است و تا کدام حد این سیستم های غیر رسمی تأمینات اجتماعی تا هنوز هم فعال اند. همچنان لازم است که معین گردد که تا کدام حد معیشت های بهبود یافته برای برخی مردم منتج به حمایت بیشتر از فقیر ترین افراد میگردد.

• مشخصات آن افراد و خانوار ها که نمیتوانند برای خود امرار معاش تأمین نمایند. این مطالعه دریافت که فقیر ترین افراد آنانی اند که به گدائی متوسل گردیده اند. حصول شناخت بیشتر در مورد مشخصات این افراد و گفتگو با آنها موجب بهبود پروگرام ها و پالیسی ها جهت کمک به آنان خواهد گردید.

• عوامل ساختاری ای که مردم را در فقر نگه میدارند و چگونه میتوان بر آنها فایق آمد. بطور مثال، در قسمت خانوار های دارای سرپرست زن یک عامل بزرگ فقدان فرصت ها برای زنان است تا آنها به کار های دارای درآمد مصروف گردند و عواید کافی را جهت امرار معاش یک فامیل بدست آرند. این امر با فقدان مالکیت بر دارائی های مؤلف مانند زمین و مواشی مرتبط میباشد که تا حد زیادی از نورم های اجتماعی، فرهنگی و مسایل نام و ننگ ناشی میگردد که به مردم حکم مینمایند که چی کاری را میتوانند انجام دهند و چی کاری را باید انجام دهند.

۲.۵. زراعت

این مطالعه دریافت که اکثریت خانوار های فقیر بخش اعظم غله خویشرا از مارکیت و یا بطرق دیگر تهیه مینمایند و اینکه کار غیر کشاورزی مهمترین منبع عواید برای اکثریت فقیر ترین خانوار ها میباشد، نه زراعت. این امر سوالاتی را در مورد صحت این ادعای معمول مطرح میسازد که "۸۰٪ نفوس متکی بر زراعت اند." زراعت نقشی را در زندگی بسیاری مردم فقیر در دهات بازی مینماید، ولی این تحقیق نشان میدهد که حتی با تولیدات نسبتاً خوب زراعتی، در بسیاری خانوار های فقیر در مناطق مختلف افغانستان زراعت نسبت به منابع دیگر عواید، نقش کمتری را بازی مینماید و یا اینکه نقشی را بازی مینماید.

بسیاری از فقیر ترین خانوار ها بی زمین بوده و شمار اندک مواشی دارند. زنان نسبت به مردان دارای زمین و مواشی خیلی کم میباشند.

مینمود که زندگی وی در زمان خشکسالی چقدر مشکل بود، زیرا وی بر گرفتن صدقه از دیگران متکی بود. آنهائیکه به وی صدقه میدادند به اثر خشکسالی زیاد صدمه دیدند و مقدار خیلی کمی به وی صدقه میدادند که برای امرار معاش فامیل او کافی نبود. به عین ترتیب، اعضای شورای دو قریه در قندهار اظهار داشتند که مقدار صدقات که به فقیر ترین اعضای اهالی محل داده میشود در اثنای خشکسالی و پس از آن تغییر نموده است. در یک قریه، اکنون به فقرا هیچ صدقه داده نمیشود، در حالیکه در قریه دیگر مردم گفتند که اکنون به فقرا خیلی کمتر از آنچه میدهند که قبل از خشکسالی میدادند.

کمک به خانواده های ثروتمند تر در جهت اینکه آنطوریکه اسلام حکم مینماید، آنان با خانواده های فقیر تر کمک نمایند موجب رفع عدم تساوی در ساختار قدرت نمیگردد، ولی اینکار میتواند یکی از راه هائی باشد که از طریق آن فقیر ترین افراد هدف قرار داده میشوند. استراتژی های جداگانه نیز جهت هدف قرار دادن فقیر ترین افراد ضروری خواهند بود.

توصیه ها

پالیسی سازان و مجریان در وزارتخانه های حکومتی و مؤسسات غیر حکومتی باید:

- منابع به آن خانوار های دارای اطفال اختصاص داده شود که اطفال شان قادر به کار کردن نیستند. اینکار ممکن است به اطفال این خانوار ها امکان دهد که شامل مکتب گردند، نه اینکه در سنین کوچک کار نمایند و برای آنان مهارت های لازم را بدهد تا معیشت هایشان را در طول مدت بهبود بخشند.
- جهت ارتقای آگاهی در مورد پیامد های ازدواج زنان با مردان خیلی مسن در طول مدت، از کارکنان جمعیت های محلی استفاده صورت گیرد. اینکار میتواند چنان شیوه ای باشد که در آن آسیب پذیری زنان در مقابل عدم مصئونیت غذائی در سالهای بعدی زندگی شان کاهش یافته میتواند، ولی هر گاه مردم به این اندازه غریب نمیبودند، بگمان اغلب چنین رسوم نیز کم میگردد.

همچنان این ضرورت وجود دارد که شناخت بیشتری از موارد ذیل حاصل گردد:

دارند و علیرغم اینکه اکثراً اوقات مصروف کار زراعت میباشند، در پروگرام های زراعتی به ندرت در نظر گرفته شده اند.

بهبود تولیدات زراعتی ممکن است برای خانوار های فقیر تر منافی در بر داشته باشد، مانند تقاضای بیشتر برای کار، ولی این ها تصوراتی اند که آزمایش نگردیده اند. این امکان وجود دارد که پروگرام های زراعتی تأثیر معکوس داشته باشند، زیرا حاصلات بیشتر به مفهوم قیمت های نازل مواد غذایی است که منجر به دستمزد های کم برای کارگران کشاورزی میگردد. (اینکار ممکن است با کمبود نیروی کار جبران گردد که چنین کمبود بعلت ایجاد فرصت های کاری دیگر بمیان می آید و زمیندار مجبور میگردد تا دستمزد های بلند تری بپردازد.)

چنین نظر وجود دارد که انکشاف زراعت ممکن است منتج به تولیدات بیشتر و قیمت های نازل تر گردد و بدین ترتیب به فقرا امکان دهد که دسترسی بیشتری به غذا داشته باشند، ولی این امر الزاماً توانمندی مردم را در دسترسی به عواید و خرید غذا بهبود نخواهد بخشید. این بدان مفهوم نیست که پروگرام های زراعتی برای فقرا در دهات حایز هیچگونه اهمیت نیستند، بلکه منظور اینست که میزان تأثیر مثبت آنها بر خانوار ها نظر به دارائی خانوار ها از هم فرق خواهد نمود.

توصیه ها

پالیسی سازان و مجریان باید اعتراف نمایند که واقعیت های معیشت های دهاتی و تمرکز پالیسی و پروگرام ها بر زراعت باهم تطابق نمینمایند و:

- میان مقدار دارائی خانوار ها و افراد مختلف تمیز قابل گردند تا این مسئله درک گردد که کی از پروگرام های زراعتی نفع خواهد برد و کی نخواهد برد. اینکار به پالیسی سازان و مجریان کمک خواهد نمود تا برای آنانیکه کمک را در نظر گرفته اند، منابع را بشکل بهتر اختصاص دهند.
- قبل از طرح پروگرام های زراعتی، بنیاد منابع مختلف طبیعی ایکه خانوار ها به آن دسترسی دارند، درک گردد. زمین بدون آب و موآشی بدون علفچر دارائی های مؤلد نیستند. در حالیکه برای زنان و مردان بی زمین که در ساحاتی زندگی مینمایند که دارای زمین کافی علفچر اند، ممکن است پرورش موآشی یکی

این یافته ها دارای پیامد های عظیمی برای طرز تصور ضمیمه منابع طبیعی (NR) میباشند که بدین نظر است که بازسازی زراعت مساویانه بوده میتواند، خصوصاً با درنظرداشت اینکه بعلت مالکیت غیر مساویانه میان مردان و زنان و خانوارها، اشتراک در کارهای زراعتی مساویانه نمیشد.

علاوه بر آن، یک نوع عدم تسلسل وجود دارد و آن اینکه در حالیکه در ضمیمه معیشت ها و تأمینات اجتماعی (LSP) به تنوع معیشت و اهمیت کار غیر کشاورزی اعتراف گردیده است، در ضمیمه منابع طبیعی (NR) این مسئله ذکر نگردیده است. در واقع اخیرالذکر اشعار میدارد که:

"اهداف عمومی این سکتور آنست که بهبود معیشت ها و شرایط اقتصادی خانواده های دهاتی و ارتقای مصئونیت غذایی خانوار ها منتج به سهمگیری فعال آنها در رشد اقتصاد ملی خواهد شد و اینکار از طریق استفاده بهتر، مؤثر و با ثبات از منابع آب، زراعت، جنگلات، چراه گاه ها و دیگر سکتور های فرعی بر مبنای عملکرد های سالم محیط زیست صورت گیرد."

یافته های این تحقیق دارای پیامد های عمده برای پالیسی و پروگرام های زراعتی میباشند، زیرا این امر نشان میدهد که در حال حاضر با تمرکز توجه بر زراعت، ضرورت های فقرا در دهات از نظر انداخته شده اند. بطور مثال، هر گاه یک خانوار دارای زمین باشد که از طریق آن بتواند بخشی از ضروریات غذایی خانوار را تأمین نماید، درینصورت پروگرام های زراعتی میتواند نقش بزرگ و مستقیم را ایفا نماید. ولی تا زمانیکه خانوار ها زمین کافی نداشته باشند تا از طریق فروش و یا تجارت محصولات زراعتی مصارفی را از قبیل مصارف صحتی و غیره تأمین نمایند، آنها بازم به کار های غیر کشاورزی روی خواهند آورد تا هم عواید نقدی بدست آرند و هم خطرات احتمالی را پراکنده سازند.

آنانیکه دارای زمین کافی نیستند و یا اینکه هیچ زمین ندارند و در ساحاتی زندگی مینمایند که فرصت های کار کشاورزی وجود ندارند و یا دستمزد ها ناچیز اند، مجبور خواهند بود که همیشه در پی منابع متبادل درآمد باشند. اینکار ممکن است خصوصاً در قسمت زنان صدق نماید و بصورت خاص در قسمت بیوه زنان، زیرا طوریکه درینجا نشان داده شده است، زنان نسبت به مردان دسترسی کمتری به زمین

- های فقیر تر مهیا سازد تا کشت زمین ها را به اجاره گیرند.^{۴۶}
- فرصت های اشتغال برای فقراً فراهم گردند. چنین فرصت ها ممکن است با توسعه صنایع پروسس ایجاد گردند.^{۴۷}
- استخدام شمار بیشتر مامورین انکشاف زراعت و وترنی از طبقه اناث، تا بدین ترتیب به زنانیکه مصروف زراعت اند آموزش دهند. البته اینکار مستلزم آن خواهد بود که برای این زنان شرایط مناسب کار بشمول محل بود و باش زنانه و تسهیلات تشناب مهیا گردند.
- عواملی که در حال حاضر اشتراک فقراً در زراعت محدود میسازند.

۳.۵ نظارت بر معیشت ها

تمام این یافته ها اهمیت نظارت بر گرایشات معیشت را نشان میدهند و اینکه چی کسی نفع میبرد و چی کسی صدمه می بیند: آیا اهمیت کار غیر کشاورزی بعلت جریان کار های بازسازی یک پدیده مؤقتی است و یا اینکه یک گرایش طولی المدت میباشد؟ رشد زراعت بر سکتور غیر کشاورزی چی تأثیری خواهد داشت؟ آرزایی ملی خطر و آسیب پذیری چنان میکانیزمی است که چنین نظارت از طریق آن انجام یافته میتواند، ولی باید مطالعات با کیفیت تر دیگری انجام یابند تا خلای دانش پر گردد و همچنان دورنمای بهتر معیشت های مردم در زمان حاضر نشان ارائه گردد.

با در نظر داشت اینکه بسیاری خانوار های فقیر در دهات بر اقتصاد پول نقد متکی اند، نظارت بر تغییرات در قیمت غذا و میزان دستمزد حایز اهمیت اساسی میباشد. پروگرام غذائی جهان (WFP) و دیگران در حال حاضر این نظارت را رویدست گرفته اند، ولی باید اطمینان حاصل نمود که این اطلاعات تحلیل و شریک میگرددند و اینکه شیوه های استفاده از این اطلاعات طرح گردیده اند. آگاهی بیشتر در مورد عواملی که انتخاب های مردم را در خصوص معیشت متأثر میسازند، مانند مهاجرت بخاطر کار، بما کمک خواهد نمود که تأثیراتی را که ممکن است تغییرات در قیمت های بازار بر معیشت ها داشته باشند، درک نماییم.

از انتخاب ها باشد، ولی برای آنانیکه در ساحات دارای زمین علفچر ناکافی زندگی مینمایند، اینکار انتخاب بجا نخواهد بود. بدین ترتیب ضرور است که در سطح محلی پروگرام های متفاوت برای خانوار های مختلف طرح گردند.

همانند توصیه های وسیع، شیوه های بالقوه دیگری نیز وجود دارند که از طریق آن زراعت میتواند به آن خانوار های فقیر نفع رساند که کم زمین و یا بی زمین بوده و در حال حاضر عمدتاً بر کار غیر کشاورزی متکی اند. در حالیکه این مطالعه دریافت که بسیاری از فقراً عمدتاً بر کار غیر کشاورزی متکی اند، ولی زراعت نیز بخشی از شیوه های معیشت را برای بسیاری افراد تشکیل میدهد. بنابراین مهم است تا این شیوه ها با در نظر داشت حمایت از تنوع معیشت خانوار ها بررسی گردند، نه اینکه کوشش گردد تا خانواده ها کاملاً بسوی زراعت سوق داده شوند. این نکته نیز قابل تذکر است که مثال تأثیرات متفاوت منع قطع درختان جنگلات در لغمان نشان میدهد که این ضرورت وجود دارد تا نظارت گردد که کی از تلاش ها در جهت حفظ جنگلات نفع میبرد. نکات ذیل باید بررسی و نظارت گردند که کی نفع میبرد:

- مردمی که زراعت برایشان بخشی از شیوه معیشت شانرا تشکیل میدهد، دارای کدام مهارت ها اند تا ازین مهارت ها حمایت بعمل آمده و انکشاف داده شوند. بطور مثال، زنان دارای مهارت های پرورش مواشی اند، ولی با آنها هم به استثنای پروگرام مواظبت از حیوانات، پروگرام های اندکی با آنها کمک مینمایند. علاوه بر آن، بدون مرغداری، به زنان به ندرت در قسمت تربیه مواشی و کسب درآمد کمک صورت میگردد. باید نقش زنان را در زراعت پذیرفت و در مواردیکه ایجاب مینماید، باید آنها گسترش داد.
- چنان منابعی در داخل قریه ها تشکل یابند که متقابلاً مفید باشند، بطور مثال، شخصی از گاو شخص دیگر مواظبت مینماید و گوساله پس تولد متعلق به وی میگردد. به عین ترتیب، امکانات مذاکره جهت دستیابی مردان و زنان بی زمین به زمین های مشترک (که منحیث چراه گاه مورد استفاده نباشند) باید مورد بررسی قرار گیرد.
- تأمین کار های غیر کشاورزی برای خانواده های بزرگ زمیندار. اینکار میتواند فرصت های کاری بیشتری را برای خانوار

۴۶ کریستوپولوس.

۴۷ ماخذ.

این مسئله خیلی پر ارزش است که آیا پروگرام های آنان پاسخگوی واقعیت های زندگی مردم و خصوصاً فقر است و یا خیر. بطور مثال، مؤسسه داکار دریافت که در پروگرام های آنها در عرصه زراعت این مسئله تا حدی در نظر گرفته نشده است که این پروگرام ها کدام گروه ها را هدف قرار داده اند، زیرا گروه های فقیر بر زراعت متکی نبوده و بیشتر آنان بی زمین میباشند. این مسئله باعث گردید که داکار طرق دیگر کمک به فقراً را جستجو نماید.

مؤسسات غیر حکومتی، حکومت و دونه هایشان نیز باید بیشتر نتایج (تأثیرات) پروژه هایشان را در نظر گیرند و در موارد ممکنه توجه خویشرا بر تأثیرات کیفی متمرکز سازند، نه بر کمیت. این بازیگران همچنان باید علل اصلی مضیقه های معیشتی را بررسی و حل نمایند، نه مشکلات ظاهری را. برای اینکه این مأمول بر آورده گردد سرمایه گذاری بیشتر در آموزش و فنند های طویل الممدت از آنچه که اکنون در دسترس اند، ضروری میباشند.

مؤسسات غیر حکومتی ایکه در سطح محلی کار مینمایند باید این ظرفیت را داشته باشند که چنین مجموعه های اطلاعات را برای پروگرام های خویش مورد استفاده قرار دهند. ولی مؤسسات غیر حکومتی همچنان باید در ساحات کار شان برخی فعالیت های نظارت بر معیشت را انجام دهند تا بدین ترتیب پروگرام های شان با واقعیت های آنایکه کمک برایشان در نظر گرفته شده است، مطابقت نماید. این امر الزاماً به این مفهوم نیست که چیزیکه اینجا مورد آزمایش است، کاپی گردد، بلکه هدف صرف شناخت بهتری ازین مسئله است که مردم مختلف در یک قریه مشغول چی کاری اند و چرا، و همچنان هدف اینست که بر محدودیت ها و فرصت های موجود برای آنان نظر انداخته شود و بر تغییراتی که به مرور زمان در آن پدید می آید نظارت صورت گیرد.

اکثریت مؤسسات غیر حکومتی ایکه درین پروژه تحقیق بر نظارت از معیشت ها سهم گرفتند، دریافتند آنچه که آنان آموختند در ارزیابی

اختصارات و مخففات

بانک انکشاف آسیائی	ADB
افغانی، واحد پولی افغانستان بوده و ۵۰ افغانی تخمیناً معادل به یک دالر امریکائی میگردد	Afs
مؤسسه انکشافی آغا خان	AKDN
مؤسسه بین المللی پاملرنه	CARE
انسجام کمک های بشری	CHA
کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان	DACAAR
دفتر عمومی کمک مسیحی	EOCA
جرمن اگرواکشن	GAA
حکومت افغانستان	GoA
معیشت ها و تأمینات اجتماعی	LSP
گروپ مشورتی معیشت ها و تأمینات اجتماعی	LSP CG
پروگرام سرمایه گذاری دولتی در معیشت ها و تأمینات اجتماعی	LSP PIP
هیئت نیکوکاری	MC
تسهیلات سرمایه گذاری و کمک میکروفینانس برای افغانستان	MISFA
وزارت صحت عامه	MoH
وزارت احیاء و انکشاف دهات	MRRD
پروگرام ملی انکشاف ساحوی	NABDP
پلان انکشاف ملی	NDF
پروگرام ملی اشتغال عاجل	NEEP
سازمان غیر حکومتی	NGO
منابع طبیعی	NR
ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری	NRVA
پروگرام همبستگی ملی	NSP
سیستم ملی نظارت	NSS
ملل متحد	UN
پروگرام غذائی جهان	WFP

بیبلیوگرافی

- اداره انسجام کمک ها برای افغانستان. پلان انکشاف ملی- پیش نویس برای تبصره ها. کابل: AACA. ۲۰۰۲.
- مؤسسه انکشافی آغا خان. گزارش نظارت بر معیشت ها در بدخشان. رساله نشر نشده. کابل: AKDN. ۲۰۰۴.
- الدن ویلی. بحران در حقوق ارضی: اعاده مصئونیت ملکیت ها در افغانستان. کابل: AREU. ۲۰۰۳.
- الدن ویلی. مطالعه مسئله ارضی در فاریاب. در آینده نزدیک در دسترس قرار میگیرد. کابل: AREU.
- بانک انکشاف آسیائی. ماموریت دونه ها، سکتور منابع طبیعی و زراعت، ارزیابی جامع ضروریات، پیش نویس گزارش. کابل: ADB. ۲۰۰۲.
- پاملرنه. گزارش نهائی: گزارش نظارت پاملرنه بر معیشت ها در افغانستان. نشر نشده. کابل: پاملرنه. ۲۰۰۴.
- کریستوپلوس. آیا پالیسی زراعتی و معیشت ها در افغانستان باهم مطابقت ندارند؟ کابل: AREU. ۲۰۰۴.
- کوک. پروگرام های تخم گندم و زراعت در افغانستان و تأثیرات بالقوه آن بر معیشت ها: دو مطالعه از پنج قریه در دو ولایت کابل: AREU. ۲۰۰۴.
- دیرکون. "خطر برای عواید، ستراتیژی های بقا و سازمان های تأمینات اجتماعی." ناظر تحقیق بانک جهانی. ۲۰۰۲. ۱۷ (۲): ۱۴۱-۱۶۶.
- الیس. معیشت های دهاتی و تنوع در کشور های رو به انکشاف. اکسفورد: مطبعه پوهنتون اکسفورد. ۲۰۰۰.
- غفوری. سیاست اقتصاد چوب در لغمان. قرار است در آینده نزدیک در دسترس قرار گیرد. کابل: DACAAR. ۲۰۰۴.
- حکومت افغانستان و سازمان های بین المللی. تضمین آینده افغانستان: دست آورد ها و مسیر ستراتیژیک به پیش. کابل: حکومت افغانستان / سازمان های بین المللی. ۲۰۰۴.
- گریس. یکصد خانواده در کابل: مطالعه آسیب پذیری در زمستان، ستراتیژی های بقا و تأثیر پروگرام های پول نقد در مقابل کار بر زندگی افراد "آسیب پذیر". کابل: AREU. ۲۰۰۳.
- گریس. نقش های جنسیت و زراعت: مطالعه قضایا در پنج قریه در شمال افغانستان. کابل: AREU. ۲۰۰۴.
- کریمی. سیستم دوا سازی در افغانستان. نشر نشده. کابل: AREU. ۲۰۰۴.
- کیر- ویلسون و پین. سه قریه در لغمان: مطالعه معیشت های دهاتی. کابل: AREU. ۲۰۰۴.

- کر- ویلسون و غفوری. نظارت بر معیشت ها در دهات افغانستان: شش قریه در الینگار و جنوب پشتون زرغون. کابل: DACAAR ۲۰۰۴.
- لاکوست. شیوه های پس انداز زنان فقیر در زمبابوی: دور نمای اجتماعی و اقتصادی. رساله ارائه شده در کنفرانس در مورد معیشت ها، پس انداز و قروض. واگینگین، هالند. ۲۰۰۱.
- لاوتز، ستیتیس، نجومی، نجیمی، قحطی پول: عدم مصئونیت غذائی در افغانستان. ۱۹۹۹-۲۰۰۲. میدفورد، ماسا چوست: مرکز بین المللی فینستین برای مجادله با قحطی. ۲۰۰۲.
- مانسفیلد. "برتری اقتصادی تولید غیر قانونی مواد مخدر: افسانه و واقعیت"، کشت کوکنار در افغانستان. رساله تهیه شده برای کنفرانس بین المللی در مورد انکشاف متبادل در کنترل و همکاری در مورد مواد مخدر. فیلدافینگ. ۱۷-۲۲ سپتمبر، ۲۰۰۱.
- وزارت احیاً و انکشاف دهات و بانک جهانی. فقر در دهات افغانستان: یافته های اولیه از ارزیابی خطر و آسیب پذیری در سطح ملی در سال ۲۰۰۴. کابل: وزارت احیاً و انکشاف دهات/ کابل. ۲۰۰۴.
- پین. مضیقه در معیشت ها در ولایت فاریاب، شمال افغانستان، فرصت ها برای حمایت. اسلام آباد: سازمان حمایت از اطفال (ایالات متحده امریکا). ۲۰۰۱.
- پین و لاوتز. بحث بر معیشت ها در افغانستان. کابل: AREU. ۲۰۰۲.
- پین. تأثیر اقتصاد تریاک بر معیشت خانوار ها: شواهد از تنگی واخان و دره رستاق در بدخشان. کابل: AKDN. ۲۰۰۳.
- پین. شناخت رسوم و نهاد های قریه: مطالعه مسئله تنظیم آب در سرپل و فاریاب. کابل: AREU. ۲۰۰۴.
- روتر فورد. فقراً و پول آنان. دهلی جدید: مطبعه پوهنتون اکسفورد. ۲۰۰۰.
- دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدر و جرایم (UNODC) اقتصاد تریاک در افغانستان. ژنیو: دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدر و جرایم. ۲۰۰۳.
- وایت هید. "تعقیب تغییرات در معیشت: دورنمای تیوریک، میتودولوژیک و عملی از شمال شرق کشور گانا". مجله مطالعات افریقای جنوبی، ۲۰۰۲. ۲۸(۳): ۵۷۶-۵۹۸.
- ولف. یافته های نظارت بر معیشت ها در سه قریه در سرپل. سند داخلی. کابل: جرمن اگرواکشن. ۲۰۰۴.

نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)

نشریات سال ۲۰۰۲ درینجا لست نگردیده اند.

بحران حقوق ارضی: بررسی عدم مصئونیت ملکیت ها در افغانستان، توسط لیز الدن ویلی	مارچ ۲۰۰۳
رهنمود جامع امداد به افغانستان، چاپ اول و دوم	اگست ۲۰۰۲، ۲۰۰۳
یکصد خانواده در کابل: مطالعه آسیب پذیری در زمستان، توسط جو گریس	سپتمبر ۲۰۰۳
قانون اساسی و مسایل ارضی، توسط لیز الدن ویلی	سپتمبر ۲۰۰۳
مسایل ارضی در ولایت بامیان، توسط لیز الدن ویلی	اکتوبر ۲۰۰۳
سه قریه در الینگار، لغمان: درک معیشت ها در دهات، توسط ایس کیر- ویلسون و ادام بین	اکتوبر ۲۰۰۳
انتخابات افغانستان: آزمایش بزرگ	نومبر ۲۰۰۳
خاتمه بخشیدن به معافیت از کیفر و ایجاد عدالت در افغانستان، توسط رامامانی	دسمبر ۲۰۰۳
مناسبات ارضی در ولایت بامیان: نتیجه گیری ها از مطالعه وضعیت ۱۵ قریه، توسط لیز الدن ویلی	فبروری ۲۰۰۴
یادداشت هائی در مورد معیشت های طبقه فقیر در کابل، افغانستان، توسط پامیلا هنت	فبروری ۲۰۰۴
رهنمود در مورد حکومت در افغانستان، توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و بانک جهانی	مارچ ۲۰۰۴
ادارات محلی در افغانستان: ارزیابی و توصیه ها برای عمل، توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و بانک جهانی	مارچ ۲۰۰۴
ارزیابی خطر و آسیب پذیری در سطح ملی در سال ۲۰۰۳: میتودولوژی عمومی مراجع ذیدخل، توسط اندرو پینی	مارچ ۲۰۰۴
نقش های جنسیت در زراعت: مطالعات وضعیت در پنج قریه در شمال افغانستان، توسط جو گریس	اپریل ۲۰۰۴
درک رسوم و نهاد های قریه: مطالعه مسئله تنظیم آب در فاریاب و سرپل، توسط ادام پین	اپریل ۲۰۰۴
پروگرام های تخم گندم و زراعت در افغانستان: تأثیر بالقوه آن بر معیشت ها، توسط الکسیا کوک	اپریل ۲۰۰۴
آیا پالیسی زراعتی و معیشت ها در افغانستان باهم مطابقت ندارند؟، توسط یان کریستوپولوس	می ۲۰۰۴
چراه گاه های شیوه، ۱۹۷۸-۲۰۰۳: تغییرات در ملکیت های ارضی و منازعه در شمال شرق افغانستان، توسط میروین پاترسن	می ۲۰۰۴
آسیب پذیری در شهر های افغانستان: مطالعات وضعیت در سه شهر، توسط ستیفن شوت	می ۲۰۰۴

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) از وب سایت آن کاپی شده میتواند. کاپی های منتشره جنساً در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) در کابل قابل دریافت اند: چهارراهی انصاری (مقابل انصاف هتل و پوپولا نورستوران)، شهر نو، کابل، افغانستان. برای معلومات مزید در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و نشریات آن به این آدرس ایمیل بفرستید: areu@areu.org.af



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)

چهار راهی انصاری (مقابل انصاف هوتل و پوپولا نو رستوران)
شهر نو، کابل، افغانستان

پست الکترونیکی (ایمیل): areu@areu.org.af

صفحه انترنت (ویبسایت): www.areu.org.af